

گفت و گو با رضای، مترجم

# هر کتاب، داستان خودش را دارد



لازم است چرا که باید مابه‌ازای اصطلاحات و امثال را پیدا کرد و فکر شود که اگر نویسنده امروز زنده بود و می‌خواست اثرش را به زبان فارسی بنویسد، از چه اصطلاحات و واژگانی بهره می‌گرفت؟ چه شگردهایی به کار می‌برد تا مقصودش را به بهترین وجه بیان کند؟

مترجم باید مطالعه کند، منابع زیادی را دم دست داشته باشد و به نقدهای آکادمیک مراجعه کند تا بتواند به زبان و لحن نویسنده نزدیک شود. این قدم اول است. در قدم دوم وقتی مترجم به زبان اثر نزدیک شد، باید تصمیم بگیرد که چگونه آن را به فارسی منتقل کند؟ اینجا هم تلاش مضاعفی

# کتابخانه

شنبه ۴ مهر ۱۳۸۸  
۷ شوال ۱۴۳۰، ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۹  
شماره ۲۰۰، پیاپی ۸۵۱  
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۴-۶۶۹۶۱۵۱  
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir

- ۲  
اعلام اسامی آثار  
راه یافته به مرحله  
نهایی جشنواره نقد
- مشکاتیان سنتور  
مرگ را نواخت
- ۳  
نخستین جایزه ادبی  
هارولد پینتر  
اهدا شد
- ۴  
«مقالات شمس»  
کتاب گویا می‌شود

فردا، طلایه داران  
کتاب دفاع مقدس  
به قلّه می‌رسند



سرگرم  
در دنیای  
توفان و دریا



## سرآغاز

### زنگ نیاموختن

کفش هایش را پوشیده بود و بیرون اتاق بی‌تابی می‌کرد. پس چرا مادر نمی‌آید؟ دلش جوش می‌خورد و احساسی عجیب داشت. انگشتان کوچکش را به جیب شلوار تازه دوخت فرو می‌برد. هیچ نمی‌دانست او که تا امروز تنها خط خطی کردن آموخته، حال باید با این قلم تازه چه کند. قلمی که امروز نوشتن می‌آموخت. عجله داشت. همه داشتیم. بی‌رحمانه گذشت و حالا خاطرم آن نیست چگونه شد که آموختیم. کتاب هاورق زدیم. آن مدادهای نوک تیز آن روزها، تراشیده و تراشیده تر شدند که هیچ، جوهرها بر کاغذ روان کردیم و مشق‌ها راج زدیم. آموختیم ترانه باران را، مژه کردیم مشق نیمه شب سیزدهم فروردین را و دوره کردیم کتاب رنگ باخته را ساعتی قبل از امتحان آخر. چه شد که قلم رازمین گذاشتیم و کتاب را بستیم؟ چه آمد که حالا مناقشه می‌کنند بر سر این که روزی پنج دقیقه با این حروف الفبایم خوردیم یا روزی ۲۰ دقیقه؟ شاید یک چیز را نیاموختیم و کاش او بیاموزد. او که حالا شتاب دارد. کفش نو به پای کیف تازه در دست و قلم نوک تیز و کاغذ سفید در کنار، شاید او بیاموزد که آخرین کتاب، باید همزمان با لحظه آخر عمر بسته شود.

### مدیر کمیته ناشران داخلی نمایشگاه کتاب تهران اعلام کرد

## بررسی پیشنهادهای جدید اختصاص غرفه به ناشران در نمایشگاه

با آنها به دست آمده که پس از بررسی و اندک تغییراتی و همچنین با در نظر گرفتن شرایط و منافع تشکل‌های دیگر، آماده ارائه آن در شورای سیاست‌گذاری برای تصویب هستیم. وی ابراز امیدواری کرد تا این پیشنهادها در شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه کتاب مورد توجه و تصویب قرار بگیرد. مدیر کمیته ناشران داخلی نمایشگاه کتاب تصریح کرد: «فاکتورها و پارامترهای مورد توجه برای اختصاص مترای غرفه در دوره قبل نسبت به نمایشگاه‌های دوره بیستم (سال ۸۴) و ماقبل آن دقیق‌تر بود و بسیاری از ملاک‌ها برای اولین بار مورد توجه قرار می‌گرفت؛ اما به هر حال نیاز داریم تا فاکتورهای تازه‌ای نیز در نظر گرفته شود تا عدالت بیشتری را در باره تخصیص غرفه به ناشران حوزه‌های مختلف شاهد باشیم. بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۱۴ تا ۲۴ اردیبهشت ماه سال آینده در مصلاهی امام خمینی (ره) برگزار خواهد شد.

«محمود سالاری»، مدیر کمیته ناشران داخلی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از راهکار تازه‌ای برای اختصاص غرفه‌های نمایشگاه کتاب تهران به ناشران داخلی خبر داد. وی گفت: در این فرمول تازه که بر اساس پیشنهادهای تشکل‌های نشر شکل گرفته، تلاش شده تا هر ناشر برای دریافت فضای غرفه مورد نیاز خود، با ناشران هم‌صنف خود مقایسه شود. سالاری با اعلام این خبر، به خبرنگار «کتاب هفته» گفت: «در این راهکار تازه سعی شده تا ناشران شهرستانی نیز بتوانند با استفاده از فاکتورهایی چون تعداد آثار چاپ اول، از فضای بیشتری در نمایشگاه کتاب تهران بهره‌مند شوند. این ویژگی برای تخصیص غرفه‌های نمایشگاه کتاب تهران، در دوره‌های قبل برگزاری نمایشگاه کتاب تهران کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. وی ادامه داد: این ویژگی‌ها با حضور نمایندگان تشکل‌های نشر همکار در برگزاری نمایشگاه کتاب و طی جلسات مشترک

خبر خوب برای کتاب‌فروشی‌ها و مراکز پخش امکان جدید برای خرید محصولات کانون فرهنگی آموزش (قلم چی)

با ما تماس بگیرید  
۰۲۰-۱۳۲۰۶۶۴۸

کانون فرهنگی آموزش (قلم چی)

اهل فرهنگ و ادب گوشه‌ای از حرکت عظیم و مستمر انقلاب اسلامی اند که باید آنچه را به عنوان حقیقت می‌فهمند، با فصاحت و بلاغت، بیان کنند. چرا که با شیوه سیاستمداران نمی‌توان در عالم فرهنگ حرکت کرد بلکه باید با تبیین و رساندن حقایق، گره‌گشایی کرد.

بیانات مقام معظم رهبری  
در دیدار شاعران و اهالی فرهنگ ۱۳۸۸/۶/۱۴

## پاسخ به یک شبهه: قرآن، کلام خدا یا کلام محمد (ص)

کتاب «الوحی و النبوة» اثر آیت الله العظمی جواد آملی با ترجمه حجت الاسلام والمسلمین مرتضی جواد آملی توسط انتشارات موسسه اسراء منتشر شد.

کتاب «الوحی و النبوة» در پاسخ به شبهات وحی و نبوت پیش از این به قلم آیت الله العظمی جواد آملی به زبان عربی منتشر شده بود.

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی جواد آملی این اثر را به زبان فارسی برای مخاطبان فارسی زبان ترجمه کرده است. این اثر عهده دار تبیین عقلانی از اعتقاد به وحی و نبوت و پاسخگویی شبهات وارده بر این موضوع است. آیت الله العظمی جواد آملی در این کتاب در خصوص شبهاتی که اخیراً پیرامون کلام خدا یا کلام محمد (ص) و این که آیا قرآن کلام الهی است یا بشری، مطرح شده است، پاسخ گفته‌اند.

کتاب «الوحی و النبوة» ابتدا به عنوان مقدمه کتاب «موسوعة کلمات الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم» به نگارش درآمده بود، ولی پس از آن به صلاحدید نویسنده به صورت مستقل و در سی و شش فصل و یک خاتمه به چاپ رسیده است. «اصل نبوت»، «نبوت انسان»، «ضرورت نبوت»، «علت ضرورت نبوت از دیدگاه خداوند برای مردم»، «همگانی و همیشگی بودن نبوت»، «یکسانی سنت الهی نسبت به همه نقاط عالم در مورد نبوت»، «عدم فراگیری برخی از علوم بدون نبوت»، «مقصد نهایی بعثت و هدف نهایی نبوت» و... بخشی از عناوین ۳۶ فصل کتاب هستند.

مخاطبان این کتاب، فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی هستند و مولف برای این مخاطبان با نگرش فلسفی، عرفانی و قرآنی به موضوع وحی، قرآن کریم و نبوت پرداخته و به پرسش‌ها و شبهه‌های مخالفان پاسخ داده است.

«الوحی و النبوة» در ۳۲۲ صفحه و شمارگان ۳۰۰۰ نسخه در قطع وزیری با جلد معمولی و سخت از سوی انتشارات موسسه اسراء به چاپ رسیده است.

## نمایش پایان نامه‌های

### قرآنی بانوان

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا نوراللهیان، مشاور و دستیار ویژه دفتر مقام معظم رهبری در امور تبلیغی و آموزشی خارج از کشور، با اشاره به تهیه فهرست دقیقی از آثار ۶ هزار بانوی مترجم قرآن طی یک ماه آینده از سوی موسسه اسلامی امام رضا (ع) خبر داد.

وی در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا)، با اشاره به تحقیقات ارزنده‌ای که از سوی بانوان قرآنی کشورمان انجام شده است، از تهیه فهرست دقیقی از ۶ هزار پایان‌نامه تحقیقاتی ترجمه قرآن، حتی به زبان شعر، از بانوان به همت موسسه اسلامی امام رضا (ع)، خبر داد.

وی در ادامه افزود: «این موسسه عنوان‌های مترجمان قرآن را از سراسر کشور و برخی کشورهای دیگر جمع‌آوری و تصویری از آثار آنان نیز تهیه کرده است.»

علی اوجبی: ۷۰۰ مقاله به دبیرخانه جشنواره نقد کتاب رسید

# اعلام اسامی آثار راه یافته به مرحله نهایی جشنواره نقد

«عیار نقد» خبر داد و گفت: «عیار نقد، مجموعه مقالاتی در حوزه مبانی نظری نقد و ماحصل تلاش جمعی از منتقدان و کسانی است که در این زمینه قلم می‌زنند؛ این مجموعه که می‌تواند جنبه آموزشی داشته باشد، در قالب یک کتاب تا پیش از برگزاری جشنواره منتشر خواهد شد.»

وی در پاسخ به این سوال که آیا مقالات این کتاب همان مقالات برگزیده جشنواره‌های پیشین‌اند؟ اظهار داشت: «مقالاتی که در «عیار نقد» آمده غیر از مقالات برگزیده نقد برتر است و بیشتر جنبه آموزشی دارند. ضمن این که مقالات برگزیده سه دوره اول نقد برتر را سال گذشته منتشر کردیم و دوره چهارم و پنجم را هم امسال منتشر خواهیم کرد.»

به گفته اوجبی تقدیر از یک پیشکسوت و یک منتقد جوان و یک نشریه از جمله برنامه‌های جنبی این دوره از جشنواره نقد کتاب خواهد بود.

وی در پایان یادآور شد: «در این جشنواره تنها مقالات منتشر شده در نشریات به رقابت خواهند پرداخت و این رقابت شامل کتاب‌های حوزه نقد به دلیل داوری این آثار در جوایز نظیر جلال، کتاب سال و کتاب فصل نخواهد شد.»

اسامی آثار راه یافته به مرحله نهایی نیز در حوزه‌های فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، ادبیات فارسی و شعر کودک و نوجوان از سوی دبیرخانه این جشنواره اعلام شده است. فهرست کامل این اسامی را در صفحه ۴ بخوانید.



آیین نامه، مقالاتی که به مرحله دوم راه پیدا می‌کنند در صورت احراز امتیاز لازم (۸۰ امتیاز) به عنوان مقالات برگزیده یا شایسته تقدیر معرفی می‌شوند. وی در ادامه افزود: «برای انتخاب آثار برتر محدودیتی وجود ندارد و در این باره هیچ سقفی تعیین نکرده‌ایم، یعنی بدون هیچ منعی می‌توانیم در همه موضوعات مقاله برگزیده داشته باشیم.»

دبیر علمی ششمین جشنواره نقد کتاب، در بیان ویژگی این دوره از جشنواره، از چاپ کتابی با عنوان

## مشکاتیان سنتور مرگ رانواخت

پرویز مشکاتیان موسیقیدان، مدرس دانشگاه و پژوهشگر موسیقی دوشنبه گذشته در سن ۵۴ سالگی درگذشت و جامعه موسیقی سنتی ایران را به سوگ نشاند.

این هنرمند عرصه موسیقی که به گفته دوستانش هرگز از پابندی به اصالت هنری اش تخطی نکرد، کتاب‌های فراوانی در زمینه سنتور و موسیقی ایرانی تألیف کرده که از میان آنها می‌توان به آثاری نظیر: «بیداد: دوازده سنتور»، «پروزی: چهارگاه»، «گل آوا: قطعاتی برای سنتور» و «۲۰ قطعه برای سنتور» اشاره کرد.

«شعر بی‌واژه» نیز عنوان جلد سوم از مجموعه تکنوازی‌های مشکاتیان برای سنتور است که در آینده‌ای نزدیک روانه بازار کتاب می‌شود. بیکر این هنرمند پنجشنبه، دوم مهر ماه جاری با حضور جمعی از هنرمندان و خانواده وی از مقابل تالار وحدت تهران تشییع و به خاک سپرده شد.

مشکاتیان ۲۴ اردیبهشت سال ۱۳۳۴ در نیشابور به دنیا آمد و کار هنری خود را در سن ۶ سالگی نزد پدرش حسن مشکاتیان، که استاد سنتور نوازی بود آغاز کرد. در سال ۱۳۵۳ وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و در کنار آن نزد استادان موسیقی به تلمذ ردیف و مبانی موسیقی ایرانی پرداخت و طی سال‌ها آثار ماندگاری از خود بر جای گذاشت.

### همزمان با بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها

## کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی بازار را قبضه کردند!

در آستانه بازگشایی مدارس، برخی از ناشران در گفت‌وگو با کتاب هفته از افت ۹۰ درصدی فروش در بخش کتاب‌های غیرآموزشی خبر دادند.

به گفته مدیران کتابفروشی‌های آنا، آوای دانش، پیوندنو، کتاب‌محمود و راه‌اندیشه، کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی در یک ماه گذشته بیشترین درصد فروش را به خود اختصاص داده‌اند و این در حالی است که به گفته این کتابفروشان این کتاب‌ها در طول سال نیز در مقایسه با کتاب‌های متفرقه و غیرآموزشی از فروش نسبتاً بالایی برخوردار بوده‌اند.

داریوش اشرف‌الکتابی، مدیرمسئول انتشارات آوای دانش، با اشاره به این که کتاب‌های کمک آموزشی معمولاً در صدر فروش کتابفروشی‌ها قرار دارند، کتاب‌های حوزه دین، ادبیات و روان‌شناسی را به ترتیب پر فروش‌ترین آثار در زمینه کتاب‌های غیرآموزشی در طول سال دانست.

محمد معماری پور مدیرمسئول انتشارات کتاب محمد نیز با تأکید بر این که میزان فروش کتاب‌های کمک‌درسی اصلاً قابل قیاس با کتاب‌های متفرقه نیست، نسبت افزایش فروش کتاب‌های کمک آموزشی را در مقایسه با آثار غیرآموزشی ۹۰

به ارزیابی کرد و این مسأله را در آستانه سال تحصیلی امری همیشگی دانست.

اکبر مزرعه‌فراهمی مدیرمسئول نشر آنا از راکد بودن فروش کتاب در همه حوزه‌های آموزشی و غیرآموزشی در طول سال سخن گفت و میزان فروش کتاب را حتی در حوزه کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی به جز یکی دو ماهی که مقارن با بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها است فروشی بسیار پایین و غیرقابل قبول دانست.

علی نیکدست مدیرمسئول نشر پیوند نو میزان فروش کتاب‌های کمک‌درسی نظیر حل‌المسائل‌ها را در طول سال و به ویژه در شهریور و مهر فروشی بالا ارزیابی کرد و کتاب‌های حوزه داستان، کودک و نوجوان و شعر را به ترتیب از آثار پر فروش در حوزه کتاب‌های غیرآموزشی عنوان کرد.

عباس روزبه مدیرتولید و فروش انتشارات راه‌اندیشه نیز با تأکید بر ضرورت تخصصی نشدن حوزه‌های نشر، گرفتن نمایندگی فروش کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی را توسط ناشران غیرمرتبط، از دلایل افت فروش کتاب‌های ادبی و غیردرسی دانست.

## کرمان میزبان نمایشگاه استانی کتاب می‌شود

ششمین نمایشگاه استانی کتاب در سال جاری از ۲۴ مهر در شهر کرمان برپا می‌شود. حدود ۵۰۰ ناشر در این نمایشگاه حضور می‌یابند. بنا به توافقات انجام شده کتاب‌های نمایشگاه‌های استانی با ۴۰ درصد تخفیف (۲۰ درصد ناشر و ۲۰ درصد معاونت فرهنگی ارشاد) به علاقه‌مندان عرضه می‌شود.

پس از برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب در تبریز و ارومیه که به ترتیب ۶ و ۱۴ مهر برپا خواهند شد، نمایشگاه کتاب کرمان، سومین نمایشگاه کتاب در ماه مهر خواهد بود. حدود ۵۰۰ ناشر برای حضور در نمایشگاه‌های تبریز، ارومیه و کرمان در موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران ثبت نام کرده‌اند که پیش‌بینی می‌شود ناشران حاضر نمایندگی برخی دیگر از ناشران را نیز بپذیرند.

موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران پیش از برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب از امکانات مراکز استان‌ها، بازدید و سپس به برگزاری نمایشگاه اقدام می‌کند. از ابتدای سال جاری تاکنون سه نمایشگاه استانی کتاب در شهرهای اهواز، بیرجند و اردبیل برپا شده است.

### کمبود فضای مطالعاتی در ورامین

اهالی ورامین، چهار هزار متر مربع فضای مطالعاتی در اختیار دارند که کمتر از یک سوم استانداردها مورد نظر نهاد کتابخانه‌هاست.

معاون مدیر کل کتابخانه‌های استان تهران، با اعلام این خبر گفت: «اکنون اهالی ورامین به هشت کتابخانه با زیربنای کلی چهار هزار متر مربع دسترسی دارند. از ۵۴۲ هزار و ۸۳۲ نفر سکنه شهرستان ورامین ۴۵۰ هزار نفر باسوادند که باید از فضای مطالعاتی استفاده کنند. در صورت در نظر گرفتن شاخص ۲۸ متر مربع فضای مطالعاتی برای یک هزار نفر جمعیت و احتساب فضای ۳۵۰ متر مربعی برای هر کتابخانه، باید ۳۶ کتابخانه عمومی در ورامین داشته باشیم.» علی نیکنام، افزود: «در نقشه توسعه عمرانی نهاد کتابخانه، باید ۳۶ کتابخانه عمومی در ورامین داشته باشیم.»



# نخستین جایزه ادبی هارولد پینتر به تونی هریسون رسید

تونی هریسون، شاعر انگلیسی، برنده نخستین دوره جایزه ادبی پینتر شد. این جایزه ادبی توسط انجمن پینتر انگلستان به افتخار هارولد پینتر، نویسنده فقید انگلیسی و برنده نوبل ادبیات راه اندازی شده است.

نخستین دوره این جایزه توسط هیئت داوران، که همسر هارولد پینتر هم در آن عضو است، به هریسون اهدا شده. این نویسنده همواره از پینتر به عنوان یکی از الگوهای خود در نوشتن نام برده است.

این جایزه ادبی که قرار است به صورت سالانه برگزار شود، برای ارج نهادن به توصیه پینتر مبنی بر به تصویر کشیدن حقیقت های زندگی و جامعه راه اندازی شده و به نویسندگانی اهدا می شود که در راستای این اندیشه پینتر قلم زده باشند.

هریسون، چهاردهم اکتبر (۲۲ مهر) در مراسمی این جایزه هزار پوندی را دریافت خواهد کرد. این شاعر و نمایشنامه نویس، شعرهای فراوانی درباره جنگ در بوسنی منتشر کرده که به نظر می رسد، واقع گرایی در این سروده ها، توجه هیئت داوران جایزه پینتر را جلب کرده است. وی، پیش تر جوایز متفاوتی چون جایزه «کاستا»، جایزه شعر «وایت برد» و جایزه ادبی «جفری فابر» کسب کرده است.

پینتر، زمستان گذشته بر اثر بیماری سرطان درگذشت. وی متولد سال ۱۹۳۰ میلادی در شمال شرق لندن است. این نویسنده از سال ۱۹۵۰ سرودن شعر و از ۱۹۵۷ انتشار نمایشنامه را آغاز کرد و تاکنون ۳۰ نمایشنامه از او به چاپ رسیده است.

کارگردانی تئاتر و بازیگری، از دیگر فعالیت های



تونی هریسون

پینتر در طول ۷۸ سال عمرش بوده است.

مخالفت این نویسنده با سیاست های خارجی ایالات متحده آمریکا و انتقاد از او جنگ عراق، در سال های گذشته وی را به چهره ای جنجالی و روشنفکری منتقد تبدیل کرده بود.

درگذشت این نویسنده، توسط منتقدان، ضایعه ای برای جامعه ادبی انگلستان محسوب شد و انجمن ادبی «پینتر» انگلستان تصمیم گرفت جایزه ای ادبی در یادبود و بزرگداشت او راه اندازی کند.

این انجمن اعلام کرده است که این جایزه ادبی برای تقدیر از نویسندگانی خواهد بود که به قول هارولد

پینتر «نگاه تزلزل ناپذیر و مصممی به جهان دارد و برای توصیف حقیقت واقعی زندگی و جوامع ما، از اراده اندیشمندانه قوی برخوردار است». این جایزه ادبی که «پینتر» نام گرفته، به گفته برگزارکنندگان، بدون محدودیت در ژانر، به نویسنده خلاق اعطا می شود که دارای نوع ادبی چشمگیری باشد. هارولد پینتر خود زمانی نایب رییس انجمن پینتر انگلستان بوده است. وی در آن زمان از حقوق نویسندگان زندانی و بازتاب واضح حقیقت ها در ادبیات دفاع می کرد و به همین علت این موارد از شرایط کسب جایزه ادبی «پینتر» محسوب می شود.

## نوارهای محرمانه بیل کلینتون کتاب شد



مصاحبه های محرمانه «بیل کلینتون» رئیس جمهور سابق آمریکا به فاصله هشت سال بعد از پایان ریاست جمهوری او، توسط یک تاریخ نگار در کتابی جدید منتشر شد.

به گزارش اسلیتست، بیل کلینتون، رئیس جمهور سابق آمریکا، طی سال های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱ یک تاریخ نگار حرفه ای را به کاخ سفید دعوت کرد تا ۷۹ مصاحبه ای را که در آن زمان محرمانه محسوب می شد، برای او ثبت کند. این مصاحبه ها و اظهار نظرها محرمانه نگاه داشته می شدند و بیل کلینتون نیز نوار مصاحبه ها را در کشوری میز شخصی اش نگهداری می کرد.

«تیلور برنج» در آن زمان، آنها را ضبط می کرد و بلافاصله متن این مصاحبه ها را می نوشت، اما او حالا همه نوشته هایش را به یک کتاب جذاب با عنوان «نوارهای کلینتون: کشمکش با تاریخ از طریق رئیس جمهور» تبدیل کرده که اواخر ماه جاری میلادی منتشر خواهد شد.

او در این کتاب، صحبت های شخصی کلینتون در جریان ماجرای رسوایی اخلاقی اش، نزاع های شخصی کلینتون با «ال گور» از اعضای بلندپایه حزب دموکرات آمریکا، صحبت های کلینتون درباره اعضای حزب جمهوری خواه و افرادی چون جورج بوش، مک کین و بسیاری از وقایع دیگر را نقل کرده است.

برنج، متن کتاب خود را قبل از انتشار برای کلینتون ارسال کرده تا او هم نکات مطرح شده در آن را تایید کند و کلینتون هم بعضی از قسمت های کتاب را تغییر داده است.

ولی این تاریخ نگار در گفت و گو با روزنامه آمریکایی «یواس.ای. تودی» گفته است که هیچ یک از تغییرات مدنظر کلینتون را در کتاب خود اعمال نکرده است.

## بهترین کتاب داستانی ۶۰ سال اخیر آمریکا انتخاب می شود

شهروندان آمریکایی بهترین کتاب داستانی ۶۰ سال اخیر این کشور را انتخاب می کنند.

به گزارش آسوشیتدپرس، برگزارکنندگان جوایز ملی کتاب آمریکا از شهروندان این کشور درخواست کرده اند با حضور در یک نظرسنجی عمومی، بهترین کتاب داستانی در ۶۰ سال برگزاری این جایزه را انتخاب کنند.

این نظرسنجی از روز دوشنبه، ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریور) آغاز شده و به مدت یک ماه تا ۲۱ اکتبر (۲۹ مهر) ادامه خواهد داشت. برنده نهایی هم ماه نوامبر معرفی خواهد شد.

بر اساس این گزارش ۶ کتاب از سوی برگزارکنندگان جوایز ملی کتاب آمریکا نامزد شده اند که عبارت اند از «داستان های جان چپور» (۱۹۷۸)، «مرد نامربی» نوشته رالف الیسون (۱۹۵۲)، «مجموعه داستان های ویلیام فاکنر» (۱۹۵۰)، «داستان های کامل فلائری اوکانر» (۱۹۷۱)، «جاذبه رنگین کمان» نوشته توماس پینچون (۱۹۷۳) و «مجموعه داستان های ائودورا ولتی» (۱۹۸۲).

## نول گرگ نمایشنامه نویسی انگلیسی درگذشت

نول گرگ، نمایشنامه نویسی انگلیسی، که بهار امسال در دوازدهمین جشنواره بین المللی تئاتر دانشگاهی به ایران سفر کرده بود، از دنیا رفت.

این نمایشنامه نویس، مدرس، دراماتورژ و کارگردان تئاتر پس از ۴۰ سال کار هنری، بر اثر بیماری سرطان درگذشت.

گرگ در سفری که اردیبهشت امسال به دعوت دبیرخانه جشنواره تئاتر دانشگاهی به ایران انجام داد، دو ورک شاپ نمایشنامه نویسی در تهران و قم برگزار کرد و در مراسم رونمایی ترجمه کتابش، «راهنمای عملی نمایشنامه نویسی»، که از سوی دبیرخانه این جشنواره و نشر افراز برگزار شده بود، حضور داشت.

علی اکبر علیزاد، مترجم و کارگردان تئاتر، که در حال حاضر به ترجمه کتاب دیگری از این نویسنده با عنوان «تئاتر نوجوانان» مشغول است، در این باره گفت: برای ترجمه این کتاب با نول گرگ در تماس بودم و حتی برای سفر دوباره او در جشنواره سال آینده تئاتر دانشگاهی، به برگزاری ورک شاپ و داوری صحبت کرده بودیم و قرار بر حضور دوباره ایشان در ایران بود؛ اما یکی از دوستانش از طریق نامه الکترونیک خبر درگذشت این نویسنده را به من داد.

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وبسایت «ایبنا» به شما امکان دست یابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

### نمایشگاه کتاب: هنوز محل مناقشه

هفته گذشته انتشار پیشنهاد یکی از فعالان نشر مبنی بر تعطیلی موقت نمایشگاه کتاب، واکنش های بسیاری برانگیخت. موضوع نمایشگاه کتاب و محل برگزاری آن هنوز هم خیرساز است. علی شجاعی صابین، مدیرعامل موسسه خانه کتاب، در گفت و گو با «ایبنا» گفته است معاونت فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی، اگر توسط دولت و ناشران حمایت شود، توانایی احداث محلی استاندارد برای برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران را دارد. اما حمید قبادی، مشاور معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد در مصاحبه دیگری به «ایبنا» گفته است که ساخت نمایشگاه وظیفه وزارت ارشاد نیست. وی با تاکید بر این که وزارت ارشاد به عنوان نهاد برگزارکننده نمایشگاه آماده ارائه کمک و انتقال تجربه به نهادهای مسوول دیگر است، گفته: مجموعه «شهر آفتاب» آماده برگزاری نمایشگاه کتاب نیست و حتی هنوز عملیات اجرایی ساختمان آن نیز آغاز نشده است و در شرایط موجود و با در نظر گرفتن تمام شرایط، تنها گزینه مناسب برای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، مصلاهی امام خمینی (ره) تهران است.

اصغر نادری، مدیرعامل مصلاهی امام خمینی (ره)، هم در گفت و گوی دیگری با خبرنگار «ایبنا» از «آمادگی مشروط» مصلا برای برگزاری نمایشگاه کتاب خبر داده و گفته است: در صورتی که برگزاری نمایشگاه کتاب محدودیت های مهمی برای ساخت و ساز این محل ایجاد نکند، پس از ایجاد توافق های لازم با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، این نمایشگاه در سال آینده نیز آمادگی میزبانی از بیست و چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران را خواهد داشت.

### هسه در مه و کالیونو در شهر

رضا نجفی، مترجم زبان آلمانی و برخی از آثار هرمان هسه، می گوید که هرمان هسه، برنده آلمانی نوبل ادبیات، در ایران بیش از دو میلیون خواننده دارد، اما با این وجود شعر او در ایران ناشناخته مانده است. جلسه ای برای شناساندن و بررسی هسه به عنوان شاعر، دوشنبه گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد. گزارش کامل این نشست در دو قسمت، در «ایبنا» منتشر شده است. خبرنگار «ایبنا» تقریباً تمام صحبت هایی را که در این جلسه دو ساعته - که با حضور رضا نجفی، مترجم کتاب «پرسه زدن در مه» شامل سروده های هسه و دکتر سعید فیروزآبادی، مدرس زبان و ادبیات آلمان برگزار شد - مکتوب کرده است.

همچنین، گزارشی در «ایبنا» منتشر شده که نشان می دهد ترجمه فارسی رمان معروف «شهرهای نامرئی» اثر ایتالو کالیونو، نویسنده ایتالیایی، کامل نیست و این رمان که چندین بار تجدید چاپ شده حالا با ترجمه جدیدی منتشر می شود که از روی نسخه کامل صورت گرفته و نام کتاب نیز به «شهرهای ناپیدا» تغییر کرده است.

### نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گوهایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی اند که می توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.

## استقبال از «سمک عیار» در بازار کتاب

«سمک عیار» تالیف فرامرز بن خداداد بن عبدالله کاتب ارجانی، به گفته مسوول فروش کتابفروشی راستی نو در هفته گذشته جزو آثار پرفروش بود. این کتاب که این بار با باز آفرینی سودابه بشری به چاپ رسیده، نخستین بار در سال ۱۳۳۸ با تصحیح و مقدمه پرویز ناتل خانلری چاپ و منتشر شده بود و تا سال ۶۲ پنج بار تجدید چاپ و سپس نایاب شد.

«سمک عیار» که در قرن ششم نگاشته شده از معروف ترین داستان های عامیانه فارسی و داستان شاهزاده ای است که برای رسیدن به عشقش درگیر جنگ های بی شماری می شود، اما در همه جا به یاری و کمک عیار پیشه ای به نام سمک و یارانش از بن بست ها نجات می یابد.

«قصه های شب ایرانی» اثر عاطفه بذرافشان؛ «ایران در زمان ساسانیان» اثر آرتور کریستین سن با ترجمه رشید یاسمی؛ «شاه عباس و گنج های نهفته در خلیج فارس» اثر منوچهر مطیعی و «انسان از خداجدان نیست» تالیف عبدالحمین شه میرزادی از انتشارات راستی نو از دیگر آثار پرفروش این کتابفروشی در هفته گذشته بود.

مسوول فروش کتابفروشی بودانیز از پرفروش بودن سه کتاب «گلبرگ زندگی» اثر حسین دهنوی از انتشارات خادم الرضا، «در امتداد حسرت» اثر طیبه امیر جهادی از انتشارات علی و «دا» اثر سیده زهرا حسینی از انتشارات سوره مهر خبر داد.

در حوزه شعر نیز دو کتاب «ای شمع هابسوزید» سروده معینی کرمانشاهی و «اشک مهتاب» سروده مهدی سهیلی از انتشارات سنایی به گفته مدیر این انتشارات برخی از آثار پرفروش در هفته گذشته بوده اند.

## «مقالات شمس» کتاب گویا می شود

محتوای عارفانه است، تصریح کرد: کتاب گویای «مقالات شمس» ضمن حفظ و ذکر ارزش های محتوایی برای مخاطب، بینشی نیز از نثر و توانایی گفتاری زبان فارسی به دست می دهد که شاید کمتر شناخته شده باشد.

به گفته او، چیزی میان ۳ یا ۴ هزار کلمه از «مقالات شمس» برای قرائت در این مجموعه انتخاب می شوند که اکثر کار آن انجام شده، اما مراحل ضبط صدا و موسیقی برای این اثر هنوز شروع نشده است.

سولماز نراقی، شاعر، که مسوولیت این مجموعه را در نشر ماه ریز به عهده دارد نیز در توضیح آن به خبرنگار «کتاب هفته» گفت: مواجه شدن با متون کلاسیک برای عامه مردم ساده نیست و انتشار گزیده این آثار به صورت کتاب گویا، می تواند فتح البابی شود برای عرضه و ارائه اندیشه ایرانی و یافتن تجلی این اندیشه در نثرهای ادب کلاسیک فارسی.

به گفته نراقی، آثاری چون «اسرار التوحید»، «گلستان»، «کشف الاسرار»، «تاریخ بیهقی» و «لغت موران»، از دیگر آثاری اند که نشر ماه ریز در نظر دارد در ادامه مجموعه «مغز» منتشر کند.

وی همچنین در توضیح نام گذاری این مجموعه به نام «مغز» توضیح داد: مجموعه آثار دیداری و شنیداری نشر ماه ریز، به صورت فانتزی به نام اعضای بدن، شامل زبان، مغز، دهان و چشم نام گذاری شده اند. مجموعه «چشم» آثار مرتبط با هنرهای تجسمی را منتشر می کند، «دهان» به موسیقی می پردازد، «زبان» ویژه شعر است و مجموعه حاضر با نام «مغز» آثار منثور ادب فارسی را به صورت کتاب گویا درمی آورد.

این شاعر همچنین تاکید کرد که مجموعه «مغز» تلاش دارد نقبی باشد به اندیشه و هویت ایرانی از راه آثار منثور ادبیات کلاسیک.



می کند. این انتشارات چندی پیش، این مجموعه را با انتشار کتاب گویای «عقل سرخ»، شهاب الدین سهروردی، به صورت لوح فشرده آغاز کرد. این آثار همراه موسیقی منتشر می شوند و در هر یک فردی که خود مسوول انتخاب گزیده ای از کتاب مرجع بوده، بخشی از اثر را قرائت می کند.

به گفته انصاری فر، اولیت های او برای انتخاب گزیده ای از «مقالات شمس»، ظرفیت گفتاری آنها بوده است. به شکلی که از نظر توانایی های بلاغی، شیوا باشند. وی این مجموعه را از روی تصحیح محمدعلی موحد از «مقالات شمس»، انتخاب کرده که در سال ۱۳۷۷ توسط انتشارات خوارزمی منتشر شده است.

وی با تاکید بر این که علاقه جامعه به آثار مولانا و همه مطالب مربوط به او بیشتر مضمونی و به علت

گزیده ای از «مقالات شمس»، برگرفته از سخنان شمس تبریزی که در قرن هفتم هجری توسط شاگردان مولانا و شمس گردآوری شده، به صورت کتاب گویا با صدای هوشیار انصاری فر، منتشر می شود.

انتخاب برخی از این مقالات توسط انصاری فر، شاعر و منتقد ادبی صورت گرفته و با صدای او در ادامه مجموعه «مغز» - کتاب های گویا برگرفته از ادبیات کلاسیک فارسی - نشر ماه ریز منتشر می شود. انصاری فر درباره این مجموعه به «کتاب هفته» گفت: «مقالات شمس» زبان رایج اقشار مردم در زمان خودش را بازتاب می دهد و به نوعی می تواند نماینده غیررسمی زبان فارسی باشد. من این اثر را «زبان پیاده نظام» جامعه آن روزگار می دانم و بدون شک بازخوانی آن و شنیدن آن برای مخاطب عام دارای لطایف بسیار و برای خواص آموزنده است.

وی در توضیح این اثر که مراحل پایانی را برای انتشار به صورت لوح فشرده سپری می کند، ادامه داد: امکانات گفتاری زبان فارسی در کمتر اثری به اندازه «مقالات شمس» واضح است. پاره ای از گفت و گوها که به صورت مونولوگ (تک گفتار) درآمده اند، یا سوال ها و پاسخ ها و اعتراض هایی که در این اثر گنجانده شده، بسیار شنیدنی اند.

مجموعه ای از سخنان و حکایات نغزی که در دوران حضور شمس تبریزی در قونیه (از سال ۶۴۲ تا ۶۴۳ و پس از غیبتی کوتاه در سال های ۶۴۴ و ۶۴۵) در مجالس گوناگون بر زبان این عارف جاری شده، توسط مولانا جلال الدین بلخی، شاعر پارسی گو و شاگردان شمس جمع آوری و به صورت کتابی با عنوان «مقالات شمس» منتشر شده است.

این دومین کتاب گویای انتشارات ماه ریز در مجموعه ای به نام «مغز» است که آثار منثور ادبیات فارسی را به صورت صوتی در لوح فشرده منتشر

## در مراسم رونمایی کتاب «بابانظر» جلوه ای از حقیقت جنگ است

مرتضی سرهنگی طی سخنانی به تاثیر مثبت خاطره نویسی بر روحیه افراد پرداخت و گفت: سربازان جنگ مانند سایر مردم پیرمی شوند اما بانو شدن خاطر ایشان از جنگ می توانند تا ابد مانند جوانی ۲۰ ساله بمانند.

سرلشکر صفوی نیز با تاکید بر ضرورت مواجهه با تهدیدهای امروزی، درباره کتاب خاطرات شهید نظر نژاد گفت: آن چه در این کتاب می خوانید حقیقت جنگ است بدون آن که در آن اغراق شده باشد و امیدواریم این

کتاب هم مانند «حاک های نرم کوشک» که به چاپ هشتم رسیده، مورد استقبال قرار بگیرد. شهردار تهران نیز با ذکر خاطره ای از شهید نظر نژاد، فرهنگ بر خاسته از جنگ را فرهنگی اصیل توصیف کرد که بر خاسته از باورهای دینی مردم است. در پایان این مراسم از حسین بیضایی مصاحبه گر کتاب «بابانظر»، مصطفی رحیمی، تدوینگر این اثر و خانواده شهید نظر نژاد تقدیر شد.



مراسم رونمایی کتاب «بابانظر» خاطرات شفاهی شهید محمدحسن نظر نژاد از دوران دفاع مقدس به قلم حسین بیضایی عصر روز سه شنبه سی و یکم شهریور در سالن سوره مهر حوزه هنری برگزار شد.

در این مراسم که جمعی از نویسندگان حوزه ادبیات دفاع مقدس و برخی مسوولان لشکری و کشوری، حضور داشتند برخی از حاضران در این مراسم به ایراد سخنانی درباره اهمیت، تاثیر و جایگاه خاطره نویسی در حوزه ادبیات دفاع مقدس پرداختند.

سرلشکر یحیی صفوی، دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا، محمدباقر قالیباف، شهردار تهران و همرمز شهید نظر نژاد، حسن بنیانیان، رئیس حوزه هنری، سید مهدی خاموشی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و مرتضی سرهنگی رئیس دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری از سخنرانان این مراسم بودند.

## برپایی جشنواره مشاعره رضوی در لرستان

معاون فرهنگی هنری ارشاد لرستان از برگزاری نخستین جشنواره استانی مشاعره رضوی در این استان خبر داد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان، «امین کمالوندی» با بیان این مطلب گفت: اولین جشنواره استانی مشاعره رضوی همزمان با روز بزرگداشت حافظ (۲۰ مهر) با حضور شاعران استان لرستان برگزار خواهد شد.

وی تصریح کرد: برگزیدگان جشنواره به چهارمین جشنواره ملی مشاعره رضوی در استان بوشهر راه پیدا خواهند کرد. کمالوندی اهداف برگزاری جشنواره را اشاعه و ترویج فرهنگ منور رضوی و تعمیق ارتباط ادبیات فارسی با فرهنگ رضوی عنوان کرد.

## اسامی آثار راه یافته به مرحله نهایی جشنواره نقد کتاب

فلسفی، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.

ادبیات فارسی:

۱. «ویرایش دیگر از شاهنامه»؛ سجاد آیدنلو، آینه میراث، دوره جدید، سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷.

۲. «تاریخ ادبیات فارسی. تاجیکی»؛ نرگس محمدی بدر، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۳، پیاپی ۱۲۷، اردیبهشت ۱۳۸۷.

شعر کودک و نوجوان:

۱. «چهار دلیل برای دوست داشتن خروس کلاه مخملی»؛ انسیه موسویان، کتاب ماه کودک و نوجوان؛ سال دوازدهم؛ شماره ۱۳۷؛ اسفند ۱۳۸۷.

۲. «کلاغ: حادثه ای نو»؛ انسیه موسویان، کتاب ماه کودک و نوجوان، سال یازدهم، شماره ۱۲۹، خرداد و تیر ۱۳۸۷.

۳. آموزش احکام، ۱۰۰ درصد تضمینی در ۱۴ جلد؛ انسیه موسویان، کتاب ماه کودک و نوجوان، سال دوازدهم، شماره ۱۳۳، آبان ۱۳۸۷.

فلسفه غرب:

۱. «عرفان و تفکر»؛ مصطفی ملکیان، کتاب ماه فلسفه، سال اول، شماره ۹، خرداد ۱۳۸۷.

۲. «آزادی و خیانت به آزادی»؛ نوشته آریا برلین، ترجمه عزت الله فولادوند، مرتضی مردی ها، کتاب ماه فلسفه، سال اول، شماره ۱۲، شهریور ۱۳۸۷.

۳. «نگاهی به کارکرد اسطوره»؛ رحمان افشاری، کتاب ماه فلسفه، سال اول، شماره ۸، اردیبهشت ۱۳۸۷.

۴. «تاریخ فلسفه»؛ ابراهیم دادجو؛ کتاب ماه فلسفه، سال اول، شماره ۱۰ و ۱۱، تیر و مرداد ۱۳۸۷.

۵. «بررسی امکان وقوعی ترجمه فارسی وجود و زمان هیدرگ چنان که بسزای چنین کتابی بود»؛ پرویز ضیاء شهابی، پژوهش های فلسفی، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.

۶. «گمگشتگی متن در حواشی»؛ سیاوش جمادی، پژوهش های

ادامه از صفحه ۲  
فلسفه اسلامی:

۱. «چنین گفت ابن عربی»؛ نصرالله حکمت، کتاب ماه فلسفه، سال اول، شماره ۷، فروردین ۱۳۸۷.

۲. «در حُسن کار موحد و نقد ابن عربی»؛ مصطفی ملکیان، کتاب ماه فلسفه، سال اول، شماره ۷، فروردین ۱۳۸۷.

۳. «شرح قواعد المرام»؛ فیروز صادق زاده، کتاب ماه فلسفه، سال اول، شماره ۹، خرداد ۱۳۸۷.

۴. «درآمدی به نظام حکمت صدرایی»؛ عبدالله صلواتی، کتاب ماه فلسفه، سال اول، شماره ۱۰ و ۱۱، تیر و مرداد ۱۳۸۷.

۵. «علم حضوری»؛ شهناز شایان فر، کتاب ماه فلسفه، سال اول، شماره ۱۳، مهر ۱۳۸۷.

۶. «نقدی بر برگردان فارسی فتوحات مکیه»؛ زاهد ویسی، کتاب ماه فلسفه، سال اول، شماره ۷، فروردین ۱۳۸۷.





داستان‌هایی به زبان نامادری: ادبیات مهاجرت از زبان میزبان / ترجمه: اسدالله امرایی  
نشر لحن نو / چاپ اول: ۱۳۸۸ / ۲۶۳ صفحه / ۳۹۰۰ تومان



اگر نگاهی به برندگان سال‌های اخیر جایزه ملی کتاب و جایزه منتقدان مطبوعات آمریکا ببینیم، می‌بینیم که بسیاری از این نام‌ها ملیت‌شان اکتسابی است.

نویسندگانی از سراسر جهان که به آمریکا مهاجرت کرده‌اند و با ذوقی که داشته‌اند، کارهای خود را در زبانی عرضه کرده‌اند که زبان مادری‌شان نیست یا در خانه به آن زبان سخن نمی‌گفته‌اند. از هشت برنده بورس داستان‌نویسی گوگن‌هایم چهار تن یا خارجی بوده‌اند یا زبان‌شان انگلیسی نبوده است. این پدیده ویژه سال‌های اخیر نیست؛ نویسندگان بزرگ و نام‌آورانی در این عرصه به منصفه ظهور رسیده‌اند و نقش بسیار موثری در ادبیات دنیای غرب ایفا کرده‌اند.

کافی است به نام بزرگانی مثل جوزف کنراد که لهستانی الاصل بود و نام اصلی اش یوزف کوزینوسکی بود یا به ولادیمیر ناباکوف اشاره کنیم که در روسیه به دنیا آمده بود. حالا هم هر روز شاهد ورود نام‌های تازه به این عرصه هستیم. همه ساله حدود یک میلیون نفر به آمریکا مهاجرت می‌کنند و امروزه از هر ۱۰ نفر آمریکایی یکی متولد خارج از آمریکاست. با این همه در میان خیل مهاجران، نویسندگان و نواعی هستند که شاید چنانچه باید قدرشان شناخته نشده، یکی از علل این بی‌توجهی بی‌تردید طبقه‌بندی‌شان در قالب چند فرهنگی است. اغلب مهاجران که شامل نویسندگان هم می‌شوند، زبان انگلیسی را زبان دوم خود می‌دانند. پس در اینجا ذکر یک نکته برای روشن‌تر شدن مفهوم زبان نامادری ضروری است. یوسپ نووالویچ و رابرت شپارد از بنیان این مجموعه‌اند. البته مترجم، فقط به انتخاب آنها اکتفا نکرده و داستان‌های دیگری هم اضافه کرده است. برخی از نویسندگان مجموعه در کشوری به دنیا آمده‌اند و در کودکی همراه خانواده مهاجرت کرده‌اند. بعضی از آنها سه چهار زبانه‌اند؛ مادر فرانسوی، پدر لهستانی، تربیت آمریکایی. برخی از آنها زبان انگلیسی، زبان رسمی کشور زادگاهشان

است، اما زبان بومی‌شان فرق دارد. این مجموعه به قصد نشان دادن گوشه‌هایی از استعداد نویسندگان جوان و نامداران این عرصه منتشر شده است. نوکوویچ و شپارد در نامگذاری مجموعه داستان‌هایی به زبان نامادری استدلال‌شان این است که هر چند در کشور مهاجر پذیر گاهی به نویسندگان زیادی خوش می‌گذرد، اما گاه همین نامادری رفتار خشن و سختی با فرزند خوانده‌های خود دارد. داستان‌هایی از دانیل آلاکن پرویی، روت پراور جاب والا لهستانی، پروندسیو دیره‌دا اسپانیایی، آندره آروی روس، شیائولو گیوتو چینی و... در این مجموعه به چشم می‌خورد.

قایق سواری در تهران / محمدعلی سپانلو  
نشر افق / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۱۴۴ صفحه / ۳۰۰۰ تومان



پنج‌جاه سال از چاپ نخستین مجموعه شعر سپانلو تا امروز که این مجموعه «قایق سواری در تهران» را منتشر کرده است می‌گذرد.

آخرین مجموعه او دربرگیرنده ۳۷ شعر کوتاه و بلند است که همه آنها در فضای شهری - تهران - می‌گذرند و چنانچه از نامش مشخص است سپانلو همچنان از تهران و انسان معاصر می‌سراید.

سیمین دانشور در مقدمه هفت صفحه‌ای این مجموعه می‌نویسد: «دوران مادوران فراصنعتی است، هر چند دنیای کشاورزی با ابزار خشنش (بیل و کلنگ و گاوآهن» و دوران صنعتی هم با (موتورش) وجود دارند. شاید آنگاه که بشر به قرن بیست و یکم پرتاب شد، دنیای فراصنعتی بسیار کارها را بر انسان آسان کند. حتی شاید شاعران مواد خام از احساس واژه‌ها و تصویرها را به رایانه‌ها بدهند و رایانه‌ها شعر آنها را بسرایند و شاعر هیچ شود. اما همان‌هیچ هم دوست داشتنی خواهد بود. منتهی آیا چنین روندی به یک نوع هم‌شکلی و یکسانی نخواهد انجامید؟ به هر صورت که بشود یا نشود یقین دارم که محمدعلی سپانلو که شاعرزاده شده است و تمام عمر سرودن را دوام آورده است، همچنان شعرش را خودش خواهد سرود و به هیچ رایانه‌ای اعتماد نخواهد کرد چراکه سپانلو سخت کوش است و گل او را از خاکی سرشته‌اند که با غرور و وقوف درآمخته است، ضمن آن که از فرهنگ و دانش هم برخوردار است...

در مجموعه قایق سواری در تهران، فیلم‌نامه به گفت‌وگو بسنده می‌کند. مناظره «مسافر» و «خزر» درخشان‌ترین بخش‌گفتار است و فروتر از آن تفسیر شاعرانه کاتبی است که در کوچه‌های تقویم پرسه

## «مردی که بازگشت» سینگر به ایران رسید

ترجمه داستان «مردی که بازگشت» اثر ایزاک باشویس سینگر، برنده آمریکایی نوبل ادبیات، در ایران منتشر می‌شود. این کتاب را که فقط یک داستان از سینگر در آن وجود دارد، سمیرا قرایی از فرانسه به فارسی ترجمه کرده است. «مردی که بازگشت» توسط نشر چشمه روانه بازار کتاب ایران می‌شود.

مترجم، این داستان را از یکی از مجموعه داستان‌های سینگر انتخاب کرده. نسخه اصلی این مجموعه داستان در سال ۱۹۸۲ میلادی، با نام اصلی «The collected stories of Issac Bashevis Singer» منتشر شده است. ایزاک بشویس سینگر، داستان‌نویس آمریکایی متولد لهستان، در سال ۱۹۰۲ در «رادز مین» لهستان به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۷۸ به جایزه نوبل ادبیات دست یافت و در سال ۱۹۹۱ در شهر فلوریدای آمریکا درگذشت. سینگر تمام آثارش را به زبان لهستانی نوشته است. او در سال ۱۹۳۵ به ایالات متحده مهاجرت کرد، سردبیر روزنامه «فوروارد» در نیویورک شد و داستان‌های کوتاه خود را برای نخستین بار در آن روزنامه به چاپ رساند.

این نویسنده تحلیل‌های روان‌شناسانه‌ای از شخصیت‌های داستان‌هایش به دست می‌داد و از لحاظ فکری، شیفته اسپینوزا، فیلسوف هلندی بود. شهرت او بیشتر مرهون داستان‌های کوتاهش است. از این نویسنده تاکنون در ایران آثاری چون «کلید»، «زلاته بز پیر» و «یک مهمانی، یک رقص» و داستان‌های دیگر چاپ شده‌اند.

سمیرا قرایی، مترجم داستان «مردی که بازگشت»، تاکنون آثاری از مارتین مارتیک و ورونیک اولمی را به فارسی ترجمه کرده و این نخستین ترجمه وی از آثار داستانی سینگر است. این مترجم، آثار نام‌برده را از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کرده است.



می‌زند و برجسته‌ترین شعر این مجموعه، «لابیرنت» است که رنگ فلسفی می‌گیرد و مگر لایبرنت مهندسی زمان نیست؟ مگر کوچه‌های تودرتو و پیچ در پیچ و پرفراز و نشیب نیست که زندگی ما را می‌سازد؟ سخن آخر آن که سبک سپانلو در این منظومه‌ها جمع میان استناد و تخیل است - واقعیت را به صورتی شاعرانه تصویر کردن است - و از کلیشه‌های رایج تا سرحد توان پرهیز کردن...  
همچنین جلسه رونمایی از مجموعه شعر «قایق سواری در تهران» سروده محمدعلی سپانلو عصر سه شنبه سی و یکم شهریور با حضور جمعی از شاعران و نویسندگان در کتابفروشی نشر افق برگزار شد.

در این جلسه علاوه بر شاعر این مجموعه نویسندگان و شاعرانی چون احمد رضا احمدی، محمود دولت‌آبادی، مدیا کاشیگر، جواد مجابی، شمس لنگرودی، هوشیار انصاری و فروحافظ موسوی حضور داشتند.

شعر «لذت ساختن لایبرنت» چنین شروع می‌شود: عجب طینینی دارد ترانه لایبرنت!  
هزار و اندی برگ - اگر کتاب باشد  
هزار لت نامه - اگر خبر برساند  
هزار توست - اگر دالان باشد  
هزار زمزمه جوپیار  
که در سکوت درختان جنگلی پنهان باشد  
جناب معمار، تبریک!  
تو گم نشدی - برعکس -  
بداعت هنرت

تو را گرفت و به گردش برد؛  
توازی که پدید آمد  
به زخم درد خودت خورد  
چراکه لایبرنت  
مهندسی زمان است  
بدون وسوسه‌ی وقت  
تمام عمر در آن می‌گردی  
و زندگانی خوشبخت حق توست.

چه قدر فرق است  
میان کار تو با شاعری  
که گور خود را در گوشه حیاط بنا می‌کند؛  
تو زنده‌ای  
و از برکت اثر همیشه لذت خواهی برد  
صدای منفردی  
سکوت کاغذی نثر را  
به شعر دالان دالان تبدیل می‌کند  
...

□□□

درخت گلابی / داریوش مهرجویی، گلی ترقی  
انتشارات کتاب سرا / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۴۸ صفحه / ۱۵۰۰۰ تومان



کتاب حاضر فیلم‌نامه فیلم «درخت گلابی» است همراه با نقدهایی درباره این فیلم که در مطبوعات منتشر شده است. علاوه بر این گفت‌وگو با همایون ارشادی، احمد طالبی‌نژاد، گلی ترقی و... نیز در پایان

این کتاب آمده است. فیلم درخت گلابی، ۲۸ دی ماه سال ۱۳۷۷ به نمایش درآمد. یازده سال بعد از آن انتشارات کتاب سرا در سال ۱۳۸۸ چاپ و نشر فیلم‌نامه را انجام داد. فیلم‌نامه، نقدها و گفت‌وگوها، هر یک به قلم و شیوه نگارش دیگری نوشته شده است. گویا ناشر معتقد است به دلیل مصلحت، شیوه نگارش همه اجزای این مجموعه دست نخورده باید باشد و در واقع این علت تفاوت‌ها در نگارش مجموعه به حساب می‌آید. این مجموعه بیشتر به علت دسترسی‌هایی که به مطالب گردآمده در آن بوده، با این مطالب و با این سبک و سیاق تهیه شده است. تلاش شده تا نقدها و نظرهایی گردآید که تا حد امکان برپایه‌تر و در نگاه به فیلم، از هر جهت، عمیق‌تر باشد.

باسمه تعالی

### نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوهِ ملت بزرگ ایران و به منظور نکوداشت سی سال آگاهی و بیداری، بشارت و عدالت، بصورت و آزادی و با هدف ثبت آن همه حماسه آفرینی‌های شور انگیز در حافظه تاریخی بشری، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می‌شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه‌های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت سینه‌ی نشان شریک و دخیل می‌دانند و اهمیت روشنگری و بازشناسی حقایق و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا دریافته‌اند. متناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان معاصر و روش‌های تریبسی، آرمان‌های ملی و آزادی خواهی، نقش سبزی و عدالت نفسی، حماسه سازی، ابتکار و سایر تأثیرات تمدنی آن در جهان کنونی، آثار مفهومی و شایسته‌ای را به گنجینه‌ی ادبیات نمایشی کشور خواهند افزود.

■ مشارک مورد نیاز:

۱. فرم پر شده تکمالی حضور در مسابقه ایران هر نمایشنامه پر کردن یک فرم جداگانه الزامی است و محدودیتی بر تعداد آثار وجود ندارد.
۲. سه نسخه تایپ شده از نمایشنامه به همراه فایل آن در محیط word بر روی لوح فشرده.
۳. یک نسخه عکس پرسنلی نویسنده.

■ جوایز مسابقه:

به منظور حمایت و پشتیبانی معنوی، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهد شد. همچنین جوایزی به رسم یادبود به ده اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می‌شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
۲. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۵۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

■ گاه شمار:

۱. ارسال آثار از طریق پست سفارشی تا تاریخ ۱۳۸۸/۳۰/۰۸
۲. اعلام نتایج و اعطای جوایز تا تاریخ ۱۳۸۸/۳۰/۰۸

فرم تکمالی حضور در نخستین مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

نام نویسنده: \_\_\_\_\_  
میران تحصیلات (یا ذکر رشته و گرایش): \_\_\_\_\_ شماره تماس: \_\_\_\_\_  
انتخاب: \_\_\_\_\_ با امضای کامل از مقام فراخوان نخستین مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مشارک فوق را در صحت و درستی ارائه می‌دهد.

تاریخ و امضاء: \_\_\_\_\_

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و سنای جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۹-  
طبقه دوم، روابط عمومی مسئول پستی، ۲۱۴-۲۱۴۵  
شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۹۶۲۱۴-۶۶۹۶۲۵۴



سایر محمدی

«موسیقی دانان دیروز» و «موسیقی دانان امروز» اثر رومن رولان در دو جلد با ترجمه رضا رضایی به تازگی از سوی نشر کارنامه چاپ و منتشر شده است. رضایی اکنون «دایرةالمعارف بزرگ موسیقی» تالیف جان بارنز را توسط نشر فرهنگ معاصر زیر چاپ دارد که به زودی بر پیشخان کتابفروشی‌ها قرار خواهد گرفت. وی از سویی دیگر، کتاب «هنر داستان‌نویسی» نوشته دیوید لاج را نیز ترجمه کرده که توسط نشر نی برای اخذ مجوز چاپ تحویل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شده است. رضایی متولد ۱۳۳۵ ساری، فارغ‌التحصیل رشته مهندسی مکانیک، اما به عنوان یک مترجم حرفه‌ای به فعالیت مشغول است. وی نخستین کتاب خود را سال ۱۵۷۷ ارائه کرد و در طول این مدت آثار متعددی در حوزه‌های مختلف اعم از سیاست، ادبیات، روانشناسی و موسیقی ترجمه و به بازار عرضه کرده است. رضایی در زمینه ادبیات داستانی رمان «جوان خام» و مجموعه داستان «رویای آدم مضحک» از داستایفسکی و رمان‌های «پنین» و «دفاع لوژین» از ناباکوف و رمان‌های «غرور و تعصب»، «منسفیلد پارک»، «ترغیب»، «اما» و «نورثینگر» از جین آستین را ترجمه و منتشر کرد.

گفت و گو با رضا رضایی، مترجم

# هر کتاب، داستان خودش را دارد



دویست سال پیش با زبان انگلیسی امروز تغییر و تفاوت‌هایی را از سر گذرانده است. مترجم باید مطالعه کند، منابع زیادی را دم دست داشته باشد و به نقدهای آکادمیک مراجعه کند تا بتواند به زبان و لحن نویسنده نزدیک شود. این قدم اول است. در قدم دوم وقتی مترجم به زبان اثر نزدیک شد، باید تصمیم بگیرد که چگونه آن را به فارسی منتقل کند؟ اینجا هم تلاش مضاعفی لازم است چرا که باید مابه‌ازای اصطلاحات و امثال را پیدا کرد و فکر شود که اگر نویسنده امروز زنده بود و می‌خواست اثرش را به زبان فارسی بنویسد، از چه اصطلاحات و واژگانی بهره می‌گرفت؟ چه شگردهایی به کار می‌برد تا مقصودش را به بهترین وجه بیان کند؟

اینها آن چیزهایی است که مترجم باید به دنبالش برود و به یک زبان و قلم ویژه برسد. می‌شود مترجم را نقد کرد که این، آن زبان و قلم نیست اما باید تریبون‌هایی باشد که این نقدها نوشته و منعکس شود. در مجموع تلاش مترجم باید در جهت ارتقای اثر و زبان آن باشد.

آیا در بین مترجمان امروز، مترجمی هست که به کارش علاقه‌مند باشید و برای شما یک مترجم ایده‌آل به حساب آید؟ و اگر تصمیم به مطالعه کتابی داشته باشید ترجمه او را انتخاب می‌کنید؟ اگر در بین مترجمان ایران بخواهیم دنبال مترجم ایده‌آل بگردیم، من نجف دریابندری را به عنوان بهترین مترجم زبان انگلیسی می‌شناسم. آقای محمد قاضی هم در زبان فرانسوی مترجم توانا و قابل بود. شما برای پیدا کردن زبان‌های مختلف در ترجمه آثار، دست به مطالعه آثار چه کسانی می‌زنید؟ آیا ادبیات کلاسیک فارسی را می‌خوانید؟ شعر شاعران دیروز و امروز را می‌خوانید؟ چه می‌کنید؟

به نظر من مترجم بیشتر باید به مطالعه نقد بپردازد. غیر از آن آثاری که نام بریدیم، مترجم لازم است رمان و شعر هم بخواند. اینها به هر حال جزو مطالعات عمومی یک مترجم است. یک سلسله مطالعات اختصاصی هم برای هر مترجمی لازم است که منجر به شناخت آن نویسنده‌ای شود که مترجم قصد ترجمه آثارش را دارد. در این زمینه ممکن است گاهی منابع کمتری وجود داشته باشد ولی کتاب‌های فراوانی به زبان انگلیسی یا فرانسوی هست که باید به این کتاب‌ها مراجعه کرد. به خاطر همین است که ترجمه یک یا دو صفحه از یک متن شاید کار چندان سختی نباشد. من می‌بینم مترجمانی را که خیلی زیاد ترجمه می‌کنند. افرادی را هم می‌بینم که روزی دو یا سه صفحه بیشتر ترجمه نمی‌کنند؛ مثل خودم. من به ازای روزی ده ساعت کار مداوم روزی سه صفحه بیشتر ترجمه نمی‌کنم. برای این که باید دائما در کنار ترجمه، مطالعه و از بسیاری کارها هم اجتناب کرد. در بخش پایانی رمان «دفاع لوژین» تحت عنوان پسگفتار، نقدی بر این رمان نوشته‌اید. آیا مباحث تئوریک نقد ادبی را هم مطالعه می‌کنید؟ و آیا نگرش انتقادی بر همه رمان‌هایی که ترجمه می‌کنید، دارید؟

به هر حال علاقه‌ای در این زمینه وجود داشته که توانسته‌ام آن نقد را بر رمان «دفاع لوژین» ناباکوف بنویسم. در افراد مختلف این علاقه با شدت و ضعف

خواند. نمی‌دانم این را باید به حساب قوت نویسندگان و آثارشان گذاشت یا ضعف اما شاید بتوان گفت نه قوت است نه ضعف. در یک فرایند ممکن است نقطه ضعف نویسنده محسوب شود، اما در صورت تاریخ بر آنها می‌گذرد و قضاوت‌های ما را نسبت به آنها عوض می‌کند. امروز جین آستین برای مخاطبان انگلیسی زبان همان ارزش و جایگاه شکسپیر را دارد. آن یکی در رمان و این یکی در درام به چنین جایگاه رفیعی رسیده‌اند. چهره‌های دانشگاهی نیز، تقریباً چنین نظری درباره جین آستین دارند. شاید ناباکوف هم ده یا بیست سال دیگر، آثارش وضعیتی مشابه آثار جین آستین پیدا کند و مخاطبان عام‌تری را جذب کند.

البته نکته‌ای که لازم است توضیح داده شود این است که جین آستین نویسنده‌ای عامه‌نویس است، نه عامیانه نویس. اینها دو مقوله متفاوت‌اند. بله. درست است. به هر حال مخاطبان آثار جین آستین طبقات متوسط جامعه‌اند و خوانندگان آثار او به لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جزو گروه‌های میانی جامعه به حساب می‌آیند. جین آستین در میان گروه‌های نخبه و مردم فرودست جامعه مخاطبان اندکی دارد.

چه معیارها و مولفه‌هایی یک اثر عامه‌پسند را از یک اثر عامیانه متمایز می‌کند؟ در طول چهارصد سالی که رمان مدرن غرب خلق شده، نویسندگان متعددی وارد عرصه شده‌اند و منتقدانی بر آثار آنها نقد نوشته‌اند. درباره نویسندگانی که در این مدت ظهور کردند و آثاری که منتشر کرده‌اند، فراوان بحث شده است. درباره این آثار کتاب‌ها نوشته شده و در مجامع و مراکز دانشگاهی این آثار مورد کنکاش قرار گرفته‌اند تا معیارهای زیبایی‌شناسی آنها استخراج شوند. به این ترتیب بود که فلسفه زیبایی‌شناختی ادبیات پیدا شد و این تئوری‌ها به دانشگاه‌ها راه یافتند. تشخیص این دو حوزه امروز کار چندان دشواری نیست هر چند شاید راجع به نویسندگان امروز این تشخیص دشوار باشد.

سعی می‌کنم، زبان و لحن هر نویسنده‌ای را پیدا کنم و پس از آن اثر را به فارسی برگردانم. ناباکوف نویسنده‌ای است که در سطح دیگری می‌نویسد و امثال کلامی به شکل دیگری برایش مطرح است. همان‌گونه که اشاره کردید، او خودش دست به واژه‌سازی می‌زند و تعبیرات جدیدی در زبان انگلیسی ساخته و به کار برده است. این‌گونه کلنجار رفتن مترجم با متن یا ترجمه مقاله‌ای از یک روزنامه، تفاوت کامل دارد. در این مقاله قرار است صرفاً گزارشی به مخاطب داده شود، در حالی که در آن جا باید لحن یک نویسنده بازآفرینی شود. جین آستین هم مشکلات خاص خودش را دارد. زبان انگلیسی

به نظر من مترجم بیشتر باید به مطالعه نقد بپردازد؛ لازم است رمان و شعر هم بخواند. اینها جزو مطالعات عمومی یک مترجم‌اند

به نظر من مترجم بیشتر باید به مطالعه نقد بپردازد؛ لازم است رمان و شعر هم بخواند. اینها جزو مطالعات عمومی یک مترجم‌اند

به نظر من مترجم بیشتر باید به مطالعه نقد بپردازد؛ لازم است رمان و شعر هم بخواند. اینها جزو مطالعات عمومی یک مترجم‌اند

به نظر من مترجم بیشتر باید به مطالعه نقد بپردازد؛ لازم است رمان و شعر هم بخواند. اینها جزو مطالعات عمومی یک مترجم‌اند

به نظر من مترجم بیشتر باید به مطالعه نقد بپردازد؛ لازم است رمان و شعر هم بخواند. اینها جزو مطالعات عمومی یک مترجم‌اند

به نظر من مترجم بیشتر باید به مطالعه نقد بپردازد؛ لازم است رمان و شعر هم بخواند. اینها جزو مطالعات عمومی یک مترجم‌اند

شما کتاب «هنر داستان‌نویسی» نوشته دیوید لاج را برای چاپ آماده کرده‌اید. این کتاب چه سالی در انگلستان منتشر شد و آیا تئوری داستان‌های پست مدرنیستی را هم در برمی‌گیرد؟

«هنر داستان‌نویسی» مجموعه ۵۰ مقاله است که چند مقاله از آن قبلاً به فارسی ترجمه و در برخی نشریات ادبی چاپ شده است. اما تا آنجا که من اطلاع دارم این مقالات هیچ‌گاه به صورت کامل و یکجا، چاپ نشده‌اند. دیوید لاج مقالات این کتاب را در فاصله سال‌های ۹۱-۹۰ میلادی در نشریه‌ای منتشر و در سال ۹۲ آنها را جمع‌آوری، حک و اصلاح کرد و در قالب کتابی به دست چاپ سپرد. جدیدترین مباحث تئوری داستان‌نویسی اعم از داستان‌های مدرنیستی و پست مدرنیستی هم در این مجموعه آمده است. یعنی در این کتاب، حدود ۲۰۰ داستان و رمان از نحله‌های مختلف اعم از کلاسیک و مدرن همراه با نمونه داستان‌ها در پنجاه فصل بررسی شده‌اند. البته من در این کتاب متن اصلی داستان‌ها را در کنار ترجمه آنها آورده‌ام تا مخاطب فارسی زبان، بتواند ارتباط بهتری با کتاب برقرار کند.

به نظر می‌رسد حوزه کاری شما بسیار متنوع و پراکنده است؛ چون در حوزه فلسفه و سیاست، در زمینه مراقبه و روانشناسی عمومی، ادبیات داستانی، موسیقی و... کتاب‌های متعددی ترجمه و منتشر کرده‌اید. دلیل این پراکنده کاری چیست؟

واقعیت این است که از نظر من فعالیت در این حوزه‌ها پراکنده کاری نیست. من یک مترجم حرفه‌ای هستم و حیطه علاایقم متنوع است. یعنی خودم علاایق متنوع و مختلفی دارم و کسی را هم به خاطر این مسئله سرزنش نمی‌کنند. البته گاهی کارهایی به صورت سفارشی به من پیشنهاد می‌شود و ناگزیر برای گذران زندگی روزمره آنها را می‌پذیرم. همین موضوع سبب می‌شود تا گاهی آثاری را هم مطابق ذوق و سلیقه خودم برای ترجمه انتخاب کنم.

کتاب‌هایی مثل «موسیقی دانان دیروز»، «موسیقی دانان امروز» یا «موسیقی کلاسیک» جزو آثاری بودند که ترجمه آنها به شما پیشنهاد شده؟

به موسیقی علاقه فراوانی دارم و مدتی هم در حوزه موسیقی کار کرده‌ام. ترجمه این کتاب‌ها به انتخاب خودم بود. حتی آن «دایرةالمعارف بزرگ موسیقی» که قرار است توسط نشر فرهنگ معاصر منتشر شود هم پیشنهاد خودم بود.

تفاوت نویسنده‌ای مثل ناباکوف در مقایسه با نویسنده‌ای مثل جین آستین، از زمین تا آسمان است. شما چگونه هم آثار ناباکوف را ترجمه می‌کنید، هم جین آستین را؟ کدام یک با سلیقه شما همخوانی دارد؟

اگر شما به آثار خود ناباکوف مراجعه کنید، می‌بینید، ناباکوف، اعتقاد دارد که جین آستین، بزرگ‌ترین نویسنده زبان انگلیسی است. خود ناباکوف چنین اعتقادی دارد، آن وقت من در ادبیات جهان از چه پایگاهی برخوردارم که بخواهم جین آستین را رد کنم؟ جین آستین یک نویسنده کلاسیک است و تمام نویسندگان کلاسیک جهان امروز تقریباً عامه‌پسند شده‌اند. حتی اگر تمام آثار کلاسیک جهان را منتشر کنید، بدون تردید عامه مردم آنها را خواهند



دارد. یعنی هم روشنفکران کتاب‌های جین آستین را می‌خوانند، هم افراد عادی. حتی دبیرستانی‌ها هم می‌توانند مخاطبان رمان‌های جین آستین باشند. به همین دلیل رمان‌های جین آستین هر کدام به چاپ‌های متعدد رسیده‌اند اما ناپاکوف چنین مخاطبانی ندارد.

**قبل از انتخاب کتابی برای ترجمه، آیا به مخاطبان آن هم فکر می‌کنید؟ به‌طور کلی گستره مخاطبان یک اثر چقدر در انتخابتان تاثیرگذار است؟**

صددرصد به مخاطبان فکر می‌کنم. چون من مترجمی حرفه‌ای هستم و زندگی‌ام از این راه باید تامین شود پس طبیعتاً کتابی را انتخاب نخواهم کرد که چند صد نفر مخاطبانش باشند، پانصد نسخه بفروشد و بقیه در انبار ناشر بماند. باید برای ترجمه یک کتاب مذاکرات مقدماتی را با ناشر داشته باشم و البته همیشه، همه چیز به دلخواه من پیش نمی‌رود و چیزهایی را بازار به ناشر و مترجم دیکته می‌کند. من جزو معدود مترجمان حرفه‌ای در این کشور هستم که از راه ترجمه نان می‌خورم و فکر نمی‌کنم شما بتوانید در ایران پنج نفر مثل من پیدا کنید که از این راه امرار معاش کنند.

**اتفاقاً می‌خواستم پیرسم آیا زندگی شما از راه ترجمه تامین می‌شود و آیا از حداقل‌های یک زندگی متوسط برخوردارید؟**

آری شود، اما به‌خون جگر شود. چه عرض کنم؟ واقعا زندگی به سختی می‌گذرد. به هر حال من کارهای زیادی دارم که هنوز منتشر نکرده‌ام. کارهای انباشته‌شده از سال‌های پرتلاش گذشته را در دست دارم که فرصت چاپ پیدا نکرده‌اند. الان چهار عنوان کتاب من در انتظار مجوز است. یک کتاب نقاشی هم ترجمه کرده‌ام که آن هم در انتظار مجوز چاپ است، اما هنوز جوابی به من نداده‌اند. به هر حال این آثار باید منتشر شوند تا زندگی من مطابق معمول بگذرد و گرنه به مشکل برمی‌خورم و از تامین حداقل‌های زندگی عاجز می‌شوم. نه حقوقی از جایی می‌گیرم، نه وامی به من داده می‌شود.

«آزادی و زندگی تراژیک» منتشر شد. به دنبال آن سراغ ناپاکوف رفتم که بر اساس علاقه شخصی‌ام به این نویسنده بود. در ترجمه «دفاع لوژین» علاقه‌ام به شطرنج و حضور سالیان متمادی در این عرصه، خیلی دخیل بود. بعد کتاب «پنین» را ترجمه کردم که به عبارتی می‌گویند رمانی ترجمه‌ناپذیر است. من یادداشت‌هایی بر این کتاب نوشته‌ام که هنوز منتشرشان نکرده‌ام ولی این نوشته‌ها را در محافل خصوصی و نشست‌های دوستان‌با برخی از مترجمان در میان گذاشته‌ام. این کار وقت زیادی از من گرفت. ترجمه «پنین» ناشی از علاقه شخصی‌ام به ناپاکوف بود. رسیدن از داستایفسکی به ناپاکوف چندان دور از ذهن نیست، گرچه ناپاکوف، داستایفسکی را اصلاً نویسنده نمی‌داند. اختلاف مسلک، تفاوت دیدگاه‌ها و ناهمگونی سبک رمان‌نویسی، همه اینها در این قضاوت بی‌تاثیر نبود. من به دنبال این بودم که آثار یک نویسنده کلاسیک را به فارسی ترجمه کنم و به دنبال آن نویسنده کلاسیک می‌گشتم که او، جین آستین بود. جورج ایوت، دیکنز و امثال اینها هم بودند. در بین این افراد هم جای خالی آثار جین آستین را در ادبیات فارسی احساس کردم. بعد دیدم مترجمی که بنشیند همه شش رمان او را به فارسی ترجمه کند و در اختیار خواننده قرار بدهد، وجود ندارد بنابراین تصمیم گرفتم این مهم را خودم به عهده بگیرم.

**ترجمه آثار ناپاکوف و جین آستین در بین صاحب‌نظران و مخاطبان چه بازتاب‌هایی داشت؟**

از لحاظ فن ترجمه، بسیاری از دوستان و اهل قلم مرا تشویق کردند و محبت داشتند البته برخی دوستان انتقاداتی هم به من داشتند، هم درباره ترجمه ناپاکوف، هم در مورد ترجمه جین آستین که من این انتقادات را به گوش جان می‌شنوم. اما از لحاظ این که بازار چه جوابی به این ترجمه‌ها داده بالاخره بازار کتاب که بیشتر مشتریان آن طبقه متوسط جامعه هستند از آثار جین آستین استقبال بیشتری به عمل آورد تا آثار ناپاکوف و واضح است که او مخاطبان بیشتری

**خوانندگان حرفه‌ای کتاب و اغلب نویسندگان و شاعران جدی با همین آثار به جرگه اهل قلم پیوسته‌اند. شما با ترجمه آثار جین آستین از طعنه این گروه واهمه نداشتید؟**

طبیعی است که مخالفت با این دسته از آثار از همین جاها شروع می‌شود. بالاخره مگر می‌شود این حجم عظیم کتاب و نشریاتی که در دنیا چاپ می‌شوند را نادیده گرفت؟ مخاطبان این آثار چه کسانی هستند؟ قطعاً این آثار و نویسندگان‌شان سبب می‌شوند که افراد به مطالعه روی بیاورند، کتاب بخوانند، مجله و روزنامه بخوانند و به بعضی از مباحث فرهنگی مانند فلسفه و ادبیات علاقه‌مند بشوند.

به هر حال این آثار برای عام‌چاپ و منتشر می‌شوند و به خاطر خواص نیستند که وارد چرخه توزیع می‌شوند. همه چیز از همین جاها شروع می‌شود و در نهایت عده‌ای از میان این همه مخاطب وارد حوزه‌های تخصصی تری می‌شوند. جامعه‌این پیشرفت را لازم دارد. عده‌ای هم می‌خواهند به جایی برسند که آثاری برای قشر ممتاز و افراد خاص خلق کنند.

**شما فرآیند ترجمه یک اثر را کاری مکانیکی ارزیابی می‌کنید یا کاری خلاقه و هنری؟ اگر ترجمه کاری خلاقه است، مترجم تا حدودی توان نویسندگی و آفرینش را هم دارد که پای ترجمه قربانی می‌کند؟**

من نظرم را با دو رویکرد توضیح می‌دهم. رویکرد اول این است که در ترجمه متن‌های توضیحی (غیر ادبی) نیاز چندانی به خلاقیت وجود ندارد. ترجمه در این عرصه بیشتر متکی به تکنیک و تسلط به موضوع است. من نمی‌خواهم از اصطلاح مکانیکی استفاده کنم اما به هر حال ترجمه چنین متن‌هایی تکنیک و فوت و فن لازم دارد که این را با ممارست و مداومت و مهارت بدون این که نیازی به خلاقیت باشد به دست می‌آوریم و قابل آموزش است.

رویکرد دوم، مربوط به ترجمه متن‌های ادبی و فلسفی است. ترجمه این دست آثار علاوه بر دانش، شناخت و مهارت که لازم است، نیاز به خلاقیت و هنر نیز دارد. مترجم چنین متن‌هایی، در واقع به بازآفرینی می‌پردازد. در اینجا خلاقیت حرف اول را می‌زند و اگر غیر از این باشد آن ترجمه موفق نیست. مترجم باید آن اثر را چنان جذب خود کند و به فارسی برگرداند که با همان حال و هوایی که در متن اصلی جاری است و خود تشخیص می‌دهد، پیاده کند. این روند یک کار خلاقه است و در واقع فرآیند خلاقیت هم همین است.

**آیا شما به کار نوشتن هم می‌پردازید و اثری برای عرضه به جامعه نوشته‌اید؟**

من هم مثل برخی از دوستان چیزهایی می‌نویسم و در کشوی میز کارم خاک می‌خورم اما حاضر نیستم آن را به جامعه عرضه کنم. فعلاً برای دل خودم نوشته‌ام و ترجیح می‌دهم آن را منتشر نکنم اما اگر روزی ضرورتش را احساس کنم این آثار را هم منتشر خواهم کرد. بسیاری از مسائل هست که توسط مترجمان نوشته می‌شود اما برای خودشان می‌نویسند ولی چون مترجمان آثار خود را با نویسندگان بزرگ جهان می‌سنجند و خودشان را در این آثار غرق می‌کنند، فکر می‌کنند که آثارشان ارزش ادبی چندانی ندارد و از چاپ آن صرف نظر می‌کنند. در جریان ترجمه آثار نویسندگان بزرگ، سطح سلیقه مترجم ارتقا پیدا می‌کند و من فکر می‌کنم اگر قرار باشد چیزی منتشر کنم باید در سطح خیلی بالایی باشد.

**اغلب مترجمان در روند ترجمه آثار و با کسب تجربه‌های زیاد از آثار سطحی و عامیانه به ترجمه آثار جدی و عمیق و تا حدودی مشکل‌روی می‌آورند. اما شما از ناپاکوف به جین آستین رسیده‌اید. این مسیر چگونه انتخاب شد؟**

من ترجمه آثار ادبی را از داستایفسکی شروع کردم یعنی ابتدا رمان بزرگی از داستایفسکی به نام «جوان خام» را به فارسی برگرداندم که چاپ چهارم آن اخیراً توسط نشر اختران منتشر شد. بعد مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه داستایفسکی را به نام «رویای آدم مضحک» ترجمه و توسط نشر ماهی منتشر کردم که به تازگی چاپ دوم آن به بازار آمده است. بعد هم نقدهایی راجع به داستایفسکی ترجمه کردم که به نام

وجود دارد، اما مطالعات من در حوزه نقد، بسیار است. من به خاطر کارم مطالعات زیادی در این زمینه دارم. به عنوان مثال برای این که ناپاکوف را بشناسم تا به ترجمه آثارش بپردازم، باید مطالب زیادی درباره او و آثارش می‌خواندم. درباره جین آستین هم وضع به همین منوال بود. من در زمینه آثاری که ترجمه می‌کنم، مطالعات زیادی انجام می‌دهم و طبیعتاً این مطالعات آدم را به دیدگاه‌های تازه‌ای می‌رساند که بتواند راجع به آن کتاب قضاوتی هم داشته باشد. ولی درباره پسگفتار «دفاع لوژین» بالاخص، قهرمان داستان، قهرمان شطرنج است، البته من هم قهرمان شطرنج بودم و سال‌ها در تیم ملی ایران عضویت داشتم در نتیجه حالات و روحیاتی که ناپاکوف برای این قهرمان روسی توصیف می‌کند، برای من خیلی ملموس و آشنا بود. بنابراین به خودم این اجازه را دادم که پسگفتاری بنویسم و قضاوت خودم را به عنوان یک شطرنج باز و به عنوان یک مترجم راجع به این اثر و شخصیت قهرمانش بیان کنم و گرنه حالت عادی من چنین رویکردی ندارم.

**لطفاً در مورد «دفاع لوژین» ناپاکوف بیشتر توضیح دهید.**

«دفاع لوژین» سومین رمان ناپاکوف است. از مقدمه نویسنده بر این رمان معلوم است که شطرنج در این رمان چه نقش و اهمیتی دارد. الکساندر ایوانوویچ لوژین، استاد بزرگ شطرنج، هم خالق استراتژی‌های بغرنج و ظریف است و هم بازیچه مستاصل ترکیب‌بزرگی که به مات شدن او می‌انجامد. لوژین تقلاً می‌کند تا از این ترکیب خلاص شود اما در این تلاش دفاعی در نمی‌یابد و الگوهایی که بی‌رحمانه تکرار می‌شوند محصول وجود متلاطم خود او هستند. لوژین تصور می‌کند که با پیش‌بینی‌ناپذیر کردن حرکت‌های خود و با انجام دادن حرکت‌های غیرمنتظره می‌تواند مسیر آن ترکیب هولناک را عوض کند، اما می‌بینیم که این استاد در همان حال که می‌کوشد از الگوهای تکرار شونده اجتناب کند، خودش با دقت بسیار زیاد مشغول ساختن چنین الگوهایی است. او با تکرار، از تکرار می‌گریزد. چه چیزی لوژین را به فرجام تراژیک می‌کشاند؟ منشأ انفعال روحی این استاد را می‌توان در دوره کودکی پیش از آشنایی‌اش با شطرنج جست. او در کودکی معماگونه رفتار می‌کند و منزوی است اما الگوهای آشفته‌ساز در زندگی‌اش فراوان است و او با تکرار به مقابله با واقعیت می‌رود و به این ترتیب به مرور از زندگی روزمره فاصله می‌گیرد. او استراتژی‌های خاموش دفاعی را ابداع می‌کند و ترکیب‌هایی از اشیا و امور پیرامون می‌سازد. همین‌ها او را آماده می‌کند تا زندگی‌اش را وقف شطرنج کند. شاید شطرنج وسیله‌ای باشد برای تعالی تعارض‌های درون.

**خانم نفیسی در اوایل دهه هفتاد، کتاب «آن دنیای دیگر» را در نقد و بررسی زندگی، آراء و آثار ناپاکوف نوشت؛ زمانی که هنوز ناپاکوف در ایران شناخته شده نبود و آثاری از او به فارسی منتشر نشده بود.**

این کتاب را که سال‌ها پیش در ایران منتشر شده مطالعه کرده‌ام. در این کتاب مطالب بسیار خوبی درباره ناپاکوف و نقد آثارش به چشم می‌خورد ولی تنظیم و تدوین این کتاب فوق‌العاده ایراد دارد. اهمیت کتاب نفیسی در آنجاست که زمانی کتابش را منتشر کرد که ناپاکوف در ایران شناخته شده نبود و آثاری از او به فارسی منتشر نشده بود. او با این کتاب راهی را باز کرد و یک شیوه دیگر از نویسندگی و رمان‌نویسی را در ایران به ما معرفی کرد. در واقع خود ناپاکوف شاخه‌ای در ادبیات انگلیسی زبان است که فقط به شخص او ختم نمی‌شود؛ شاخه‌ای که وی بنیانگذار آن است. خیلی از نویسندگان بزرگ و مطرح امروز که جوایز مختلف را می‌برند، در واقع راهی را می‌روند که ناپاکوف در ادبیات باز کرد. این کتابی که خانم نفیسی در آن زمان چاپ کرد، کتاب بسیار مهمی بود.

**در کشور ما جامعه روشنفکری نسبت به ادبیات عامه، موضع‌گیری دارد، در حالی که اغلب**



**خانه کتاب**

باسمه تعالی

**فراخوان دهمین دوره جایزه کتاب فصل**

دبیر خانه جایزه کتاب فصل به منظور حمایت از کتاب‌های برتر و تشویق محققان، مؤلفان، مترجمان و مصححان متعهد و شایسته کشور و برای ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی در کشور، دهمین دوره جایزه کتاب فصل (تابستان ۱۳۸۸) را برگزار می‌کند. از دانشران، مؤلفان، مترجمان و مصححان محترم دعوت می‌شود آثار خود را که برای نخستین بار در تابستان ۱۳۸۸ منتشر شده است، به دبیرخانه این جایزه ارسال نمایند.

— مهلت ارسال آثار: پانزدهم مهر ماه ۱۳۸۸

— نشانی دبیرخانه: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان برادران ملل و فلسطين جنوبی، شماره ۲۸۰، مؤسسه خانه کتاب، طبقه ۲، - دبیرخانه جایزه کتاب فصل

تلفن: ۹۹۶۶۲۱۹ | تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

گزارشی درباره نویسندگان کهنسال جهان به مناسبت روز جهانی سالمندان

# قلم‌هایی که با خستگی غریبه‌اند

طی سال‌های اخیر، ترجمه چندگفت و گوازارامانگو در نشریه «کتاب هفته» منتشر شده که وی در آنها از سیاست جنگ طلبانه بوش و دولت آمریکا انتقاد کرده است. او ۱۶ نوامبر ۱۹۲۲ در دهکده‌ای کوچک در شمال لیسبون در خانواده‌ای کشاورز به دنیا آمد و دو سال بعد همراه خانواده‌اش به لیسبون رفت و تحصیلات دبیرستانی خود را برای امرار معاش نیمه تمام گذاشت و به شغل‌های مختلفی نظیر آهنگری، مکانیکی و کارگری روزمره پرداخت. پس از مدتی نیز به مترجمی و نویسندگی در روزنامه‌ها مشغول شد.

اگر چه اولین رمان او به نام «کشور گناه» سال ۱۹۴۷ به چاپ رسید، ولی ناکامی او برای کسب رضایت ناشر برای چاپ کتاب دومش موجب شد رمان نویسی را کنار بگذارد تا این که با انتشار کتاب «بالتازار و بلموندا» در سال ۱۹۸۲ و ترجمه آن به انگلیسی در ۱۹۸۸ شهرت به سراغ او آمد. رمانی تاریخی که به انحطاط دربار پرتغال در قرن شانزدهم می‌پردازد.

ساراماگو گاهی در دل داستان‌های خود از جملات طعنه آمیزی استفاده می‌کند که ذهن خواننده را از حوادث تخیلی و اغلب تاریخی داستان خود به واقعیت‌های جامعه امروز معطوف می‌کند.

**گراس، منتقد جدی سیاست‌های جنگ طلبانه**  
گوتتر گراس را نیز باید نویسنده‌ای سالخورده، اما فعال دانست. او برخلاف هموطنش پتر هانتکه که در ۶۰ سالگی خودش را بازنشسته کرد، حتی در ۸۱ سالگی نیز همچنان فعال است. کتاب «سرگرم پوست کندن پیاز» او که سه سال قبل منتشر شد، جنجال‌های زیادی در جهان به راه انداخت. او در این زندگی نامه، به سابقه حضورش در ارتش نازی اعتراف کرد، اما پارلمان آلمان و بسیاری از شخصیت‌ها بدون توجه به حضور یک شخصیت ۱۶ ساله در ارتش نازی، خواستار آن شدند جایزه نوبل از گوتتر گراس پس گرفته شود.

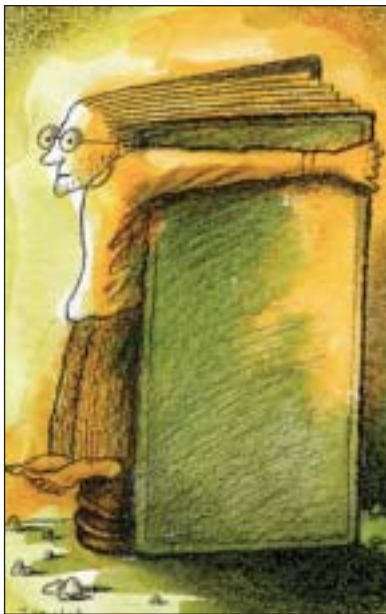
گراس از جمله شخصیت‌هایی محسوب می‌شود که به سیاست‌های جنگ طلبانه آمریکا معترض بوده است. او در گفت و گویی که سال گذشته در نمایشگاه کتاب فرانکفورت انجام داد و در همان روزها ترجمه آن در کتاب هفته منتشر شد، مسائلی از این دست را مورد توجه قرار داد. تمام این شواهد و قرائن نشان از آن دارد که گراس قصد خداحفاظی از نویسندگی ندارد.

او سال ۱۹۲۷ در دانسیگ (گدانسک فعلی لهستان) از پدری پروتستان و مادری کاتولیک، زاده شد. گوتتر گراس سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ در دوسلدورف یک دوره کارآموزی را در کارگاه سنگ تراشی به پایان رساند و سپس در آکادمی هنر دوسلدورف تا پایان سال ۱۹۵۲ به تحصیل در رشته پیکر تراشی و قلم سیاه پرداخت و سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۵۶ در دانشکده هنرهای تجسمی برلین ادامه تحصیل داد. وی پس از پایان تحصیلات به پاریس رفت و تا سال ۱۹۵۹ آنجا اقامت گزید.

مشهورترین رمان او «طلح حلی» است که نمونه برجسته سبک رئالیسم جادویی در اروپا به شمار می‌آید و سال ۱۹۵۹ به چاپ رسید و باعث شهرت گوتتر گراس شد.

دیگر رمان مشهور او «سال‌های سگی» نام دارد که در ۱۹۶۳ منتشر شد و به تلفیق واقعیت با تخیل مشهور است. او در سال ۱۹۸۶ پس از سال‌ها سکوت رمان «موش و گریه» را منتشر کرد.

به جز چهره‌های نامبرده می‌توان از نویسندگانی نظیر فیلیپ راث (۷۵ ساله)، میلان کوندرا (۷۸ ساله)، الکساندر مارک (۸۰ ساله)، کارلوس فونتنس (۸۰ ساله)، پیتر آکرمن (۸۱ ساله)، آلیس مونزو (۷۹ ساله) و حتی سیمین دانشور (۸۸ ساله) یاد کرد که هنوز در قید حیاتند.



کرده‌ام. من درست بعد از جنگ اول جهانی به دنیا آمدم. موقعی که جوان بودم، خشم پدرم در سنگرها بر من مسلط شد و هیچ‌گاه رهايم نکرد. این امر باعث حس دلهره شدیدی در من شد، این باور که اوضاع می‌تواند هیچ‌گاه عادی و مناسب نباشد، بلکه انباشته از مرگ و ویرانی باشد. می‌دانم که جنگ و سنگینی آن پیش‌تر از آن که بفهمم در من بوده است. چه شد که این جنگ هولناک را امکان‌پذیر ساختیم؟ چرا هنوز هم جنگ‌ها را می‌پذیریم؟ همین الان در عراق و افغانستان در وضعیتی دشوار گرفتار شده‌ایم. وقتی که بمیرم خوشحال خواهم بود. مرگ من را از نگرانی برای این جنگ‌ها رها می‌کند.»

دوريس لسینگ ۲۲ اکتبر سال ۱۹۱۹ از پدر و مادری انگلیسی در ایران به دنیا آمد. پدرش آلفرد کوک تایلر که کارمند بانک بود، در جریان جنگ جهانی اول در ارتش انگلیس خدمت می‌کرد. او سال ۱۹۲۵ همراه خانواده‌اش به زیمبابوه مهاجرت کرد. وی که به اجبار به مدرسه‌ای کاتولیک رفته بود، در سن پانزده سالگی مدرسه را رها کرد و از آن به بعد به خودآموزی رو آورد.

اولین رمان لسینگ سال ۱۹۴۹ به نام «چمن آواز می‌خواند» در لندن منتشر شد. او بعد به اروپا رفت و ساکن انگلستان شد. لسینگ در سال ۲۰۰۱ جایزه پرنس استریاس اسپانیا را به خاطر دفاع از آزادی و جهان سوم از آن خود کرد. از آثار لسینگ می‌توان به «دفترچه طلایی»، «سبزه آواز می‌خواند»، «از دواج موفق»، «به خانه رفتن» و «چال مورچه» اشاره کرد.

## حکایت نویسنده شدن ساراماگو

خوزه ساراماگو دیگر نویسنده سالخورده و البته فعال ادبیات دنیاست. این نویسنده پرتغالی، درست مثل لسینگ خیلی دیر به جایزه نوبل و شهرت رسید، با این تفاوت که او نویسندگی را هم به طور جدی کمی دیر آغاز کرد.

ساراماگو سال‌ها به عنوان روزنامه‌نگار به کار مشغول بود. از زمانی که ۲۴ سال داشت، رمانی نوشت که به هیچ وجه مورد توجه منتقدان و خوانندگان قرار نگرفت، اما رمان «کوری» او را در ۵۸ سالگی به جایزه نوبل رساند.

پس از دریافت جایزه نوبل، ساراماگو حیاتی دوباره یافت و هرچند نتوانست دیگر کتابی را با قدرت «کوری» بنویسد، اما همواره به عنوان یک نویسنده روشنفکر، به دنبال حمایت از مسائل حقوق بشر بود.

فارسی برگردانده شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به «پاییز پدرسالار»، «کسی به سرهنگ نامه نمی‌نویسد»، «گزارش یک قتل از پیش تعیین شده»، «چشمان آبی رنگ سگ»، «در ساعت شیطان» و «زنده‌ام که روایت کنم» اشاره کرد.

## لسینگ و دروسری به نام جایزه نوبل!

دوريس لسینگ علاوه بر سن بالا، یک اشتراک دیگر هم با مارکز دارد، زیرا او هم برنده نوبل ادبیات شده و اکنون ۹۰ ساله است. دوريس انگلیسی که البته در کرمانشاه متولد شد، برخلاف همتای اسپانیایی‌اش خیلی دیر به جایزه ادبیات رسید. او دو سال قبل از دریافت جایزه، یعنی در حالی که ۸۸ سال داشت، جایزه یک میلیون و چهارصد هزار دلاری‌اش را دریافت کرد و حتی آنقدر توان نداشت که در مراسم دریافت جایزه حاضر شود.

ماجرای برنده شدن لسینگ هم داستانی عجیب داشت که در همان روزهای دریافت جایزه‌اش کلی سر و صدا کرد. او صبح روزی که آکادمی نوبل، برنده بخش ادبیات را اعلام کرد، مثل خیلی از زنان همسن و سالش به مغازه نزدیک خانه‌شان رفت تا مایحتاج روزانه‌اش را بخرد. هنگامی که از خانه خارج می‌شد، همه چیز عادی بود اما هنگامی که به خانه برگشت تعداد زیادی از مردم را دید که با دوربین فیلمبرداری، میکروفن، واکمن، کاغذ و قلم در مقابل خانه‌اش منتظر بودند. عکس‌هایی که پس از این ماجرا منتشر شد، نشان از داوری بی‌موقع آکادمی نوبل داشت. لسینگ ۸۸ ساله نه نیازی به پول هنگفت آنها داشت و نه این پول به او انگیزه نوشتن کتابی را می‌داد. آکادمی خیلی دیر عمل کرده بود. او در مصاحبه‌ای که همان روزها در بسیاری از خبرگزاری‌ها منتشر شد، گفت که دریافت جایزه نوبل زندگی‌اش را به هم زده و بعد از دریافت این جایزه دیگر آرامش ندارد. لسینگ در این باره گفت: «این روزها تنها کاری که می‌کنم این است که مدل عکاسی بشوم یا آن که وقتم را به خبرنگارانی اختصاص بدهم که می‌خواهند با من مصاحبه کنند. این نویسنده گفت که حتی پول نوبل هم به دردش نخورده است چون مجبور است برای آن که دست ماموران مالیات به آن ترسد، زودتر خرجش کند. او گفت تاکنون ۷۷۵ هزار پوند از پولش را خرج خانواده پرجمعیت‌اش کرده و در نظر دارد زودتر از شریقه پول، که البته تقریباً چندان زیاد نیست، راحت شود.

دوريس لسینگ که بعد از برنده شدن نوبل تقریباً از همه چیز دنیا، از اینترنت گرفته تا نویسندگان و ناشران جوان، انتقاد کرده بود برنده شدن نوبل را یک فاجعه خوب‌بار توصیف کرد. با این همه تایم آنلاین چند روز پیش خبر داد که او به زودی آخرین رمانش را با نام آلفرد و امیلی» منتشر می‌کند. این رمان به نوعی اعتراف نویسنده است. البته او موضوع رمان را «نیمی واقعیت و نیمی داستان» معرفی کرده. اما در مصاحبه‌هایش به گونه‌ای شرح داد که همان نیمه واقعی داستان نیز واقعیت‌های زیادی را دربردارد.

لسینگ ۹۰ ساله به نویسندگان جوان توصیه می‌کند نوشتن را به روزهای بعد نیندازند، چون توان نوشتن همواره با آنان نخواهد بود: «من دیگر فرصتی برای نوشتن ندارم. توان آن را هم ندارم. برای همین است که همیشه به جوان‌ها می‌گویم فکر نکنید این نیرو و توان را همواره خواهید داشت.»

با این توصیف، لسینگ برخلاف مارکز قصد دارد بازنشسته شود. البته او در گفت و گوی کوتاهی که به تازگی انجام داده، از ناشران گله کرده است که اجازه نمی‌دهند راحت سرش را زمین بگذارند! او در این مصاحبه گفته است: «راستش، بارها درباره مرگ فکر

نویسنده‌ای شغلی است که بازنشستگی ندارد، چرا که معمولاً نویسندگان در سنین بالا به توانایی بیشتری برای انتقال تجربه‌های خود در عرصه‌های فرم و محتوا می‌رسند؛ تجربه‌ای که بسیاری از نویسندگان جوان نمی‌توانند آن را داشته باشند.

در نوشته‌ای که در ادامه خواهد آمد، به مناسبت روز جهانی سالمندان، نگاهی به زندگی و آثار چهار نویسنده سالخورده و البته موثر و پرکار جهان خواهیم داشت، نویسندگانی که با وجود سن بالای ۸۰ سال هنوز می‌نویسند و انگار قصد دارند که هیچ وقت قلم خود را زمین نگذارند.

## مارکز، مرد تمام نشدنی

شاید مشهورترین نویسنده کهنه کار جهان را بتوان گابریل گارسیمارکز دانست. این نویسنده ۸۱ ساله کلمبیایی که هنوز به اندازه کافی در دنیا خبر ساز است، در گفت و گویی که دو ماه قبل در مطبوعات جهان منتشر شد، اعلام کرد قصد ندارد به زودی نویسندگی را کنار بگذارد و حتی می‌خواهد رمان جدیدی را هم منتشر کند.

این اظهار نظر مارکز در حالی اعلام شد که کمی قبل از آن، رسانه‌های خبری به نقل از مدیر برنامه‌های او اعلام کرده بودند مارکز خود را بازنشسته می‌کند. البته با توجه به بیماری چند ساله این برنده جایزه نوبل ادبی که گفته می‌شود مبتلا به سرطان است و سن بالای او، پذیرش این نکته که او می‌خواهد بازنشسته شود، بازنشستگی‌اش چندان دور از ذهن نبود. همین باعث شد اخبار ضد و نقیضی از خداحفاظی نویسنده در یکی دو سال گذشته مطرح شود، مبنی بر این که مارکز دیگر نخواهد نوشت. این شایعات زمانی بیشتر قوت گرفت که کارمن بالسلز، بازاریار مارکز و جرال مارتن شرح حال نویسنده او اعلام کردند. بی‌عید می‌دانند گابو دیگر چیزی بنویسد. برخی نزدیکان او معتقدند غول قدیمی ادبیات آمریکای لاتین از نقدهای نه‌چندان مثبت منتقدان ادبی بر آخرین کتابش آزرده خاطر است و قصد دارد قلم را زمین بگذارد.

به هر حال، مارکز اعلام کرد بدون نویسندگی نمی‌تواند زندگی کند. کسی که سالیان طولانی عمر خود را به نوشتن در مطبوعات و ادبیات گذرانده است. او که در سال ۱۹۴۱ اولین نوشته‌هایش را در روزنامه‌ای که مخصوص شاگردان دبیرستانی بود منتشر کرده بود، سال ۱۹۴۷ به تحصیل رشته حقوق در دانشگاه بوگوتا پرداخت و سال ۱۹۶۵ شروع به نوشتن رمان «صد سال تنهایی» کرد و آن را در سال ۱۹۶۸ به پایان رساند. به عقیده بسیاری از کارشناسان و منتقدان، همین اثر، شاهکارش به شمار می‌رود؛ کتابی که او را در سال ۱۹۸۲ به جایزه نوبل رساند.

مارکز سال ۱۹۹۹ به طور رسمی مرد سال آمریکای لاتین شناخته شد و سال ۲۰۰۰ مردم کلمبیا با ارسال طومارهایی خواستار پذیرش ریاست جمهوری کلمبیا توسط مارکز بودند، اما او با آن که با سیاست بیگانه نبود و حتی به عقیده‌های موجب آشتی بسیاری از سیاستمداران آمریکای لاتینی با هم شده بود، این پیشنهاد را نپذیرفت. به عنوان نمونه رفاقت مارکز با فیدل کاسترو، آوازه بسیاری در جهان دارد.

مارکز، یکی از نویسندگان پیشگام سبک ادبی رئالیسم جادویی است، اگر چه تمام آثارش را نمی‌توان در این سبک طبقه‌بندی کرد. او زاده ۶ مارس سال ۱۹۲۷ در دهکده آرکاتاکادر کلمبیاست و علاقه مردمی، چندان نسبت به او بالاست که بسیاری او را با نام مخفف «گابو» صدا می‌کنند.

بسیاری از آثار مارکز (حتی گاه با چند ترجمه) به





از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

# گسست نسل ها و ادعای آقای مترجم!

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند. در نشست هایی که طی چند روز اخیر در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های روان شناسی و شعر در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

## وقتی گسست نسل ها اتفاق می افتد

نشست نقد و بررسی کتاب «نگاهی به پدیده گسست نسل ها» با حضور سید محمود میرسلیمی، روان شناس و استاد دانشگاه، علیرضا کرمانی، جامعه شناس و مریم مرادی، مدرس ارتباطات، در سالن نشست های سرای اهل قلم برگزار شد.

کتاب «نگاهی به پدیده گسست نسل ها» دستاورد سخنرانی ها و مقالات پژوهشگران و استادان ارتباطات، جامعه شناسی و روان شناسی درباره این پدیده است که توسط علی اکبر علیخانی در قالب کتاب جمع آوری و در چهار فصل گوناگون از سوی جهاد دانشگاهی پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی منتشر شده است. در این نشست، گسست به معنای ایجاد شکافی میان ارزش ها و هنجارهای نسل جدید و نسل قبل عنوان شد و کارشناسان، این پدیده را از سه دیدگاه روان شناسی، جامعه شناسی و ارتباطاتی بررسی کردند.

**سید محمود میرسلیمی، روان شناس و استاد دانشگاه:** این کتاب بحث علمی آکادمیک نسبت به پدیده گسست نسل ها دارد. در روان شناسی رشد، از آنجایی که به مبحث هویت شناسی انسان ها معطوف است، نخستین علائم و نشانه های فاصله و گسست پدیدار می شود. این فاصله ها زمانی به وجود می آید که فرزندان احساس می کنند اطلاعات آنها با اطلاعاتی که در خانواده به آنها داده شده، متفاوت است.

در اکثر موارد، خانواده ها می خواهند فرزندان شان دیدگاه آنها را نسبت به پایگاه های اجتماعی و اقتصادی و نگرشی مطابق با آنچه والدین درست می دانند، داشته باشند. اما زمانی که فرزندان به مدرسه می روند، در ارتباط با مدرسه، اجتماع و رسانه های گوناگون با اطلاعات جدیدی مواجه می شوند که پیش از آن نیا موخته بودند و در نتیجه نگرشی متفاوت پیدای می کنند و در پاسخ به این تفاوت ها می گویند که «زمانه تغییر کرده است».

نخستین نشانه های گسست نسل ها، زمانی بروز پیدا می کنند که نوجوان درباره چستی و کیستی خود کنجکاو می شود. نکته ای که در مقالات این کتاب به آن اشاره شده، تفاوت گسست و انقطاع است. انقطاع زمانی اتفاق می افتد که میان تفکرات پدران و فرزندان هیچ گونه اشتراکی وجود نداشته باشد، اما گسست، شکاف بین دو نسل است که برخی از معیارها و هنجارهای آنها، با هم متفاوت باشند. برخی معیارها و هنجارها که از والدین کسب شده، در شخصیت نسل جدید نهادینه می شوند و در بسیاری پس از گذشته سال ها به این ترتیب، فرزندان به والدین خود به عنوان نسلی که بتوانند از آنها الگو بگیرند، احترام می گذارند. در آموزش و پرورش به تمامی دانش آموزان مسائل رایج آموزش می دهند و اگر دانش آموزان بخواهند تا پایان عمر به شیوه یکنواخت رفتار کنند، دیگر نباید شاهد گسست اجتماعی باشیم، در حالی که اغلب با تغییر رفتار فرزندان از دیگر هم سالانسان با یک جهش ناگهانی در عرصه تربیتی، گسست ایجاد می شود.

در این کتاب خانواده ها از نظر روش های تربیتی به چهار دسته تقسیم می شوند. «خانواده های سهل گیر و



دمکرات» امکانات در اختیار فرزندان می گذارند و فرزندان به قدری در انتخاب آزادند که گاهی انتخاب خود را به والدین تحمیل می کنند. «خانواده های سخت گیر و دیکتاتور» دسته دیگرند. در این خانواده های به اصطلاح پدرسالار، فرزندان حق انتخاب ندارند و سرنوشت فرزندان توسط پدرانشان رقم می خورد. دسته سوم «خانواده های رهاکننده» اند. در این گروه، خانواده ها فرزندان را رها می کنند تا در دریای جامعه، گلیم خود را از آب بیرون کشند و حتی در طول تحصیل فرزندان به مدرسه آنها نمی روند. چهارمین و بهترین دسته «خانواده مهربان و منطقی» اند که علاوه بر ارائه امکانات به فرزندان، به نظرات آنها احترام می گذارند و آنها را راهنمایی می کنند.

سه گروه نخست در معرض گسست اند. در نوع اول، فرزندان خودشان تصمیم گیرنده اند و نظرات والدین را قبول ندارند و در نوع دوم در جایی که فشار روانی زیاد شود، فرزندان در برابر عقاید خانواده موضع می گیرند و گروه سوم همان فرزندان خیابانی اند که به راحتی سراغ هر چیزی می روند و گمان می کنند قادر به حل تمام مشکلات خود هستند و از والدینشان نیز هراسی ندارند.

**علیرضا کرمانی، جامعه شناس و مدرس دانشگاه:** در این کتاب با وجودی که بسیاری از استادان و صاحب نظران مقالاتی را ارائه کرده اند، اما بسیاری از نکات مغفول مانده است. مساله گسست نسل ها با وجود این که مساله خاص دنیای مدرن است، اما در زمان های گذشته نیز وجود داشته و به لحاظ جامعه شناختی و روان شناختی این طور تصور می شود که تعلیم و تربیت، نشانه نوعی نگرانی و هراس اجتماعی اند که برای پیشگیری از گسست نسل ها به وجود آمده اند، زیرا اگر این پدیده اتفاق بیفتد، باعث از هم گسیختگی و فروپاشی جامعه می شود.

منظور از گسست اجتماعی، اختلال در باز تولید فرهنگ های سنتی جامعه از سوی نسل جدید است. به لحاظ اجتماعی، ارزش ها و هنجارها نمود اعمالی اند که توسط نسل ها انجام می شوند و اغلب این آداب و رسوم اجتماعی اند که توسط نسل ها انجام می شوند و اغلب این آداب و رسوم اجتماعی اند که تبدیل به هنجار می شوند و در فرهنگ جای می گیرند. این فرهنگ تفاوت یک جامعه را با جوامع دیگر نشان می دهد. حال اگر نسل حاضر نسبت به ارزش های گذشتگان بی اعتنا شود، از هم گسیختگی اجتماعی یا گسست پدیدار می گردد.

او را ترجمه کرده اند.

مشابه این اقبال از همه در دو سوی جهان، در آمریکا در میانه های دهه ۶۰ و در ژاپن وجود داشته و علتش هم برخی ویژگی های آثار هسه است. هسه در آثارش، انسانی نیست که به یک زمان خاص وابسته باشد. بیشتر آثار او محدود به یک دوره خاص نیست و شاید تنها استثنا در این امر، مجموعه نوشته های خاصی باشد که به دوران جنگ جهانی اول اختصاص دارد و تقریباً فراموش شده اند؛ ولی بقیه آثارش همچنان در جایگاه خود باقی اند. بسیاری هسه را به رومانیک ها ربط می دهند، در حالی که جریان رمانیک در آغاز قرن نوزدهم در آلمان مطرح بود. ویژگی هایی از رمانتسیم در آثار هسه دیده می شود ولی نه به طور کامل؛ مثلاً در این کتاب ناتوانی در برخورد با زندگی را در شعرهای صفحه ۱۷ و صفحه ۲۴ در شعر بیمار می بینیم که از ویژگی های مکتب رمانتیک است.

ویژگی دیگر رمانتیک ها پناه بردن به یک زندگی دیگر و گریز از جهان است که در صفحه ۶۵ در شعر سرنوشت آن را می بینیم. همچنین تنهایی که در صفحه ۱۵ در شعر «در مه» آن را می بینیم و جوانی از دست رفته و قادر زندگی را دانستن در سنین میانسال که در صفحه ۲۹ در اولین برف مشاهده می شود. اینها مضمون هایی اند که در کارهای داستانی هسه هم وجود دارند. مثلاً در داستان «جوانی زیباست» یا گاهی در کارهای او جنبه های اتوبیوگرافی را می بینیم.

**رضا نجفی، مترجم مجموعه شعر «پرسه زدن در مه»:** هسه به طور کلی، هم در ایران و هم در دنیا به عنوان رمان نویس معروف است و واقعا هم در درجه اول یک رمان نویس است؛ ولی هسه کار خود را با شعر شروع کرده و آخرین کاری که نیمه تمام در بستر مرگش از او یافته اند، شعر بوده است. نخستین کتابی هم که از او چاپ شد، کتاب شعر است.

۶۳ سال پیش، اولین بار نام هسه در ایران مطرح شد. از آن موقع تا کنون حدود صد عنوان از آثار هسه در ایران ترجمه شده است. هسه در ۲۰ سال اخیر پرمخاطب ترین نویسنده آلمانی و شاید فرنگی در ایران بوده است. با احتساب این آمار و شمارگان کتاب های هسه در ایران، به جرات می توان گفت حداقل دو میلیون نفر هسه را در ایران خوانده اند. نقد کارهای هسه اتفاق نیفتاده است و وقتی ما دو میلیون نفر خواننده هسه داریم، جای تاسف است که می بینیم یک یا دو عنوان کتاب در نقد هسه در ایران ترجمه شده است.

از ترجمه هایی که از آثار هسه انجام شده، ده درصد از زبان آلمانی بوده و از میان آنها به اندازه همان ده درصد، ترجمه قابل قبول دیده می شود. تعجب می کنم چرا این همه طرفدار هسه در ایران هست؛ در حالی که ما اصلاً ترجمه مناسب از هسه نداریم. این همان پدیده فهمیده اند! می خواهم ادعا کنم کسانی که از او خوششان نمی آید هم، او را بد فهمیده اند که اثبات دومی از اولی مشکل تر است.

منبع اصلی من کتابی از یک ناشر آلمانی با نام «از درخت زندگی» و گزیده ای است که خود ناشر از شعرهای هسه انتخاب کرده است؛ ولی بعضی شعرها برایم جذاب نبودند و از جاهای دیگر شعرهایی را ترجمه کردم که برایم جذاب بودند و نخواستم به طور دقیق سلیقه ناشر آلمانی را پیاده کنم. بخش هایی هم که به مضمون مرگ پرداخته اند، از کتابی از هسه به نام «در ستایش سالخورده گی» انتخاب شده است.

هسه شعرهایی هم دارد که در آنها، نوای زندگی بسیار به چشم می خورد.

## مریم مرادی، کارشناس ارتباطات و مدرس

**دانشگاه:** زمانی که فرد وارد یک جامعه می شود، در افق تاریخی و فرهنگی جامعه قرار می گیرد. دوره جوانی، از مهم ترین مسائل جوامع به شمار می رود که از ویژگی های آن نیاز نسل جوان به استقلال است و در این دوره نسبت ارزش های بزرگ ترها دیدگاه انتقادی دارند. امروزه با رشد و گسترش وسائل ارتباط جمعی، با انفجار اطلاعاتی مواجهیم و هر رسانه ای که در این زمینه قوی تر عمل کند، بیشترین تاثیر را بر تفکرات جوانان خواهد داشت. این دریافت های اطلاعات باعث می شود جوانان این اطلاعات را راحت تر بپذیرند و در نتیجه تعمق و تعقل در آنها کاهش می یابد و جوانان را سطحی نگر باری آورد. برنامه ریزان کلان جامعه باید با این جامعه ارتباطی همسو شوند و از این وسایل برای پیشبرد اهداف فرهنگی جامعه استفاده کنند تا کمتر شاهد پدیده گسست از بعد منفی آن باشیم.

## بدفهمی همه گیر: ادعای آقای مترجم!

«پرسه زدن در مه» مجموعه ای از شعرهای «هرمان هسه» رمان نویس و شاعر آلمانی در سرای اهل قلم خانه کتاب با حضور رضا نجفی مترجم این کتاب و سعید فیروزآبادی مترجم زبان آلمانی نقد و بررسی شد.

در این مراسم، رضا نجفی مترجم کتاب «پرسه زدن در مه» و سعید فیروزآبادی، مترجم و مدرس زبان آلمانی، با اجرای احسان عباسلو به نقد و تحلیل شعر هرمان هسه و شخصیت و ویژگی آثارش پرداختند. این نشست به مناسبت انتشار کتاب «پرسه زدن در مه» از سوی نشر هرمس (ترجمه رضا نجفی) برگزار شد. هرمان هسه، دوم ژوئیه ۱۸۷۷ در شهر کالو ایالت وورتمبرگ آلمان زاده شد. نخستین کتاب او با نام اشعار رمانتیک» در سال ۱۸۹۸ در ۲۱ سالگی وی منتشر شد. از آثار محبوب او که در ایران نیز بسیار ترجمه شده، می توان «سیدزاتا»، «گرگ بیابان»، «دمیان»، «نانجیب»، «بازی مهره های شیشه ای» و «ترگس و زرین دهن» را نام برد. از هسه در مجموع ۱۲ رمان، ۱۵ مجموعه داستان، ۱۶ مجموعه شعر و همچنین تعداد زیادی مقاله و آثار پراکنده در آلمان منتشر شده است.

**سعید فیروزآبادی:** هسه بعد از «برشت» سومین نویسنده آلمانی به حساب می آید که آثارش در ایران بسیار ترجمه شده است. اولی نیز «تسوایک» است. هسه محبوبیت بسیار زیادی در ایران دارد؛ ولی مشکل همیشگی اش در ایران این است که ترجمه آثار او از آلمانی نیست و مترجمان زیادی حتی یک اثر واحد از



علی هادیلو

«روش شناسی پاسخ گویی به پرسش های اعتقادی در فرهنگ قرآن و اهل بیت (ع)» کتابی پژوهشی است از حجت الاسلام محسن عباسی ولدی - از مدرسین حوزه علمیه قم - که به تازگی منتشر شده است. این کتاب با بررسی شیوه های قرآن و ائمه اطهار (ع) در پاسخ به سوالات اعتقادی، سعی می کند تا این شیوه ها را به شکل امروزی بیان کند. این مولف از جمله محققان و پژوهشگران علوم دینی است که علاوه بر این کتاب، آثاری از جمله «انتظار مطهری»، «موسیقی، انسان، خدا» و «فطرت حقیقت جویی، پاسخ به سوالات دینی کودک»، «ردپای آشنا» و «چرایی و چگونگی مطالعه آثار شهید مطهری» را در کارنامه خود دارد. در گفت و گوی زیر به بررسی کتاب تازه وی پرداخته ایم.

## در گفت و گو با حجت الاسلام محسن عباسی عنوان شد

# پژوهشی متمایز با ارائه مستندات

می دهد. در سیره اهل بیت (ع) می بینیم که برخی از شبهات را با رفتار پاسخ می دادند و برخی را با گفتار و برخی را اصلاً پاسخ نمی دادند؛ چرا که ریشه پیدایش اولی مسأله تربیتی بوده، دومی جهل و سومی عناد. حالا همین رامی خواهیم در امروز جامعه خود کاربردی کنیم. بنده کاربرد این قاعده را در قالب یک خاطره بیان می کنم. یک بار دانشجویی در نمازخانه خوابگاه سراغم آمد و پرسید: چرا باید نماز خواند. بنده هم از او پرسیدم تو چرا می پرسی چرا باید نماز خواند. او از سوالم تعجب کرده بود. در ادامه به او گفتم: «دو جور می شود از فلسفه نماز پرسید؛ گاهی انسان نمی داند که چرا باید نماز خواند، می پرسد که بدانند، اما گاهی نمی خواهد که نماز بخواند نماز را زیر سوال می برد که نخواند، مثلاً با خدا مشکل پیدا کرده و از او گله مند است. تصمیم می گیرد نماز نخواند اما وجدان به سراغش می آید و او هم برای مقابله با وجدان نماز را زیر سوال می برد و می گوید اصلاً چرا باید نماز خواند. برایش جالب بود. گفتم: حقیقتش من از دسته دوم هستم. گفتم حالا مشکلات چیست؟ گفت: من یک سال برای



به آن پرداخته اند؛ اما در این تحقیق تمام بحث روی این شیوه ها متمرکز شده است. البته در کتاب مذکور نیز فقط مناظرات انبیاء و امام صادق (ع) آمده و نویسنده معترض پرسش های مردم عادی که در زمره دشمنان نبوده و قصدشان فقط دریافت حقیقت بوده نشده است؛ در حالی که در این تحقیق گسترده بحث مناظرات و پرسش ها را دربرمی گیرد.

پنجمین تمایز این پژوهش با پژوهش های دیگر در تعهد شیوه های مطرح شده است. مجموع شیوه هایی که در این کتاب ها آمده است، نسبت به آنچه در قرآن و سیره و سخنان اهل بیت (ع) وجود دارد، ناچیز است؛ مثلاً در «الاتقان» فقط به هفت مورد، در «هدایت در قرآن» به ۱۰ مورد و در «شیوه مناظرات انبیاء و امام صادق (ع)» به ۱۷ مورد برای شیوه انبیاء (ع) و ۱۲ مورد از شیوه های امام صادق (ع) اشاره شده است اما در این تحقیق با توجه به تعریف وسیعی که از روش وجود دارد، به بیش از ۷۰ مورد اشاره شده است.

و ششمین شیوه که این پژوهش را ممتاز می کند، مستندات آن است. مستندات کتاب های معرفی شده بیشتر، آیات و روایاتی است که به صورت مستقیم، پرسش و پاسخی را دربرمی گیرد، اما در این تحقیق سراغ روایات دیگری که می تواند با بحث ما ارتباط داشته و در عین حال پرسش و پاسخی را هم دربر نمی گیرد، رفته ایم.

**پرسش های اعتقادی، متناسب با هر زمانی تغییراتی دارد، آیا روش های قرون اولیه اسلام کارکردی در پاسخ به سوالات اعتقادی نسل امروز دارد؟**

آنچه ما به دنبال آن هستیم، قاعده هاست. امام صادق (ع) فرمود: «علینا بالقاء الاصول و علیکم بالتفریع» ما قاعده ها را بیان می کنیم شما مسأله های خود را از میان این قاعده ها بیرون بکشید. قاعده زمان بردار نیست. بگذارید برای این که هم بحث ملموس شود و هم پاسخ سوال شما به صورت کاربردی داده شود به یکی از این قاعده ها اشاره کنم. یکی از قاعده هایی که ما در این کتاب به مدد آیات و روایات آورده ایم «به دست آوردن ریشه پیدایش سوال» است. در این قاعده می گویم ابتدا باید دید چرا یک سوال پیش آمده، سپس پاسخ آن را متناسب با ریشه داد. درست مثل پزشک که دارو را متناسب با ریشه درد

روش های قرآنی در پاسخگویی دارند؛ مثلاً در ذیل آیه ۱۲۵ سوره نحل: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جدالهم بالتی هی احسن» بسیاری از مفسرین به تبیین سه شیوه حکمت، موعظه و جدال احسن پرداخته اند.

در برخی از تفاسیر موضوعی یا کتاب هایی که با موضوع علوم قرآنی نگارش یافته نیز قسمتی به این بحث اختصاص یافته؛ مثل سیوطی در «الاتقان» و آیت الله جوادی آملی در «سیره رسول اکرم (ص) در قرآن» و «هدایت در قرآن».

دسته دوم کتاب هایی که کل بحث خود را به روش شناسی اختصاص داده اند. در اینجا بنده فقط به یک کتاب برخورد کردم که موضوع خود را به روش شناسی آن هم قسمتی از آن اختصاص داده بود. این کتاب با عنوان شیوه مناظرات انبیاء و امام صادق (ع) منتشر شده که نوشته خانم سید فاطمه حسینی میر صفی است.

اما تحقیقی که بنده انجام داده ام دارای ویژگی هایی است که آن را از آنچه معرفی کردم متمایز می کند. اولی از بعد محدوده بررسی است. برخی از آنچه معرفی شد، فقط در محدوده قرآن شیوه ها را بررسی کرده و به روش اهل بیت (ع) نپرداخته اند، مثل «الاتقان» و «هدایت در قرآن». برخی هم که به روش اهل بیت (ع) پرداخته اند به یکی از این بزرگواران بسنده کرده اند؛ مثل «سیره رسول اکرم (ص) در قرآن» و «شیوه مناظرات انبیاء و امام صادق (ع)» اما گستره این تحقیق قرآن و سیره و سخنان همه اهل بیت (ع) است.

دومین تمایز در نوع نگاه به شیوه و روش است، با توجه به آنچه از شیوه ها در این کتاب های معرفی شده آمده، به نظر می رسد نویسندگان محترم فقط بر روی شیوه انتقال استدلال به مخاطب متمرکز شده و نظری بر آموزش روش پاسخگویی از ابتدا تا انتها؛ یعنی از قبل از پاسخگویی تا خود پاسخگویی نداشته اند؛ اما این تحقیق بنا دارد که مخاطب را قدم به قدم از ابتدا یعنی قبل از این که وارد عرصه پاسخگویی شود تا وقتی که مشغول پاسخگویی می شود با ابزار لازم و مسیر صحیح آشنا کند؛ مثلاً تهذیب نفس، از نگاه نویسندگان محترم مذکور از شیوه ها محسوب نمی شود؛ اما با نگاهی که این تحقیق به روش پاسخگویی دارد، اگر این نکته لحاظ نشود موجب خواهد شد که مسیر پاسخگویی دچار انحراف یا تزلزل شود که در جای خود درباره آن بحث کرده ایم.

سومین تمایز در تقسیم بندی منظم شیوه هاست، در هیچ یک از این تحقیقات به شیوه ها نظم خاصی داده نشده و شیوه ها پشت سر هم بدون چینش خاصی آمده؛ در حالی که در این تحقیق شیوه ها نظم خاصی پیدا کرده و در دو فصل کلی «پیش نیازهای پاسخگویی» و «مسیر پاسخگویی» مطرح شده است. مسیر پاسخگویی نیز در سه قسمت «پرسش»، «پرسشگر» و «پاسخ» آمده و پاسخ هم به چهار قسمت «نکات اخلاقی»، «نکات مربوط به وازها»، «مستندات» و «شیوه ها» تقسیم شده است. این تقسیم بندی باعث می شود مخاطب چارچوب منظمی نسبت به قواعد در ذهن خویش یافته و جایگاه هر شیوه را بداند.

چهارمین ویژگی این کتاب نگاه مستقل بنده است. در تمام کتاب های معرفی شده به جز کتاب «شیوه مناظرات انبیاء و امام صادق (ع)» نگاه مستقلی به بحث نداشته اند، بلکه به عنوان بحثی در میان بحث های دیگر

پیشینه چنین تحقیقاتی به چه زمانی بازمی گردد؟ آیا تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت گرفته است یا کتاب شما شروعی برای این پژوهش در این حوزه است؟

بگذارید این سوال را با مروری بر آنچه موجب شد بنده به فکر این تحقیق بیفتم پاسخ بدهم. در حدود سال ۷۸ بود که برای پاسخگویی به پرسش های اعتقادی دانش آموزان در مدارس حاضر می شدم. این حضور چند ساله موجب شد که از نزدیک با دغدغه های اعتقادی دانش آموزان و جنس پرسش های آنها آشنا شوم. پس از آن در سال ۸۱ بود که به شیراز رفتم و در مجتمع علوم قرآنی غدیر، درسی را با عنوان اصول عقاید تدریس کردم. بنده اصول عقاید را با شیوه معمول تدریس نمی کردم بلکه در هر جلسه پرسش های بنیادینی درباره مسائل اعتقادی مطرح کرده و درباره آن بحث می کردم. در همان جلسات بود که با توجه به تجربیاتی که در صحنه پاسخگویی به دانش آموزان به دست آورده بودم، نکاتی درباره شیوه پاسخگویی هم می گفتم. سه سال بعد وقتی به قم برگشتم به این فکر افتادم که آن شیوه ها را به صورت یک کتاب در بیآورم که برای پاسخگویان عرصه مسائل اعتقادی قابل استفاده باشد. در حین نوشتن آن کتاب به ذهنم رسید برای هر یک از این قواعد که حاصل تجربیات خودم بود شهادی از آیات و روایات بیآورم. به همین دلیل به منابع دینی مراجعه کردم، اما این مراجعه مسیر نوشتن این کتاب را به کلی تغییر داد. در آنجا بود که دیدم دین علاوه بر این که به پرسش های اعتقادی توجه ویژه کرده، از شیوه ها هم غافل نبوده و اصلاً بدون در نظر گرفتن این شیوه ها نمی توان پاسخگویی موفقی بود. این بود که تصمیم گرفتم تحقیقی با این عنوان آغاز کنم، «روش شناسی پاسخگویی به پرسش های اعتقادی در فرهنگ قرآن و اهل بیت (ع)». در ابتدای این گونه به نظر می رسید که درباره چنین مسأله مهمی باید کتاب های مستقل زیادی نوشته شده باشد؛ اما بنده هر چه گشتم پیدا نکردم. سراغ علمای طراز اول حوزه رفتم و با آنها نیز مشورت کردم. تقریباً نتیجه مشاوره با تمام آنها که تعدادشان هم کم نبود، این که اولاً چنین کتابی با این گرایش نوشته نشده، ثانیاً انجام چنین تحقیقی ضروری و لازم است.

**کتاب شما در میان پژوهش های موجود چه جایگاهی دارد؟**

کتاب هایی را که درباره پرسش ها و پاسخ های اعتقادی در حوزه قرآن و اهل بیت (ع) نوشته شده است را می توان به این صورت تقسیم بندی کرد: دسته اول کتاب هایی که پرسش ها و پاسخ های مردم امروز را با استفاده از مبانی دینی پاسخ می دهند؛ مثل «پرسش ها و پاسخ های مذهبی» نوشته آیت الله مکارم شیرازی، دسته دوم کتاب هایی که متن پرسش ها و پاسخ های میان مردم و اهل بیت (ع) را ذکر کرده و اشاره ای به شیوه و روش آنها نکرده است. از این دسته می توان به آثاری مانند «الاحتجاج»، برخی از مجلدات چون «بحار الانوار»، «التوحید»، «معانی الاخبار و عیون»، «اخبار الرضا» و «علل الشرایع» اشاره کرد. دسته سوم کتاب هایی که علاوه بر پرسش و پاسخ، به روش پاسخگویی در قرآن و سیره و سخنان معصومین (ع) نیز اشاره کرده است. در اینجا نیز کتاب های دو دسته اند: «دسته اول کتاب هایی که بخشی از آن به تحلیل و بررسی این شیوه ها اختصاص یافته؛ مثل بسیاری از کتب تفسیری که در ذیل برخی از آیات اشاره ای به

کنکور از همه خوشی هایم گذشتم. شب و روز زحمت کشیدم؛ اما پس از اعلام نتایج متوجه شدم که در رشته ای قبول شده ام که به خاطر آن اظرفیانی مرا مسخره می کنند. من دامپزشکی قبول شدم و حالا هم مورد سرزنش نزدیک ترین اعضای خانواده ام هم قرار می گیرم. الان به خدا می گویم چرا با این همه زحمت مراد در این رشته قبول کردی؟ حالا که این طور شد من نماز نمی خوانم. وقتی صحبت هایش تمام شد بنده حدود بیست دقیقه تا نیم ساعت با او حرف زدم؛ البته نه درباره فلسفه نماز بلکه درباره دو مطلب. اول درباره اهمیت رشته دامپزشکی و جایگاه آن در جامعه امروزی و دوم درباره میزان اهمیتی که انسان باید به حرف مردم بدهد. صحبت هایم که تمام شد بلند شد که برود. گفت من قانع شدم و می خواهم نماز را بخوانم. گفتم بنشین درباره فلسفه نماز برایت بگویم. گفت: نه دیگر نیازی نیست. حالا اگر بنده این قاعده را در نظر نگرفته بودم و از همان ابتدا وارد فلسفه نماز شده بودم فکر می کنید که این دانشجو قانع می شد؟ در قرآن و سیره اهل بیت (ع) پر است از این قاعده ها.

**به نظر می رسد این خاطرات و تجربیات در ملموس کردن این قواعد نقش موثری دارد. آیا در کتابتان از این خاطرات آورده اید؟**

در ابتدای نگارش این کتاب برای هر کدام از این قواعد خاطره ای را به صورت داستان واره می آوردم اما بعد دیدم که با آمدن این خاطرات حجم کتاب بسیار زیاد می شود. به همین دلیل آنها را حذف کردم و بیان آنها را به کلاس واگذار کردم.

**یعنی این کتاب قابلیت تدریس هم دارد؟**

پس از حذف این خاطرات بنای بنده بر این بود که کتاب دو منظوره نوشته شود؛ هم برای مطالعه و هم برای تدریس.

**مخاطبان اصلی کتاب چه کسانی هستند؟**

اگر به صورت کلی بخواهم بگویم مخاطب اصلی این کتاب هر کسی است که در عرصه پاسخگویی به سوالات دینی فعال است. به صورت جزئی هم روحانیان، معلمان دینی و پرورشی و اساتید و معارف همچون مشاورانی که در عرصه مسائل دینی هم به محل مراجعه هستند مخاطبان این تحقیق هستند.

ادامه در صفحه ۱۱





وقتی کتاب سازی به تفرقه ها دامن می زند

# مسأله وهابی

تابستان امسال، در سفر به یکی از کشورهای همسایه به صورت کاملاً اتفاقی با گروهی از گردشگران تونس، از آفریقای شمالی هم صحبت شدم. یک گروه ۱۰ نفره از زن و مرد و همه با هم خویشاند، درباره تونس با آنها صحبت کردم. آنها به شدت علاقه مند بودند که موضوع صحبت را از حرف های روزمره از کشور سومی که هر دو در آن گردشگر بودیم، به مسائل مذهبی بکشاند، هر چند در ظاهر آدم های مقید به تعالیم مذهبی به نظر نمی رسیدند، اما وقتی رشته کلام را به دست می گرفتند، چنان اتهاماتی را به شیعیان نسبت می دادند و چنان شیعیان را به خرافه های متهم می کردند که حتی هموطنان اهل تسنن نیز از شنیدن آنها تعجب می کردند! آنجا بود که من تازه دریافتم چگونه قدرت تبلیغات و رسانه می تواند افکار عمومی را در جایی مثل تونس چنان تغذیه کند که ذائقه حقیقت طلب آدمی را به تمامی کور کند و از کشوری به عظمت ایران، چنین موضوعات سخیفی را منعکس کند و از تشیع، خرافه هایی را که در هیچ قلب شیعه ای خطور نخواهد کرد، بر سر زبان ها بیفکند؛ آن هم نه گروه های عامی و افشار فرودست بلکه جمعی از تحصیل کردگان جوان که عده ای از آنها حتی در کشورهای اروپایی تحصیل کرده بودند. این گزارش به نقش تاثیر گذار کتاب در وحدت یا تفرقه مسلمانان می پردازد و به دنبال پاسخ برای این سوال است که آیا در مقابل هجوم تبلیغاتی و خوراک سازی فکری که اغلب با پشتیبانی یا حضور وهابیون انجام می شود، محققان و پژوهشگران ایرانی توانسته اند با تولید کتاب های مستدل و مستند غبار مسمومیت فکری را از ذهن دیگر برادران مسلمان بزداوند و زمین ساز وحدت اسلامی در جهان باشند؟

## یک طرز تلقی تحمیلی

اختلافات فکری و عقیدتی در بین گرایش های مختلف اسلامی، آن هم به صورت تحریبی، برانگیختن احساسات و هیجانات مذهبی، تحریک گروه های تندرو دامن زدن به اختلاف سلیق و وارونه سازی سخن پیامبر (ص) که «اختلاف امت من عامل وحدت است» در جهان اسلام سابقه ای طولانی ندارد و شاید ریشه در ۵۰، ۶۰ سال گذشته داشته باشد. این طرز تلقی، نگرشی وارداتی و حتی تحمیلی است و اغلب نتیجه سیاست های استعمارگرانه ای است که اصل اختلاف بیندازد و حکومت کن را به کار بسته اند و متأسفانه گروهی از مسلمانان که به قدرت های سیاسی متصل اند و در کانون

اجتماع مسلمانان یعنی در کشور عربستان سعودی مستقرند، بیش از دیگران فریب این سیاست اختلاف انگیز را خورده و به پیکره وحدت اسلامی ضربه زده اند. با پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران، تاثیر گذاری ایرانیان در میان امت اسلامی به شدت افزایش پیدا کرد و حتی در میان شیعیان ایران به عنوان یک تجربه آرمانی از حکومت دینی شناخته شد. از همین زمان نیز فعالیت های تبلیغی و تخریبی وهابیون علیه مذهب شیعه افزایش پیدا کرد و حتی تلاش کردند تا به نوعی دامنه این تبلیغات را به داخل کشور هم بکشاند.

دکتر محمدعلی ایازی، قرآن پژوه و استاد حوزه و دانشگاه، درباره تولید کتاب های این گروه می گوید: «وهابیون معمولاً با دو جریان در اسلام درگیرند؛ شیعه و صوفیه و در هر دو جریان هم متأثر از این تمیمه بوده اند. در چند دهه گذشته فعالیت های تبلیغی آنها از طریق رسانه های مختلف و به ویژه کتاب به شدت توسعه پیدا کرده است به اعتقاد من می توان فعالیت های آنها را در دو جهت مطالعه کرد. نخست کتاب هایی که به طور طبیعی نویسندگان آنها در دفاع از وهابیت و عقاید خودشان به رشته تحریر در آورده اند و دیگر، کتاب هایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با مخاطب شناسی ایرانیان و به زبان فارسی نوشته اند.»

این موضوع و توجه به مخاطب ایرانی و تلاش برای انحراف فکری او، محصولی است که این گروه انحرافی از عرضه اسلام راستین و نقش تاثیر گذار و وحدت آفرین ایران در منطقه و رسیدن به یک تفاهم علمی و برادرانه شیعیان و اهل سنت حول محور مشترکات عقیدتی دارند. حتی برای این کار از پشتیبانی های مالی و سازمانی دولت ها هم برخوردارند. به اعتقاد دکتر ایازی، شکل تشکیلاتی تولید این کتاب ها در عربستان و به صورت سازمان یافته در «رابطه العالم الاسلامی» فعال است. این تشکیلات برای بسط عقاید خود در داخل ایران به صورت گسترده به ترجمه کتاب هایی اقدام کرده است که پیش از این در دفاع از وهابیت نوشته شده بود. همچنین در تلاشی موازی مجموعه ای از کتاب هایی که ایرانیان در حمایت از نگرش آنها نوشته اند، مثل آثار «برقی» و «عرب داراب» را منتشر کرده است.

## کتاب های سیاسی با عناوین مذهبی

این کتاب ها در عربستان و به ویژه در موسم حج که مسلمانان از سراسر جهان به عربستان سعودی می روند،



به شدت توزیع و تبلیغ می شوند حتی مجموعه چند جلدی این کتاب ها به زبان های فارسی، عربی، اردو و... به صورت رایگان بین مردم و به ویژه کسانی که به نظر می رسد می توانند روی آنها تاثیر بگذارند، توزیع می شود، تا آنجا که به نظر می رسد این اقدام بیش از آن که اقدامی مذهبی باشد، اقدامی سیاسی است. حتی شخصیت های بزرگ و تاثیر گذار نیز در این میانه وارد شده اند و خواسته و ناخواسته به این حرکت سیاسی که ریشه در سیاست های استعماری دارد، دامن زده اند. دکتر ایازی که خود شاهد توزیع این دسته از کتاب ها بوده است می گوید: «من خودم دیدم کتاب های تبلیغاتی را به صورت جزوه، بروشور و کتاب های جیبی توزیع می کردند که مردم در همان سفر بخوانند چون کم حجم بودند و بعد کتاب های بزرگ تری را مثل «مسأله تقریب بین السنه و الشیعه» که پایان نامه دکتری ققاری است و آثار ظهیر الله احسان که امام جماعت مسجد النبی و اصالتا پاکستانی است و چندین کتاب علیه شیعه نوشته است، توزیع می کردند.»

این اما تنها یک روی قضیه است، صورت دیگر آن فعالیت هایی است که در ایران و در میان شیعیان سراسر جهان علیه این اقدامات تفرقه افکن صورت گرفته کتاب هایی که در نقد عقاید وهابی و تبیین درست اصول شیعه مطرح شده است. هر چند به نظر می رسد قدرت توزیع و تبلیغ بیشتر در دست وهابیون بوده است و از طریق رسانه های مختلف مورد حمایت قرار گرفته اند و آثار شایان توجهی که علمای شیعه نوشته اند، به دلیل ضعف آنها در نظام توزیع جهانی و در اختیار نداشتن محمل های رسانه ای، گستره کمتری داشته و از این بابت جای تأسف است که آثار خوب آیت الله سبحانی و رساله ای علمی که دکتر نجارزادگان در این حوزه تالیف کرده اند، در میان منتقدان شیعه توزیع نشده است. در این حوزه ها ده ها مجموعه کتاب ارزشمند در ایران تولید شده است که از آن جمله می توان به آثار استاد سید مهدی روحانی، لطف الله ثانی و اثر درخشان «صیانه القرآن علی التحریف» آیت الله معرفت اشاره کرد.

دکتر ایازی که خود در این حوزه مقالات زیادی به رشته تحریر در آورده است، درباره این کتاب های می گوید: «یک دسته از این کتاب ها با منطق علمی نوشته شده اند، ولی دسته دیگر این کتاب ها از جنس کتاب های تبلیغاتی و شعاری است و به جای ارائه منطق علمی، تلاش کرده است با تحریک احساسات، بر تبلیغات وهابیون اثر بگذارد. این شیوه اصلاً نمی تواند کار آمد و موثر باشد. ما باید بیشتر به سمت تولید کتاب هایی حرکت کنیم که از منطق «موسسه دارالمصطفی» که کارهای علمی خوبی در این حوزه انجام داده است، پیروی می کند. مثلاً دکتر روحانی در کتاب «مع السنه» حرف ها و استدلالات وهابیون را آورده، نقد کرده و توضیح داده است یا مثلاً کتاب «مع الخطیب» لطف الله ثانی، کتاب خوبی است. چندین کتاب هم در ایران در نقد نوشته های ظهیر الله احسان نوشته شده است.»

## تبیین درست اصول در کتاب های شیعه

با توجه به شمارگان میلیونی کتاب های وهابیون، منطق سخیف آنها در مباحث مذهبی از برد رسانه ای بالایی برخوردار است. البته مقابله با اندیشه انحرافی وهابیت در سراسر جهان وجود دارد و کتاب هایی نظیر «اصل الشیعه و اصول ها» مرحوم کاشف الغطاء، «شیعه چه می گوید؟» علامه طباطبایی، آثار هانری کربن در معرفی شیعه و تالیفات سید حسین نصر در غرب مورد توجه محافل علمی قرار گرفته اند، اما به اعتقاد دکتر ایازی برگ برنده شیعه، تبیین درست مبانی تشیع است که پر داختن به این مهم، خود یک حرکت تهاجمی اما با منطق علمی محسوب می شود. ایازی در این باره می گوید: «مواضعی که شیعه در قرآن دارد و طرح عقاید شیعه در کنار پاسخگویی به اظهارات وهابیون به جای پرداختن به مسائل سخیف و تحریک احساسات، وظیفه ای است که امروز نویسندگان شیعه باید بر عهده بگیرند. یعنی باید با به کار گرفتن جنبه های ایجابی و تدافعی در این بحث، آن را از دعوای سیاسی خارج و به یک منطق علمی تبدیل کرد. قرآن هم به همین روش تاکید دارد و می گوید مخالفان خود را با موعظه و حکمت اصلاح کنید. باید در این راه از بحث های جدی بی حاصل که دو سال پیش یک شبکه تلویزیونی در لندن به نام المستقبل برگزار کرد و به جای نتیجه درست، اثرات بدی به دنبال داشت و تفرقه های عمیق تر کرد، پرهیز کرد.»

در کنار تولید کتاب برای پاسخگویی و شبهات وهابیون و تبیین درست اصول عقیدتی شیعه، باید قدری هم به فرهنگ خودمان توجه کنیم. متأسفانه برخی رفتار های خرافی که در لایه های پایین جامعه مورد توجه قرار دارد، بیشتر از تمام تالیفات و تحقیقات علمی برد رسانه ای دارد و دستاویزی برای زیر سوال بردن شیعیان از سوی وهابیون شده است.

در کنار همه این موارد باید تولید کنندگان کتاب های دینی و نویسندگان شیعه به الگوی واحدی برای کار در این حوزه دست پیدا کنند و روش های خود را برای تبیین اصول شیعه نقد و بررسی کنند. در این میان وجود کتاب هایی مثل «عقاید الامامیه»، «اصل الشیعه و اصول ها»، «مع السنه»، «مع الخطیب»، «شیعه چه می گوید؟» و نظایر آن می تواند الگوهای مناسبی باشد.

## پژوهشی متمایز با ارائه مستندات

ادامه از صفحه ۱۰

یکی از آسیب ها در پاسخ دادن به پرسش های اعتقادی احتمال گرفتار شدن در دام تعصب است. به نظر شما چگونه می توان از این آسیب ها به دور بود؟

اگر منظورتان از تعصب، حساسیت های بی جا و غیر عقلانی نسبت به مسائل اعتقادی است، باید بگویم که در سیره اهل بیت (ع) می بینیم که این بزرگواران در حالی که از عمق جان معتقد به مبانی دینی بودند، در عرصه پاسخگویی به سوالات و شبهات با شرح صدری مثال زدنی عمل می کردند؛ به گونه ای که دشمنان آنها هم به این شرح صدر اعتراف می کردند. مثلاً فضل بن عمر، روزی نزدیک غروب در میان مزار و منبر رسول خدا (ص) نشسته و درباره فضائل ایشان در اندیشه فرورفته بود. در این هنگام ابن ابی العوجاء به سمت او آمد و در نزدیکی وی نشست. پس از او یکی از دوستانش وارد شد و در مقابل ابن ابی العوجاء جا گرفت. فضل بن عمر شنید که ابتدا این دو درباره عظمت، شرافت و بزرگواری پیامبر خدا (ص) به گفت و گو پرداختند. وقتی چند جمله در این باره میان آن دو رد و بدل

او با دلایلی که می آورد عذر ما را منتفی نموده و مانیز دیگر توانایی رد کردن دلایل او را نداریم. حال اگر تو از اصحاب او هستی همچون او با ما سخن بگو.»

به نظر می رسد دلیل اصلی تعصبات بیهوده به خرج دادن آشنا نبودن با مکتب ناب اهل بیت (ع) است.

## آیا تحقیق شما در مراکز علمی هم ارائه شده است؟

این تحقیق قبل از این که به صورت کتاب چاپ شود چند دوره در جامعه الزهرا (ع) تدریس شد. یک دوره هم در جمع شماری از طلاب مدرسه علمیه معصومیه به درس گذاشته شد.

برخی از تحقیق ها فقط جنبه تئوریک دارند؛ یعنی نمی توان در زندگی به صورت کاربردی از آن استفاده کرد. آیا شما این تحقیق را از نوع کاربردی می دانید؟

بنای بنده در نوشتن این تحقیق این بوده که از جنبه کاربردی آن غافل نشوم. قضاوت کسانی هم که در کلاس این درس حضور داشتند این گونه بوده. برخی از کسانی که پیش و پس از شرکت در این کلاس برای تبلیغ به میان مردم و جوانان رفته اند اذعان دارند که نوع برخوردشان با پرسش ها پس از شرکت در کلاس متفاوت شده است.

شد، ابن ابی العوجاء به دوستش گفت: «دیگر چیزی از محمد نگو که عقلم درباره او به حیرت افتاده و فکرم گام در گمراهی نهاده است.» سپس به گفتن کلمات کفر آمیزی پرداخت و گفت: «این دنیا هیچ سازنده و مدبری ندارد؛ بلکه اشیاء خود به خود به وجود آمده و تدبیر کننده ای هم ندارند؛ بنابراین دنیا همیشه بوده و هست.» ابن ابی العوجاء نیز در پاسخ مفضل گفت: «ای شخص! اگر تو از اهل کلام هستی ما با تو به گفت و گو می نشینیم و اگر دلیلی برای سخنان دشتی، ما از مذهب تو پیروی خواهیم کرد و اگر از آنها نیستی که ما را با تو سخنی نیست و اگر از اصحاب جعفر بن محمد صادق هستی، او با ما این گونه سخن نمی گوید و با دلایلی مانند دلایل تو ما با مجادله نمی کند. او بیش از تو به سخن ما گوش می دهد و در سخن گفتن با ما زبان به ناسزا نمی گشاید و در پاسخ به ما از حد تجاوز نکرده است. او بردبار، باوقار، عاقل و استوار است که با خشونت بیگانه است و سخن ما را می شنود و به کلام ما گوش فرامی دهد تا حرف هایمان را خوب بشنود. دلایل ما را به خوبی می شناسد و وقتی ما همه دلایل خود را گفتیم و فکر کردیم که دیگر او را مغلوب ساخته ایم، سخنان ما را با بیانی ساده و خطابه ای کوتاه باطل می کند و ما را وادار به پذیرش دلایل خویش می کند.»

دریا و دریانوردی در ادبیات داستانی

# سرگرم در دنیای توفان و دریا



دیر زمانی است هیولاها و انواع موجودات خیالی همراه با تخیل انسان جست و جوگر، از ته دریا کوچ کرده و در فضا و سیارات دیگر مأوا گزیده‌اند. به دنبال این کوچ، دیگر واژه عربی «سفینه» هم که در اصل به معنای کشتی است، ماشین‌های فضاپیما را به ذهن ما خوانندگان فارسی زبان متبادر می‌کند و هنوز هم خواندن افسانه‌ها و انواع حکایت‌ها و رمان‌هایی که در آنها دریا به عنوان چشم انداز و بخشی از بستر وقوع حوادث انتخاب شده، همان قدر خواندنی و جذاب و سرگرم کننده‌اند که خواندن داستان‌های علمی-تخیلی جدید و ماجراجویی‌های فضانوردان.

بیهوده نیست که بیشترین اقتباس‌های سینمایی از روی این داستان‌ها انجام شده و جذابیت این آثار برای کودکان باعث شده انیمیشن‌سازان همیشه آنها را دستمایه خلق آثاری به یادماندنی قرار بدهند. دریا از دیرباز یکی از سرچشمه‌های داستان‌گویی و روایتگری بوده است و به همین دلیل از ملاحان و دریانوردان و آنان که با کشتی به سفرهای دور و دراز می‌رفتند، به عنوان گروهی از قدیمی‌ترین راین و داستان‌گویان یاد می‌شود.

ابن بطوطه، دانشمند و جهانگرد پرآوازه قرن هشتم، که از راه دریا هم بسیار سفر کرده، در سفرنامه‌اش یادی می‌کند از خنیاگران چینی که سوار بر قایق، غزل «تا دل به مهرت داده‌ام در بحر غم افتاده‌ام» سعدی شیرازی را به آواز می‌خوانده‌اند. از مصراع اول همین غزل پیداست دریا از دیرباز، منبع پیدایش انواع استعاره‌ها و تشبیهات و خیال‌پردازی‌های ادبی بوده است و علاوه بر آن عرصه خطر کردن و جست و جو و مکاشفه و رودررویی با امر ناشناخته و حتی ناشناخته‌های درون آدمی. چنان‌که شاعری نظیر حافظ هم که می‌گویند اهل سفر و دریانوردی نبوده، در بیت معروف «شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل/ کجا داند حال ما سبکباران ساحل‌ها» دریا را استعاره‌ای می‌گیرد از دلهره‌ها و رنج‌های هستی؛ دلهره‌ها و رنج‌هایی که تنها کسی از آنها با خبر است که تن به خطر کردن داده و به دل حادثه زده است.

قرن‌ها بعد از حافظ، فردریکو گارسیا لورکا، شاعر بزرگ اسپانیایی دریا را به دهانی خندان تشبیه می‌کند که «ندان هایش کف و لب هایش آسمان هستند». تشبیهات و استعاراتی از این دست، در ادبیات ایران و جهان بسیارند و مجال اندک، پس ناچار از آن درمی‌گذریم و می‌پردازیم به ادبیات داستانی، که دریا همواره یکی از چشم‌اندازهای به یادماندنی به کار رفته در آن بوده است.

**سندباد، ابر دریانورد قدیمی عرصه خیال**  
«سندباد بحری» را حتی آنها که «هزار و یک‌شب» را هم نخونده‌اند، می‌شناسند و حتماً نسخه چین و پرچین داده شده حکایت‌های او را در آن کارتون ژاپنی که بر اساس ماجراهای او ساخته شد، دیده‌اند.

سندباد، یکی از قهرمانان معروف «هزار و یک‌شب» است؛ همان‌طور که از صفت «بحری» متصل شده به اسمش پیداست، نام و شخصیتش عجین شده با دریا و دریانوردی و خودش جد‌اعلای بسیاری از دریانوردان خیالی است که بعدها از دل انواع رمان‌ها و داستان‌های نوشته شده، ظهور کردند، چنان‌که در بسیاری از قصه‌ها و رمان‌های مدرن هم به نام و حکایت‌های او ارجاع داده شده است (از جمله در یکی از سیلان‌ها و تعدادی‌های ذهنی غریب و پیچیده رمان اولیس جیمز جویس).

«سندباد بحری» بازگانی است که هفت بار از طریق دریا به نقاط گوناگون جهان سفر کرده و هر بار به دلیل

ناخدایی است که یک نهنگ سفید، پایش را قطع کرده و او به قصد انتقام در جست‌وجوی این نهنگ است. اینجاست که مفهوم موبی دیک از شرح یک داستان پر حادثه درباره شکار نهنگ فراتر می‌رود و دریا با تمام عناصر آن در رمان ملویل معنایی پیچیده و عمیق پیدا می‌کنند.

## بیست هزار فرسنگ زیر دریا

هرگز نمی‌توان از رمان‌های دریایی نام برد و از یکی از مهیج‌ترین آنها یعنی «بیست هزار فرسنگ زیر دریا» ی ژول ورن یاد نکرد. این رمان که حدود بیست سال بعد از موبی دیک منتشر شد، مانند رمان ملویل با سفری دریایی برای جست‌وجو و شکار یک جانور دریایی آغاز می‌شود اما شیطان دریایی زاده تخیل ژول ورن، نه یک نهنگ سفید، بلکه یک زیردریایی است به نام ناتیلوس که شخصیتی به نام کاپیتان نمو ناخدای آن است.

ژول ورن در این رمان یکی از به یادماندنی‌ترین شخصیت‌های داستانی را خلق می‌کند. کاپیتان نمو، شخصیتی است پر تناقض و گاه به شدت بی‌رحم و گاه به طرزی باورنکردنی رئوف. قهرمانان بیست هزار فرسنگ زیر دریا همراه کاپیتان نمو و زیردریایی اش در اعماق دریا سفر می‌کنند و هر لحظه با ماجرابی تازه روبرو می‌شوند.

اعماق آب برای ژول ورن به منزله مکانی است برای تجربه‌اندوژی‌هایی که البته قیمتی بس گزاف دارند. در این رمان، کاپیتان نمو هندی تبار زخم‌خورده از انگلیسی‌ها، به کین‌خواهی در اعماق دریا کمین کرده است. ژول ورن دو رمان دریایی مهم دیگر هم دارد. یکی «فرزندان کاپیتان گرانت» و دیگری «جزیره اسرار آمیز» که دنباله «بیست هزار فرسنگ زیر دریا» است.

## دریانوردی به سبک ژوزف کنراد

ژوزف کنراد در رمان «لرد جیم»، دریا را به عرصه آشکار شدن تقابل انسان استعمارگر و انسان استعمار شده، تبدیل کرده است و همچنین به عرصه‌ای برای ارائه روایتی مدرن و ذهنی در برابر داستان‌هایی که پیش از او درباره ماجراجویی‌های دریانوردان نوشته می‌شد.

کنراد با نحوه روایتش نفس و شتاب روایت‌های پر حادثه و ماجراجویانه دریایی را می‌گیرد تا از اعماق آنها حقایق و شکاف‌هایی عمیق‌تر را آشکار کند.

## پیرمرد و دریا

می‌رسیم به یکی از معروف‌ترین دریایی‌های قرن بیستم یعنی «پیرمرد و دریا» اثر ارنست همینگوی. «پیرمرد و دریا» از دل موبی دیک ملویل بیرون آمده است و همچون موبی دیک، شرح جدال با طبیعت است و شرح شکست اندوهبار، اما نه حقارت‌بار انسان. قهرمان این رمان ماهیگیری است که با وجود چیره‌شدن بر صید، در نهایت با دست خالی به ساحل بازمی‌گردد. دریا در این رمان، گستره‌ای است که در آن قدرت انسان به ریشخند و بازی گرفته می‌شود.

## ماجراهای هاکلبری فین

«می‌سی‌سی‌پی» دریا نیست، اما مارک تواین در «ماجراهای هاکلبری فین» سفر هاک و جیم بر آب‌های این روخانه را چنان روایت کرده است که نمی‌شود آن را در فهرست رمان‌های مربوط به دریانوردی نیاورد. «می‌سی‌سی‌پی» در ماجراهای هاکلبری فین، همچون یک شهر توصیف شده است. شهری که آدم‌های فرازی از مقررات سخت و تبعیض‌آمیز اجتماعی را در خود پناه داده است، چنان‌که عمده حوادث بد برای قهرمانان این کتاب هنگامی رخ می‌دهد که از می‌سی‌سی‌پی فاصله می‌گیرند و به خشکی می‌آیند.

جزیره گنج، آمیزه‌ای از ترس و جاذبه‌رابه وجود می‌آورد، چنان‌که اکنون اگر کل داستان جزیره گنج و حوادث آن را هم از یاد برده باشیم، بدون شک نام این کتاب که می‌آید، تصویر سیلور بر روی عرشه همچنان در یادمان هست.

## سفرهای گالیور

یکی از بازمه‌ترین داستان‌های دریایی که با وجود توجه به واقعیت، وجه فانتزی افسانه‌های کهن را هم حفظ کرده، سفرهای گالیور است. گالیور که در کسوت جراح، سفرهای دریایی زیادی کرده، در تاریخ چهارم مه ۱۶۹۹ به قصد یک سفر سودآور سوار کشتی «اتللوپ» می‌شود، اما این بار بختش چندان بلندتر از بخت سندباد بحری نیست. کشتی در بین راه گرفتار طوفان می‌شود و گالیور، رسته از طوفان، از جزیره‌ای ناشناخته سردر می‌آورد که سرزمین لیلیوت هاست؛ سرزمین آدم‌هایی با ابعاد کوچک که گالیور را طناب پیچ می‌کنند و نزد پادشاه خود می‌برند.

گالیور کم‌کم به یک شخصیت محبوب نزد پادشاه تبدیل می‌شود و به یمن جته‌اش، امپراتوری لیلیوت‌ها را از خطر تجزیه شدن نجات می‌دهد، اما بعدها توطئه چینی‌ها علیه او آغاز می‌شود. گالیور به دشمن لیلیوت‌ها پناه می‌برد و شانس می‌آورد که سرانجام دریا قایقی بی‌سرنشین را به ساحل می‌آورد و گالیور با آن قایق می‌گریزد و یک کشتی انگلیسی نجاتش می‌دهد، اما در سر تمامی ندارد.

گالیور سه بار دیگر به سرزمین‌های عجیب و غریب سفر می‌کند. در روایت گالیور نیز مانند داستان‌های سندباد، عامل اتصال قهرمان داستان به سرزمین‌های خیالی، دریا و دریانوردی است. البته در این رمان طنز آمیز، سرزمین‌های خیالی، نمادهایی کاریکاتوری و گاه هولناک از جهان واقعی‌اند و بی‌دلیل نیست سوئیفت، درباره این کتاب گفته است: «این اثر برای دگرگون ساختن جهان است، نه برای سرگرم کردن جهانیان.»

## موبی دیک

از «موبی دیک» ملویل نمی‌توان تنها به عنوان یکی از هزاران کتاب دریایی که تاکنون نوشته شده‌اند سخن گفت، چرا که ملویل در این رمان تمام ظرفیت‌های دریا و دریانوردی را یک جا گردآورده و قدرت و عظمت خود را یک تنه در برابر تمام آثار دریایی دیگر به رخ کشیده است. جنگ انسان با طبیعت یکی از موضوعات محوری رمان «موبی دیک» است. برخی ناخدا «اهب» شخصیت اصلی این رمان را یکی از پیچیده‌ترین شخصیت‌های داستانی جهان به شمار آورده‌اند. اهب

حادثه‌ای که بین راه برای او و همسفرانش رخ داده، یکی از سرزمین‌های ناشناخته و هولناک جهان خیالی را - که در هزار و یک شب با جهان واقعی آمیخته و از آن تفکیک‌ناپذیر است - کشف کرده و خطرات زیادی را از سر گذرانده و تجربه‌ها از دریانوردی آندوخته و هر بار در نهایت با مال و ثروت فراوان به شهر خود بازگشته است و اکنون حکایت آن سفرها را برای کسی به اسم «سندباد بحری» بازمی‌گوید.

سفرهای دریایی سندباد او را به جهان زیرزمینی و موجودات خیالی آن پرتاب می‌کند. جهان و موجوداتی که حضورشان و تعلیقی که در روایت دست و پنجه نرم کردن سندباد با آنها وجود دارد، از پس این همه قرن هنوز از جذابیت داستان سفرهای او نکاسته و حتی منبع الهام برای بسیاری از نویسندگان امروز هم شده است.

## رابینسون کروزوئه

شاید آقدرها عجیب به نظر نرسد این که بسیاری از رمان‌های نخستین، دریا و جزایر ناشناخته آن را دستمایه داستان‌گویی و حادثه‌پردازی قرار داده‌اند. وقتی بدانیم که رمان، محصول عصری است که دنیای غرب تصمیم گرفت برای گسترش قلمروی خود به اکتشاف سرزمین‌های دیگر برود و همین مسأله باعث شد دریانوردی هر چه بیشتر رونق بگیرد و سفرهای دریایی به مواد خامی برای داستان‌نویس‌ها بدل شود و کم‌کم دریا در ادبیات و جوه استعاری و زیبایی‌شناسانه جدیدی پیدا کند. از نخستین رمان‌های دریایی می‌توان به رمان معروف «رابینسون کروزوئه» دانیل دفو اشاره کرد.

رابینسون کروزوئه، مردی است که دریا او را به جزیره‌ای متروک پرتاب کرده و در آنجا مجبور است برای زنده ماندن، مواد خام اطراف خود را به ابزاری برای گذران زندگی تبدیل کند. رابینسون کروزوئه در آن جزیره مانند انسان نخستین است؛ انسانی که همه چیز را باید برای اولین بار اختراع و تجربه کند و در این حین خودش را هم از نو بسازد و به انسانی دیگر تبدیل شود.

## جزیره گنج

از قدیمی‌ترین رمان‌هایی که در آن، دریا و دریانوردی به یکی از اجزای اصلی پیرنگ داستان تبدیل شده، رمان «جزیره گنج» رابرت لویی استیونسن است. جزیره گنج نه تنها یک رمان جذاب و سرگرم کننده، بلکه عرصه‌ای است برای جور دیگر دیدن جهان و آدم‌ها. استیونسن در این رمان یکی از ضدقهرمان‌های به یادماندنی ادبیات جهان را خلق کرد و او کسی نبود جز «جان سیلور»، دزد دریایی یک پای بدجنس جذاب که در دل خوانندگان



«نردبام گیلاس ماه را قرمز نمی کند» سروده سوری احمدلو

# آرامشی بارور از طبیعت زنانه

شعر او اندازه گیری کند و مهم تر از آن، آنها را با واژه هایی که معمولاً یک مرد درار جاع به این حوزه های معنایی استفاده می کند مقایسه کند، متوجه برخی ویژگی های زنانه شعرش خواهد شد.

## فرم

درباره فرم، توجه به این مطلب، با توجه به مجال اندک، تنها معطوف به اشاره ای به این ویژگی هاست. حضور یا عدم حضور روایت در شعر، راوی، یکدستی یا فراز و نشیب روایت با توجه به برش های روایی متن در زمان و مکان، حضور گریزهای بینامتنی در بافت کلی شعر، پاساژهای متن و فاصله گذاری های فرمی و روایی.

در اغلب شعرهای این مجموعه روایتی خاص خود را نشان می دهد؛ به جز شعرهایی چون «شما» و «ای زنان که معنی عشق را می فهمید» که در کل مجموعه نادرند همین حضور عنصر روایت را احتمالاً می توان با تحلیل های خاصی (که اینجا مدنظر نیست) به یکی از ویژگی های نوشتار زنانه ربط داد. راوی در اغلب شعرها در یکی از دو صورت راوی اول شخص مفرد یا جمع و دوم شخص نمود می یابد؛ ولی گاه به گاه در شکل سوم شخص هم ظاهر می شود. از این نکته، این واقعیت آشکار می شود که شاعر بیشتر درگیر «خود» است و به همین دلیل کمتر می تواند از بیرون (به عنوان سوم شخص) به جهان پیرامونی نگاه کند.

رسم است که در کارگاه های شعر، وجود این ویژگی در شعر یک شاعر را (کم یا زیاد) نشانه تازه کاری او می گیرند؛ قضاوتی که شاید درست نباشد. روایت ها معمولاً با برش های زمانی و مکانی بارور می شوند؛ ولی این برش ها (یعنی در واقع پرش ها) با آرامشی طبیعی صورت می گیرند؛ به طوری که مخاطب را با خود به شرق و غرب عالم نمی برند. گریزهای بینامتنی نادرند و بررسی به راه بودن یا بی راه بودن آنها تحلیل بیشتری می طلبد. مثل آوردن نام «زیباترین مغروق جهان» در شعر «شما» که داستان کوتاهی است از مارکز؛ و یا نام شعر «ای زنان که عشق را می فهمید» که برگرفته از کتاب «زندگانی نو» مجموعه عاشقانه های دانته آلیگیری است. فاصله گذاری فرمی و روایی (به تساهل این دو را به یک معنا بدانیم) اصولاً در این شعرها به چشم نمی خورد؛ مگر در شعر «غیرقابل پیش بینی» که در آن، شاعر روایت را با سوم شخص آغاز می کند و در میانه، چندین بار، در قالب یکی از شخصیت های شعر، با روایت اول شخص در قالب جمله هایی کوتاه، مسیر اصلی روایت شعر را می کشند.

این فاصله گذاری روایی را نباید با برش های زمانی و مکانی در طول (خطی یا حلقوی) روایت شعر اشتباه گرفت؛ دست کم در این مطلب این دو به یک معنا استفاده نشده اند. به عنوان پایان این مطلب، پسندیده است بخش پایانی شعر «مرداد» را که برای پسر شاعر سروده شده بخوانیم که به گمان نگارنده این سطور، نوعی از شاعرانگی احمدلو از اغلب منظرهای اشاره شده در این مطلب را نشان می دهد: «... مثل تمام پسران عالم / نافت گل سرخی بود / که در هزارتویی غریب / به من می پیوست / و چشمانت ستاره هایی / که هر شب رصد می کردم / دستت چنگ در هوا / بر خطوط حامل نت ها / چیزی می نواخت / ترانه ای شاید / که تکرارش را همیشه دوست دارم».

«نردبام گیلاس ماه را قرمز نمی کند» مجموعه شعر سوری احمدلو، امسال در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و با قیمت ۱۹۵۰ تومان از سوی انتشارات آهنگ دیگر منتشر شده است. این کتاب در برگیرنده ۴۸ شعر سپید و در ۸۶ صفحه به چاپ رسیده است.



چطور؟ چند درصد شاعران ایرانی از پسوند صفت فاعلی ساز «گر» برای ساختن «وسوسه گر» استفاده می کنند؟ اینجا به نظر می رسد آموخته های شاعر از دستور زبان فارسی دخیل باشد. در واقع حضور آموخته های دانشگاهی شاعر در شعرش، محدود است به همین موارد و استفاده از کلماتی چون «مجال»، «مقهور»، «جناس»، «جوزا»، «تقارن» و «سترون» در جای جای شعر هایش. کلماتی که شاعر می تواند (شاید به حق) ادعا کند حضور آنها در شعرش هیچ ارتباطی به آموخته های دانشگاهی اش ندارند. زبان

## شعری شریک جوراب ها

سوری احمدلو: نوشتن درباره شعر، مثل نوشتن شعر نیست؛ شعر هویت خودش را از اوج و فرودهای ذهن شاعر می گیرد بی آن که وقعی بگذارد به راست و ریس کردن کلام و جانب احتیاط ننگه داشتنی شبیه دیگر نوشته ها. رابطه بی واسطه شاعر و زبان، هستی یگانه ای پدید می آورد. در کلمات است که چیزها هستند. مارتین هایدگر شعر را زبان «بودن» می داند نه ابزاری در دست انسان. از دیدگاه او انسان باشنده ای زبانمند است و اصولاً این زبان است که به ما امکان انسان بودن می دهد.

در آنات و لحظات خلسه شعر، مقصد غایی رسیدن نیست که طی طریق است و این تجربه تمام کسانی است که زیستی شاعرانه دارند و شعر کارکردی روزمره و عجیب شده با آنها دارد، همه آنها بی برای رودرویی با دشوارترین دوره های زندگی خود به مامن امن و مادرانه شعر پناه می برند. کشف رابطه های عاشقانه و غنا بخشیدن به آن، یا یافتن رابطه آرمانی و واقعی، به کمک شعر است که صورت می پذیرد و کارکردی نیرومند برای پیوستن به حضور کل در جهان هستی دارد. اما رابطه امروزی شعر با مخاطبش سویه های مختلف دارد؛ از سویی به هویت فردی شاعر در لحظات تاریخی و از سویی دیگر به ذائقه پذیرش مخاطب و تنوعی که در آن وجود دارد، وابسته است. همین رابطه، امکان به وجود آمدن نظریه های گوناگون و پذیرش خوانش های متعدد را فراهم می کند. یکی از شاعران معاصر، شعری را معاصر می دانست که برآمد (بصیرت) فرهنگی شاعر باشد و شاعرانی را که فاقد این بصیرت اند، به تمام معنا معاصر نمی دانست و معتقد بود در این رشته از شاعران تاریخیت وجودشان بر معاصر بودن هستی شان غلبه دارد. یعنی گذشتگی شان بر اکتونیت شان مسلط است و در نتیجه هنرشان کمتر از جنس آیدگی است. بی آن که بخواهی، شعر وقتی شریک زندگیت شد، دیگر امکان جدایی نیست. حداقل شریک زندگی انسان از ریه های خودش نفس می کشد؛ اما این شریک تازه از تو نفس می کشد؛ از فنجان قهوه تو می خورد؛ خواب های تو را می بیند؛ جوراب های تو را می پوشد و وقتی به شدت تب داری، تب برادر دهان خودش می گذارد.

شعر احمدلو، سهل انگار نیست، اما تأکیدی هم ندارد خود را خیلی شسته رفته نشان دهد. شاید برخی سلیقه های زبانی (و فرمی) بتواند ایرادهایی از نظر اطباء به شعر او بگیرند؛ اما قطعاً برخی سلیقه های دیگر شعرهای او را نمونه ایجاز خواهند دانست. برای نزدیک شدن به شعر احمدلو، باید ویژگی های کلی نوشتار زنانه را دریافت. چون شعر او نوعی از این نوشتار محسوب می شود. برای مثال اگر چه تحلیل های اینچنینی دیگر کمی کلاسیک به نظر می رسند (استثنا در اینجا «کلاسیک» را در معنای منفی به کار می برم)، ولی اگر فردی بسامد واژه های مربوط به حوزه های معنایی ای چون «تولد» و «مادری» و «طبیعت» را در

پیراهن گلدار مادر / کلاژ به نقاشی دختر است / با این یک پاپاسی تخیل / کیوتی در بادگیر نمی ماند. اینجاست که آن تصویر آغاز شعر اندکی بیشتر وضوح می یابد. شاید منظور شاعر، «بادگیر» به معنای واقعی کلمه بوده؛ که ممکن است به دلیل ارتفاعش، کیوتی در آن گیر بیفتد. ظاهراً در پایان شعر که نمی تواند جز این باشد، این تصویر تعبیر آویزان بودن کیوتی در بادگیر را نیز توجیه می کند.

تصاویر دیگری نیز در این شعر به چشم می خوردند که سرشتی آشکارا زنانه دارند؛ دم کشیدن بن بست کوجه در بوی برنج، آبستن تر شدن مادر و کلاژ شدن پیراهن گلدار مادر به نقاشی دختر. از بین این سه، به ویژه تصویر نخست، در بافت کلی شعر از قدرتی خاص برخوردار است. چون از یک سو، فعل «دم کشیدن» به لحاظ گرمایی که در خود دارد با تابستان پیوند می خورد و از سوی دیگر، شکل یک بن بست پیوندی درونی دارد با شکل فضایی که در آن می توان غذایی را دم کرد؛ یعنی قابلمه. هر دو اینها حالتی از خفگان مطبوع تابستانی در خود دارند که با فضای گرمی که شاعر از کودکی و نوجوانی خود ترسیم می کند، همخوان است.

## زبان

بهتر است در این بخش، برخلاف بخش قبلی این نوشته، از توجه صرف به متن (بر اساس آموزه های مکتب نقد نو مثلاً) چشم پوشی و اشاره ای شود به سابقه تحصیلی احمدلو در رشته ادبیات فارسی. رشته ادبیات فارسی در دانشگاه های ایران اصولاً رشته ادبیات کهن فارسی است. پس احمدلو شکل قدیم زبان فارسی را اصولاً باید خوب بشناسد. ولی این

شعر زنان در ۱۰ سال گذشته شاهد تولیدات ارزشمندی بوده است. یکی از این آثار که اخیراً منتشر شده، مجموعه شعر «نردبام گیلاس ماه را قرمز نمی کند» اثر سوری احمدلو است. این مجموعه از چند نظر، شایسته توجه ویژه است.

نخست این که به لحاظ مضمونی، بخش عمده ای از مضامین این کتاب را مواردی از حیات یک زن تشکیل می دهد؛ برای مثال می توان به شعر «اولین تپش» اشاره کرد که برای پسر شاعر نوشته شده و مشخص است که جز یک زن نمی تواند چنین شعری برای پسرش بنویسد. همچنین به لحاظ زبانی، زبان این شعرها هم نمونه ای خوب از نوشتار زنانه محسوب می شوند. واژگان انتخابی، ترکیب ها، لحن کلام و صوت، همگی دال بر نوشتاری زنانه اند. از سوی دیگر هم به لحاظ فرمی (در ترکیب سطرها) و هم از نظر جهت گیری های کلی و جزئی در پرداخت مفاهیم حیاتی زندگی انسانی طی محور عمودی شعر، تساهلی زنانه به چشم می خورد. برای مثال سطرها بدون کوچک ترین سخت گیری (از نظر سجاوندی و علامت گذاری) پشت هم ردیف شده اند و حتی گاه در پایان سطرهایی که به لحاظ معنایی کاملند و ارتباط مستقیمی با سطر بعد ندارند نیز از نقطه استفاده نشده است.

در نقد های خاص می توان چنین اشکالی را به راحتی دامن گیر شاعران حرفه ای کرده؛ مگر آن که شاعر قصدی از این بی توجهی به علامت های سجاوندی داشته باشد. پس این امر به معنای ضعف ذاتی شعر نیست. بلکه دوری از علامت های سجاوندی و تقطیع های دقیق نیز در صورتی که فلسفه ای داشته باشد، ممکن است برای مثال به سیالیت کل متن بینجامد و امکان خوانش هایی متفاوت را (که به دلیل علامت های سجاوندی و تقطیع های دقیق محدود نشده اند) ایجاد کند. به نظر می رسد در شعرهای احمدلو، غلبه با همین حالت دوم است. با توجه به اهمیت سه مولفه تصویر، زبان و فرم در شعر احمدلو، در این مطلب به مواردی از پرداخت هر یک از این مولفه ها در شعرهای «نردبام گیلاس ماه را قرمز نمی کند» اشاره می شود.

## تصویر

یکی از بهترین نمونه های تصویر سازی در این مجموعه، مربوط به شعر «کیوتی» است: «تابستان ها / از بادگیر پنجره کیوتی آویزان بود / بن بست کوجه / در بوی ترنج / دم می کشید / تو چند ساله تر می شدی / او مادر / آبستن تر...». در همین گشایش شعر نکات جالبی است؛ نخست، بادگیر پنجره و آویزان بودن کیوتی که پنجره به یک بادگیر متناسب یا مشتبه می شود، شکل منجمد و قالبی آن را آشکارا حرکت و حیات می بخشد. پنجره روزنی است به باد و آفتاب و در این سطر، بر سویی نخست این روزن تأکید شده است. ولی در سطر قبل به «تابستان بودن آن زمان» اشاره شده است. در نتیجه پنجره «روزن باد» همزمان «روزن آفتاب و باد» می شود؛ یعنی همان چیزی که در واقعیت هست. همین ظرافت تکنیکی، یعنی اینکه یکی از موارد مرتبط با ماهیت پنجره (یعنی روزن آفتاب بودن آن) تفکیک شده و در سطر پیشین با کلمه ای دیگر (تابستان ها) بدان اشاره شود، مخاطب را مجاب می کند که ادامه شعر را دقیق تر بخواند.

در سطر بعد، با آویزان بودن یک کیوتی مواجه می شویم. این آویختگی (به جای نشسته بودن کیوتی روی رف پنجره)، از نظر عاطفی دریافت مخاطب از فضای شعر را دگرگون می کند. ظاهراً آویخته بودن جز مرگ نمی تواند مدلول دیگری داشته باشد. پایان این شعر نیز به تمام شدن آن روزهای خوب اشاره داد: «حالا / تنها



سجاد صاحبان زند

آنهایی که تقریباً دو دهه پیش سریال «دلبران تنگستان» را دیده‌اند، شخصیت تاریخی و تاثیرگذار آن را خوب به یاد دارند. در آن روزها جذابیت این شخصیت بسیاری را پای جمیع جادو می‌نشانند تا حکایت دل‌آوری‌های او را مقابل اشغالگران انگلیسی ببینند. این که این سریال تا چه اندازه بر مبنای مستندات تاریخی ساخته شده بود و از سویی نمایش آن تا چه اندازه نگاه مردم را متوجه این شخصیت تاریخی کرد، مسأله‌ای بود که در همان روزها مورد توجه مطبوعات قرار گرفت. با این همه، پس از نمایش این مجموعه تلویزیونی، توجه بیشتری نسبت به این شخصیت تاریخی صورت گرفت. آخرین اثری که با محوریت شخصیت رئیس علی دلواری منتشر شده، «تاج سر کرانه» نام دارد که ادعای چندانی در مستند بودن ندارد، هر چند که نمی‌توان در آن نکته‌ای را خلاف واقع دید. این کتاب توسط محمد ولی‌زاده نوشته شده که پیش از این آثاری چون «آوازهای چاپ اول»، «حتای مرگ»، «اصلاً به فکر غیبت پروانه‌ها مباش»، «چه مهمانان بی‌دردسری هستند مردگان» و «عیار نقد در آینه» را منتشر کرده است.

«تاج سر کرانه» در گفت‌وگو با محمد ولی‌زاده

# تاریخ دست نویسند را نمی‌بندد



کردن فصل‌هایی بلند و گاه آمیخته به اطناب، شاید برای خواننده جذابیتی نداشته باشد. حتماً خسته می‌شود و کتاب را می‌بندد و تجربه استقبال قشر کتابخوان را از این شیوه هم داشته‌ام. چنین شد که فصل‌ها را کوتاه آوردم.

اسم کتاب را چگونه انتخاب کردید؟

خیلی شفاف و روشن، اشاره و تلمیحی دارد به شخصیت اصلی داستان. اگر کرانه را محدود‌های از خلیج فارس بگیریم که رئیس علی در زمان خودش به پاسبانی از آن کمر همت گماشته بود، چیز مبهمی وجود ندارد. البته من این ترکیب را از گفته صولت‌الدوله قشقایی وام گرفته‌ام که گویا وقتی واسموس آلمانی نزد او بوده، می‌گوید: «رئیس علی تاج سر کرانه‌س!»

اسمی با مسمّا که شایسته او هم هست.

شما در پایان کتاب، منابعی را که در نوشتن «تاج سر کرانه» از آنها استفاده کرده‌اید آورده‌اید. آیا منابعی که به زندگی شخصیتی مطرح مثل رئیس علی دلواری مربوط می‌شود تا این اندازه اندک است؟

نه، غیر از اینها تعدادی کتاب دیگر هم هست که یا به طور کامل و یا در بخش‌هایی از آنها به این مهم پرداخته شده است. مثل کتاب «دلبران تنگستان» مرحوم رکن‌زاده آدمیت که اساس کار همایون شهنواز در سریال «دلبران تنگستان» قرار گرفته است؛ یا «ایران در جنگ جهانی اول» میرشینکف روسی؛ یا «ایران در جنگ بزرگ» محمد علی سپهر (مورخ الدوله) و چند اثر دیگر که کارهای خوبی هم هستند.

کتاب «تاج سر کرانه» در مدتی کوتاه به چاپ دوم رسید. شما این استقبال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آقدر در سال‌های اخیر شمارگان ۱۰۰۰ و ۱۲۰۰ و در نهایت ۲۰۰۰ نسخه‌ای دیده‌ام که هر گاه کتابی مثلاً بعد از یک چاپ ۱۰۰۰ تایی به چاپ دیگری می‌رسد، بر ایمان عجیب و غریب می‌آید.

در خصوص «تاج سر کرانه» اما باید بگویم که چاپ نخست آن در ۱۵۰۰ نسخه، اردیبهشت امسال همزمان با کنگره بزرگداشت رئیس علی دلواری منتشر شد که پس از سه ماه، چاپ دوم آن با ۱۲۰۰ نسخه به بازار آمده است. امیدوارم در این بی‌خبری مطبوعاتی که دامن کتاب‌های تازه منتشر شده را گرفته و جا و مجالی برای معرفی و بررسی آنها نیست، با این دو چاپ، به دست مخاطبانش که بیشتر همان نسل نو آمده است، برسد.

در حال حاضر چه کتابی در دست چاپ یا نگارش دارید؟

به‌تازگی بازنویسی برخی از حکایت‌های «گلستان سعدی» را تمام کرده و به ناشر آن که کتاب پارسه است تحویل داده‌ام. این کتاب قرار است در مجموعه‌ای با نام «یکی بود یکی نبود» به سرپرستی یوسف علیخانی چاپ و منتشر شود که تعدادی از نویسندگان هر یک یکی از متون کهن را برای ادبیات روایت کرده‌اند. مجموعه ابتکاری «روزنمای ادبیات ایران» که چند سالی در چاپ و انتشار آن وقفه پیش آمد نیز مراحل آماده‌سازی را می‌گذراند که در چند ماه آینده در دسترس دست‌اندازان به ادبیات امروز ایران قرار خواهد گرفت و دو کتاب دیگر که چون هنوز نگارش آنها به پایان نرسیده، اجازه بدهید درباره‌شان صحبتی نکنم.

بگیرد، جذابیت و کششی برایش داشته باشد که بتواند آن را ادامه بدهد. یعنی می‌خواستم از ابتدا او را با فضایی ملموس روبه‌رو کنم. هرچه باشد به مدد همان سریالی که ذکرش رفت و متون تاریخی اولیه‌ای که خواه ناخواه هر دانش‌آموز و اهل مطالعه‌ای با آن درگیر می‌شود، نام رئیس علی دلواری به گوش این و آن خورده است. این قدرها هم که گمنام نیست! جدا از این، باید در آغاز کار به خواننده هم وعده‌ای می‌دادم که به خوانند تشویق و علاقه‌مندش کنم. چه چیزی بهتر از این که در این روایت که شخصیت ما هم شناخته شده است، فضا و حادثه‌ای به نسبت پرکشش خلق شود که باورپذیری‌اش آسان باشد؟! گفته‌اند: «شروع خوب، نیمی از کار است.»

با توجه به این که اساس نوشته شما داستان پردازی است، چرا زندگی این شخصیت تاریخی را بیشتر گسترش ندادید؟

دوست نداشتم زندگی‌اش را آقدر پروبال بدهم که مرز خیال و واقعیت گم شود. البته در مواردی هم دوست داشتم بیابورم که مابین خیال و واقعیت جای می‌گیرند، اما با خودم گفتم مطرح کردن آنها در اثری داستانی شاید تاثیر بدی بر خواننده خالی‌الذهن بگذارد. همان حرف و حدیث‌ها و داستان‌ها ضد و نقیضی که هنوز از زندگی و مرگ رئیس علی در بین مردم آن منطقه وجود دارد و جان می‌دهد برای کارهای اینچنینی.

همان‌طور که گفتم، شاید برخی از داستان پردازی‌های کتاب برای خواننده آشنا با زندگی این شخصیت قابل هضم نباشد و همین مواردی را هم که آورده‌ام، برنتابد. اما حتماً به این موضوع بیشتر فکر می‌کنم.

یکی از خصوصیات کتاب شما فصل‌های خیلی خیلی کوتاهش است. چرا فصل‌ها را اینقدر کوتاه نوشته‌اید؟

مگر بد است!؟

نه، قصد ارزشگذاری ندارم. می‌خواهم بدانم دلیل این که فصل‌ها را اینقدر کوتاه آورده‌اید چیست؟ فکر کردم اگر چیزی جانگدارم و فصل‌هایی کوتاه بیابورم که حوصله خواننده را سرنبرم، به کلیت کار کمک کرده‌ام. به خودم گفتم در این ژانر، روایت

به دامن تاریخ بشوی. نمی‌توانی هرچه دلت خواست بنویسی. چرا، البته که می‌شود نوشت، اما آن چیزی که می‌نویسی اگر با زندگی شخصیت مورد نظر تو زمین تا آسمان تفاوت داشت، دیگر نمی‌توانی بگویی که زندگی فلان شخصیت را روایت کرده‌ای. آن وقت می‌شود شخصیتی از شخصیت‌های قصه تو که در داستان‌ها فراوانند. در «تاج سر کرانه» تاریخ دست و پای مرا نبسته است اما در بسیاری از موارد آن چیزی که در زندگی شخصیت داستانتانم اتفاق افتاده است را آورده‌ام.

عنوان فرعی کتاب شما «روایتی داستانی از زندگی و مبارزه رئیس علی دلواری» است، اما شما بیشتر به بخش مبارزه زندگی او پرداخته‌اید. چرا؟

اتفاقاً خیلی جاها انگشت بر زندگی خانوادگی او گذاشته‌ام. بسامدش هم بالاست. از قضا برای برخی از دوستان که با ادبیات داستانی کمتر آشنا هستند، اما زندگی رئیس علی دلواری را خوب می‌دانند، عکس سوال شما پیش آمده بود. مثلاً می‌گفتند اینجا که نوشته‌ای رئیس علی با زنش درباره فلان موضوع حرف می‌زند یا به استاد کدام کتاب تاریخی آورده‌ای؟ یا فلان جارا ما در هیچ کتابی که درباره او نوشته شده ندیده‌ایم. آیا به سند تازه‌ای درباره رئیس علی دست پیدا کرده‌ای؟ جواب این پرسش‌ها مشخص است. نکته دیگر اینکه رئیس علی دلواری به همان دل‌آوری‌هایی که داشته، مشهور است و این چیزی جز زندگی مبارزاتی او نیست. اگر نبود آن قهرمان‌ها و سرنترس داشتن‌ها و بی‌باکی‌ها که ما امروز روبه‌روی هم ننشسته‌بودیم، تازه در بیشتر نوشته‌هایی که درباره او منتشر شده، چیزی جز همان مبارزات و کشمکش‌ها نیست. خیلی کم درباره زندگی خصوصی و خانوادگی او نوشته شده است.

«تاج سر کرانه» با توصیف یک دریای توفانی شروع و با صحنه‌ای پاییزی تمام می‌شود. تمهیداتی از این قبیل تا چه اندازه به داستان پردازی شما مرتبط است؟

اگر بگویم نیست که انصاف را در حق خود جاری نکرده‌ام. این روزها هر کسی قبل از ارسال پیامک خود حداقل یک بار آن را می‌خواند و بعد می‌فرستد. این که دیگر داستان است؛ داستانی که حداقل چند بار ویرایش شده و با نوشته‌های دیگری که قبل از این درباره همین شخصیت نوشته‌ام، تفاوت‌هایی دارد. به حتم دوستانی هم قبل از انتشار آن را خوانده و نظراتی داده‌اند که برخی نیز در داستان اعمال شده‌اند. می‌خواستم مثل هر داستان دیگری ساختاری داشته باشد و طرح توطئه‌ای. شروعی، میانه‌ای و پایانی هم لابد باید داشته باشد، وگرنه که داستان نمی‌شود! از زاویه‌ای هم به آن نگاه کرده‌ام و شخصیت محوری‌ام که رئیس علی باشد را پرورانده‌ام. تا حدی که تخمیل قد داده، تعلیقی هم جاهایی همراهش کرده‌ام. این شده دست‌بخت من که می‌بینید.

چطور شد که این مقطع از زندگی رئیس علی را برای شروع کتاب انتخاب کردید؟

هر چند شیوه‌های متفاوتی برای شروع هر داستانی وجود دارد، اما واقعیت این است که در نهایت باید از یک جایی شروع می‌شود. مگر نه؟! بی‌هیچ تمهیدی فکر کردم از جایی شروع کنم که اگر خواننده‌ای نآشنا با زندگی رئیس علی هم کتاب را به دست

چطور شد که به زندگی رئیس علی دلواری پرداخته‌اید؟

کندوکاو در زندگی چهره‌ها، سبک و سنگین کردن راه و روش زندگی آنها و تجربه اندوختن و آموختن از آنها با هر کسی می‌تواند باشد. همیشه دغدغه چگونه زندگی کردن آدم‌هایی که به نوعی چهره یا مشهور شده‌اند، با من بوده است. حالا اگر یک جورایی هم‌زمان و هم‌شهری بوده‌ایم که دیگر جای خود؛ این تعلق خاطر بیشتر بوده و بنده هم فضول‌تر! یاد می‌آید از بچگی هر چیزی که درباره بزرگان می‌دیدم و می‌خواندم، نگهداری می‌کردم: منوچهر آتشی، فریدون توللی، سیمین دانشور و خیلی از آدم‌های ریز و درشت دیگر از این قاعده مستثنا نبوده‌اند. رئیس علی دلواری هم از آن شخصیت‌هایی است که همیشه در گوشه‌ای از ذهن من بوده است. از وقتی که در کودکی برای نخستین بار سریال «دلبران تنگستان» را دیدم، شیفته‌اش شدم. به یاد ندارم که قسمتی از آن سریال را از دست داده باشم. اگر بگویم یکی از معدود فیلم‌هایی است که آرزو دارم دوباره آن را ببینم، به من نخندید! سال‌هاست به موسسه سروش سر می‌زنم، بلکه گوش شیطان کرناپهیزی کرده و منتشرش کرده باشند اما هر بار دست از پا درازتر برگشته‌ام. خدا کند به عمر من کفاف بدهد و بتوانم نسخه‌ای از آن را داشته باشم. شاید برایتان جالب باشد بدانید در روزهای نخست آشنایی با آقای همایون شهنواز کارگردان سریال «دلبران تنگستان» اولین چیزی که از او خواستم نسخه‌ای از این فیلم بود که در میان ناباوری شنیدم که خودش هم محروم‌تر از من نسخه‌ای از آن ندارد و ماجراهایی برآیم گفت که پشیمان شدم چرا زخمش را تازه کرده‌ام.

از همه این‌ها گذشته، نسل امروز آشنایی چندانی با رئیس علی دلواری ندارد و از حماسه‌ای که او آفریده، بی‌خبر است. کتاب‌های موجود درباره رئیس علی و قیام دلواری‌ها اغلب تاریخی‌اند و همین سبب می‌شود که برخی سراغ او نروند. فکر کردم اگر در قالب داستان بیاید و تاریخ هم چاشنی آن باشد، شاید خواننده امروزی به آن روی خوش نشان دهد. می‌خواستم این دلاور دلواری را از طریق داستان به خواننده امروزی معرفی کنم. این که تا چه حد موفق بوده‌ام را شما باید بگویید.

نوشته‌اید که روایتگر داستانی یک واقعه تاریخی هستید. چقدر استناد تاریخی برای شما اهمیت داشته است؟

جایی از کتاب پیدا نمی‌کنید که نوشته شده باشد «تاج سر کرانه» می‌خواهد یک واقعه تاریخی را روایت کند...

منظور من همان عبارت «روایتی داستانی از زندگی و مبارزه رئیس علی دلواری» است که زیر عنوان اصلی کتاب هم آمده است.

بله، بیشتر دوست داشته‌ام زندگی رئیس علی دلواری را به عنوان یک قهرمان جنوبی که حکایت رشادت‌ها و دلاوری‌هایش را از کودکی تا امروز شنیده‌ام، روایت کنم و البته داستان‌های ضد و نقیضی که از او شنیده‌ام، خوب به ناچار باید به سراغ اسناد تاریخی هم می‌رفتم. اصلاً اگر بخواهی درباره کسی بنویسی، به خصوص این که هم‌روزگار تو نباشد و بخواهی کار کاملی هم ارائه بدهی، ناگزیری که دست





بنفشه محمودی

مولانا را اگرچه به اعتبار آثارش شاعر می‌شناسیم، اما او عارفی است که لباس شاعران را پوشیده، فیلسوفی که به ادبیات تنه می‌زند و متفکری دینی به شمار می‌آید که اندیشه‌هایش در عرفان اسلامی ریشه دارد. بررسی زوایای مختلف این شخصیت برجسته از مسائلی است که پژوهشگران مولانا شناس در سراسر جهان همواره در پی آن بوده‌اند. اگرچه میزان پژوهش‌های ایرانیان هم روزگاری در این زمینه هنوز کم است و جای کار بیشتری دارد، اما نباید فعالیت‌های انجام‌شده در این زمینه را هم نادیده گرفت. سرای اهل قلم از خرداد سال جاری با حضور دکتر پرویز عباسی داکانی اقدام به برگزاری سلسله نشست‌های مولوی پژوهی کرده که تا شهریورماه ادامه داشت. درباره این نشست‌ها و مقوله مولوی پژوهی در ایران با دکتر داکانی، فارغ‌التحصیل عرفان اسلامی و استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز گفت‌وگو کرده‌ایم. نویسنده کتاب «شمس من و خدای من» می‌گوید: «مولانا پژوهی به معنای بی‌توجهی به گذشته نیست، بلکه راهگشایی به آینده است. درک مولانا، درک عظمت‌های ناگفته‌ای است که با کشف آنها می‌توانیم به تفکری بازگردیم که آبخشورهای آن در سنت و فرهنگ ما وجود داشته است.»

دکتر پرویز عباسی داکانی، سرپرست نشست‌های مولوی پژوهی سرای اهل قلم:

# مولوی به نیازهای انسان پاسخ می‌گوید

فروزانفر، عبدالحسین زرین کوب و علامه جعفری اشاره کرد. اما به دلیل همان اثرگذاری بر منطقه و جهان اسلامی که پیش از این به آن اشاره کردم، محققانی از همه فرهنگ‌های روزگار بر آثار مولانا شرح نوشته‌اند که از میان آنها می‌توان به «المنهج القویم» اشاره کرد که یک شرح عربی است. در هند نیز افرادی مانند محمد اکبر آبادی، عبداللطیف عباسی و مولانا بحر العلوم بر آثار مولانا شرح نوشته‌اند. «شرح سودی» را هم یک بوسنیایی نوشته است. در جهان امروز هم محققان غربی مانند پروفیسور «آن ماری شیمیل» توجه زیادی به آثار مولانا نشان داده‌اند و در واقع این کار به یک سنت جهانی تبدیل شده است. بنابراین تردیدی نیست که ایرانیان بسیار بیشتر از این می‌توانند درباره آثار و اندیشه‌های مولانا کار کنند. اما متأسفانه این کم‌کاری درباره همه بزرگان ما وجود دارد. مگر ما درباره عطار چه کرده‌ایم؟

ارزیابی شما از مقوله مولوی پژوهی در ایران چیست؟

در این باره کارهای زیادی انجام شده است، اما کارهای انجام‌نشده بسیاری هم هست که باید به آنها پرداخته شود. به عقیده من پژوهش درباره مولانا، پژوهش درباره خویشین است و مابا پژوهش درباره او در واقع خود و تاریخمان را بازکاوی می‌کنیم. لذا با وجود احترامی که برای کارهای انجام‌شده قائل هستیم، یقین دارم که به حد کافی در این زمینه کار نشده است. مولانا پژوهی به معنای بی‌توجهی به گذشته نیست، بلکه راهگشایی به آینده است. درک مولانا، درک عظمت‌های ناگفته‌ای است که با کشف آنها می‌توانیم به تفکری بازگردیم که آبخشورهای آن در سنت و فرهنگ ما وجود داشته است.

نشست‌های مولوی پژوهی تا چه زمانی ادامه پیدا می‌کند؟

بستگی دارد که زمینه‌های این کار تا چه حد فراهم باشد. ما باید دست هر کسی را که در این عرصه تلاش کرده است بفساریم. ادامه دادن نشست‌ها تا زمانی که هنوز به همه زوایای شخصیت، عرفان و آثار مولانا نپرداخته‌ایم، ممکن است. البته ممکن است از مهرماه به عرفان و شعر ایرانی به طور کلی بپردازیم. اما این امکان هم وجود دارد که نشست‌های مولوی پژوهی را ادامه دهیم.

برگزاری این دوره‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این سلسله نشست‌ها فراز و فرودهایی داشت. برخی از این نشست‌ها بیشتر مورد استقبال قرار گرفت و برخی کمتر. اما در کل با وجود این که برگزاری این نشست‌ها در تابستان اتفاق افتاد و بخشی از جلسات آن نیز در ماه مبارک رمضان برگزار شد، استقبال خوبی از آنها به عمل آمد و سالن سرای اهل قلم در این نشست‌ها پر شد.

باز خورد نشست‌ها در رسانه‌ها چگونه بود؟

اخبار این نشست‌ها در سایت‌ها، خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها به خوبی منعکس شده و حتی برخی روزنامه‌های سیاسی صفحاتی را به این نشست‌ها اختصاص دادند. همین مساله ما را به ادامه راه امیدوار می‌کند.



که در تاجیکستان امروزی قرار دارد. پدر مولانا خطیب بوده و در شهرهای مختلفی مانند هرات، سمرقند، خوارزم و بخصوص بلخ به منبر می‌رفته و از همین رو مولانا را هم «بلخی» خوانده‌اند.

پدر مولانا زمانی که از حمله قریب‌الوقوع مغولان مطلع می‌شود، به همراه خانواده‌اش بار سفر می‌بندد و از طریق عراق، عربستان و سوریه به ترکیه می‌رود. مولانا از سن ۲۰ سالگی تا آخر عمر خود را در ترکیه به سر می‌برد. پس آیا نمی‌توان به اعتبار یک زندگی طولانی در یک دیار، او را منسوب به آن دیار دانست؟ فکر نمی‌کنم تمام این حرف‌ها دلیل محکمی باشد برای این که اجازه بدهیم مولانا را به عنوان یک شاعر ترک به جهانیان معرفی کنند....

شاید بهتر باشد که بگوییم اگرچه مولانا به اعتبار جغرافیای امروز ایرانی نیست اما به واسطه فرهنگ، ایرانی است. چون در زمان او فرهنگ حاکم بر عالم اسلام، فرهنگ ایرانی بوده است. البته این فرهنگ تنها به زبان فارسی محدود نمی‌شود و گستره عظیمی از آداب، سنن، رسوم، تفکر، فلسفه و شعر را هم دربر می‌گیرد. کتاب‌هایی که در زمان مولانا و پس از او نوشته شده است، نشان می‌دهد که فرهنگ ایرانی در ترکیه آن روزگار چه اثراتی داشته است. در آن روزگار به تعبیر امروزه «ایرانیزه» بوده‌اند و وجود و حضور ایرانیان نزد حاکمان آن روزگار افتخار محسوب می‌شده است. دکتر محمد امین ریاحی در کتابی که درباره تأثیر فرهنگ ایرانی بر آسیای صغیر نوشته است به این مساله اشاره می‌کند. این تأثیر به حدی است که حتی «صدرالدین قونوی» به زبان فارسی درس می‌گفته است. ذهن و ضمیر مولانا هم به همین اعتبار ایرانی و فارسی است. او متعلق به سنت شعر خراسان است و به این اعتبار او را ایرانی می‌دانم.

یعنی معتقد نیستید که ایرانیان در این زمینه کم کاری کرده‌اند؟

ایرانیان در گذشته کارهای خوبی درباره مولانا ارائه داده‌اند که از میان آنها می‌توان به بدیع الزمان

به نظر شما روی چه زوایایی از شخصیت و آثار مولانا کمتر کار شده است؟

بررسی شخصیت و آثار مولانا از منظر نظریه ادبی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی و حقوق، جاهای خالی بسیاری دارد که باید روی آنها کار شود. از طرف دیگر، عمده بحث‌های سلسله نشست‌های مولوی پژوهی که در سرای اهل قلم برگزار شد، درباره مثنوی مولوی بود. مثلاً از زوایای نگاه نقد ادبی و دیدگاه‌های متفاوتی که در آن وجود دارد، می‌توان به آثار مولانا نگریست. همچنین جای کار زیادی درباره غزلیات شمس وجود دارد که امیدواریم بتوانیم در دوره‌های بعدی این نقیصه را جبران کنیم.

به هر حال عظمت فکری و شعری مولانا این امکان را به پژوهشگران می‌دهد که کارهای زیادی درباره او انجام دهند. ما در طول نشست‌هایی که برگزار کردیم، تنها در جلسات انتهایی توانستیم وارد داستان‌های مثنوی بشویم. پس به مصداق «صد بار می‌توان سخن از زلف یار گفت»، فکر می‌کنم در پژوهش درباره آثار مولانا راهی طولانی در پیش داشته باشیم.

یکی از مقالاتی که انتقادات زیادی درباره آن وجود دارد، ترک شناخته شدن شاعری است که تعداد آیات ترکی او در دیوان کبیر و مثنوی به عدد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. به نظر می‌رسد که ایرانیان در نشان دادن انتساب مولانا به خود کوتاهی کرده باشند. نظر شما در این باره چیست؟

من خیلی موافق این معنا نیستم و فکر می‌کنم باید به مطلبی توجه کنیم. در جغرافیای روزگار مولانا آن گونه که حمدالله مستوفی در کتاب «نزه القلوب» اشاره کرده است، ایران سرزمینی بوده که گستره آن از افغانستان تا ترکیه را در بر می‌گرفته به این معنا، مولوی یک ایرانی است، اما واقعیت این است که مولانا آن گونه که در کتاب خود «شمس من و خدای من» اشاره کرده‌ام، زاده «وخش» است

سلسله نشست‌های مولوی پژوهی با چه هدفی برگزار شد؟

هدف اصلی این نشست‌ها در درجه اول، آشنایی با سنت تفکری و ادبی ایران اسلامی بود. جذابیت‌های مولانا از یک سو به عمق تفکر، تنوع شعری و فلسفی او و از سوی دیگر به نفوذی که در میان مردم دارد برمی‌گردد. این شاعر و عارف بزرگ، ویژگی مهم دیگری هم دارد: آثار او به نیازهای معنوی انسان معاصر پاسخ می‌گوید. همین مسائل باعث شد تا به فکر برگزاری سلسله نشست‌های مولوی پژوهی در سرای اهل قلم بیفتیم. یکی دو ماه درباره سرفصل‌های این نشست‌ها بحث و تبادل نظر کردیم و سرانجام جدول کلی برگزاری این نشست‌ها شکل گرفت.

در انتخاب اساتید سخنران در این سلسله نشست‌ها چه معیارهایی مورد توجه قرار گرفته بود؟

مهم‌ترین معیارهای ما برای انتخاب این استادان، معیارهای علمی و شناسایی با شخصیت مولانا از زوایای مختلف بود. استادانی از حوزه‌های عرفان، فلسفه، نقد ادبی، ادبیات، ادبیات تطبیقی، هرمنوتیک و... عهده‌دار سخنرانی در این سلسله نشست‌ها بودند. در این نشست‌ها استادانی چون عبدالعلی دستغیب، دکتر انشاءالله رحمتی، دکتر عبدالرضا مظاهری، دکتر عزیزالله افشار، دکتر نصرت‌الله فروهر و دکتر موسی ملایری حضور داشتند.

سرفصل‌های این نشست‌ها را چگونه انتخاب کردید؟

انتخاب این سرفصل‌ها به نیازها و تخصص‌های مولوی پژوهی برمی‌گشت. حوزه‌هایی که در پاسخ سوال قبل برشمردم منطبق با نیازهای مخاطبان برگزیده می‌شد و در طول زمان برگزاری نشست‌ها صیقل یافت تا به نیازهای مخاطبان این نشست‌ها پاسخ‌گو شود. از طرف دیگر، تعیین این سرفصل‌ها با توجه به تخصص‌های موجود در مولوی پژوهی انجام شد. در واقع با توجه به مصراع معروف خود مولوی یعنی «هر کسی از ظن خود شد یار من»، سعی کردیم با دیدگاه‌های مختلف به بررسی این شخصیت بزرگ بپردازیم. در عین حال می‌دانیم که نخواهیم توانست به تمام زوایای شخصیت مولانا راه پیدا کنیم و هنوز «هزار باده ناخورده در رگ تاک است».

پیشنهاد برگزاری این دوره‌ها چگونه ارائه شد؟

طی نشست‌هایی که با مسوولان سرای اهل قلم خانه کتاب داشتیم، به جمع‌بندی‌های لازم برای برگزاری این دوره‌ها رسیدیم و تصمیم به برگزاری این دوره‌ها گرفتیم که از خردادماه آغاز شد و تا شهریورماه ادامه داشت.

درباره انتشار حاصل این نشست‌ها به صورت کتاب فکری شده است؟

فکر می‌کنم در حال حاضر دوستان سرای اهل قلم در حال پیاده‌کردن فایل‌های صوتی این نشست‌ها باشند تا حاصل آن را به صورت کتاب منتشر کنند. در این صورت فکری که کم‌تعداد کسانی که می‌توانند از حاصل این نشست‌ها استفاده کنند بیشتر خواهد شد.



زهرة نیلی

قلب فلسطین از سال ۱۹۴۸ تا به امروز، زخمی و خون‌چکان است و هر کس که ذرات شرف را در وجودش حس می‌کند، در هر گوشه جهان که باشد، نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت بماند. شاعران، نویسندگان و هنرمندان بسیاری از آن زمان تاکنون از فلسطین گفته و نوشته‌اند. گفتن از فلسطین، گفتن از زخمی است که چهره بشریت را خدشه دار کرده و دل میلیون‌ها انسان در سراسر جهان را به درد آورده است. اما سهم شاعران و نویسندگان ایرانی در این میان کدام است؟! کودکان و نوجوانان این دیار تا چه اندازه با درد و رنج مردمی آشنا هستند که خاکشان را به زور، تصاحب کرده و بر سرشان آتش باریده‌اند؟! کودکانی که دوست دارند زنده بمانند و زندگی کنند. هشتم مهرماه را روز پیوند میان کودکان ایرانی و فلسطینی نام نهاده‌اند. به بهانه این روز به گفت و گو با چند تن از صاحب نظران درباره ضرورت انتشار کتاب‌هایی برای کودکان و نوجوانان پرداخته‌ایم.

## بایدها و نبایدهای گفتن و نوشتن از کودکان فلسطینی

# صدای رسا به گوش خواهد رسید

محمد میرکیانی:

### وظیفه هنر تحریک احساسات است



محمد میرکیانی، نویسنده کودک و نوجوان و مدیر شبکه کودک سیماست. «قصه ما مثل شد»، «پند و قند» و «روزی بود و روزی نبود» از جمله آثار او هستند. کسی که علاوه بر نوشتن برای بچه‌ها، سال‌ها سر دبیر و نویسنده برنامه رادیویی «ظهر جمعه» هم بوده است.

چه ضرورتی وجود دارد برای کودک ایرانی که هنوز چیز زیادی درباره فرهنگ و تاریخ سرزمین خود نمی‌داند؟ فلسطین و کودک فلسطینی بگویم؟ فلسطین به نماد مظلومیت تبدیل شده و گفتن از کودکان فلسطینی، گفتن از معصومیتی است که از دست می‌رود و مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرد. چه اشکالی دارد کودکان با احساسات و عواطف هم‌نوعان خود، نه تنها در فلسطین که در هر گوشه دنیا آشنا شوند؟! با این کار تنها احساس آنها را برانگیخته‌ایم.

این رسالت هنر است. وظیفه هنر این نیست که پند دهد و برای مخاطب خود، راه و روش تعیین کند، بلکه رسالت هنر این است که احساس مخاطب خود را تحریک کند و از این راه، او را به اندیشیدن وادارد. هر قدر بچه‌های ما، درد و غم انسان‌های دیگر را بهتر و بیشتر درک کنند، درک و فهمشان نسبت به مسائل جهانی بالاتر می‌رود.

کتاب‌هایی چون «نامه به کودک فلسطینی» و یا نمونه‌های مشابه دیگر وقتی به عربی ترجمه نمی‌شوند و به دست کودکان ستمدیده فلسطینی نمی‌رسند، چه فایده‌ای دارند؟

این اتفاق در همه جای دنیای افتد و تنها ویژه ایرانیان نیست. حتی اگر این کتاب‌ها و نامه‌ها به زبان عربی ترجمه نشوند و هرگز به دست فلسطینی‌ها نرسند، موجب می‌شوند بچه‌های ایرانی، نسبت به آنچه در دنیای پیرامونشان می‌گذرد، آگاه شوند و با نگاهی کنجکاوانه وقایع سیاسی و اجتماعی را دنبال کنند. بعضی می‌پرسند در طول هشت سال جنگ تحمیلی به کودکان ایرانی هم ستم شد و... پس چرا به جای فلسطین به ایران نپردازیم؟

کودکان فلسطینی در حال حاضر، مساله دارترین کودکان دنیا هستند. اگر چه ایرانی‌ها، مردم اروپای شرقی، یوگسلاوی، صربستان و... هم جنگیدند، اما شش دهه است که بچه‌های بی‌گناه فلسطینی درگیر جنگی خانمان‌سوز و نابرابرند.

در جریان زلزله بم، هم از بچه‌ها خواسته شد تا به کودکان بم نامه بنویسند. گردآوری این گونه کتاب‌ها چه اندازه دلخواه بچه‌هاست و چقدر بازگوکننده ذهنیت بزرگسالان؟ بچه‌ها به آموزش و حمایت بزرگ‌ترها نیاز دارند. با این کار ما به آنها یاد می‌دهیم تا نسبت به دنیای اطراف خود بی‌تفاوت نباشند.

سمیرا اصلان پور:

### ضرورت جذابیت و گسترش فرهنگ کتابخوانی



سمیرا اصلان پور از جمله نویسندگانی که آثاری را برای کودکان و نوجوانان نیز خلق کرده است. «قلب نقره‌ای شهر»، «مبصر بعدی»، «پیراهن سپید» و «چشم جبهه‌ها» از جمله آثار او هستند.

انتشار نامه‌هایی برای کودکان فلسطینی یا کتاب‌هایی در ارتباط با ستمی که بر آنها می‌رود تا چه اندازه برای بچه‌های ایرانی جالب است؟

این به هنر نویسنده برمی‌گردد؛ نویسنده‌ای که می‌داند چگونه بنویسد و مخاطب خود را می‌شناسد، هر موضوعی را می‌تواند پرورش دهد. اما فضای زندگی امروز با ۲۰ سال پیش، تفاوت دارد و کودکان، بسیاری از چیزها را از طریق کتاب نمی‌آموزند و شکاف عمیقی بین آموزش رسمی و غیررسمی آنها پدید آمده است.

حسن احمدی:

### کودکان را با ذهن خود محدود نکنیم



حسن احمدی، نویسنده کودک و نوجوان است و «این تحمیل شده‌ها» و «کودک عجیب» از جمله آثار او است.

شما سابقه انتشار نامه به کودکان فلسطینی را در نشریه «باران» دارید. تا چه اندازه این گونه آثار به پیوند فرهنگی میان بچه‌های ایران و فلسطین می‌انجامد؟

باید هدف از این کار روشن شود. می‌توان فلسطین را به نماد مظلومیت و درعین حال مقاومت تبدیل کرد و از آن برای بچه‌ها نوشت که اتفاقا اگر به درستی

نادر قدیانی:

### ضرورت پژوهش درباره فلسطین



نادر قدیانی، مدیر انتشارات قدیانی است. او فکر می‌کند اگر کتاب‌هایی که برای کودکان فلسطینی نوشته می‌شود، جالب و جذاب باشند به راحتی می‌توانند کودکان را جذب کنند.

تا به حال انتشارات قدیانی به انتشار این گونه کتاب‌ها پرداخته است؟ نه. ناشران معدودی به سراغ انتشار این گونه کتاب‌ها می‌روند چون از چگونگی فروش آن، ناامطمئن‌اند و این در حالی است که توجه به مردم فلسطین، برای ما مسلمانان حیاتی است. اگر این طور است چرا برای کودکان فلسطینی و درباره آنها کتاب منتشر نمی‌کنید؟

## «فلسطین» توجه منتقدان فرانسوی را جلب کرد

یک منطقه حکمفرماست.

داستان فلسطین، در محلی در کرانه باختری رود اردن می‌گذرد؛ جایی بین خط سبز و حفاظ امنیتی، یک گشت رژیم صهیونیستی مورد حمله یک کماندوی فلسطینی قرار می‌گیرد. یکی از سربازان کشته شده و سرباز دیگر در حالی که بیهوش شده، گروگان گرفته می‌شود... گروگان زخمی و دچار شوک، دچار فراموشی می‌شود و همه چیز حتی نامش را از یاد می‌برد.

جوان پس از آنکه به وسیله دو خاتم فلسطینی

رمانی با محوریت فلسطین، اما این بار از نگاه سرباز رژیم صهیونیستی، به زبان فرانسه نوشته و منتشر شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از سایت فرانسوی بیلبوسارف، هوبرت آبراهام حداد رمان نویس تونسی در آخرین اثرش سراغ فلسطین رفته و این بار به مظلومیت این ملت از زاویه دید ظالم پرداخته است.

این رمان که توجه منتقدان را به خود جلب کرده به عنوان رمانی تکان دهنده شناخته شده و به فضایی می‌پردازد که در آن تنش درازمدت میان دو ملت در

یعنی شبکه‌های تلویزیونی باید به این قضیه توجه کنند؟

من فکر می‌کنم ماجرای فلسطین، لوث شده. وقتی به نقطه‌ای از بدن، به طور مداوم ضربه وارد می‌شود، پس از مدتی آن قسمت حساسیت خود را از دست می‌دهد. چیزی روی بچه‌ها تاثیر می‌گذارد که آن را از خانواده و محیط گرفته باشند. از سوی دیگر هنوز کتابخوانی در جامعه ما آن گونه که باید و شاید جا نیفتاده و خانواده‌ها به شکل اسباب بازی و نه یک ضرورت به کتاب نگاه می‌کنند. پدر و مادری که خود با کتاب آشنا نیستند چگونه می‌توانند از فرزندشان بخواهند کتاب بخواند؟!

پس چگونه می‌توان به موضوع کودکان فلسطینی پرداخت و از شیوه‌ای جذاب برای توجه به آن بهره برد؟

حمایت از مظلوم، جزو اصول اعتقادی ماست اما باید داستان‌هایی که در این زمینه نوشته می‌شود، جذاب و خواندنی باشد. کتاب‌های خوب به بچه‌ها معرفی شوند و در اختیارشان قرار بگیرند تا آنجا که امکانش وجود دارد از امکانات آموزش و پرورش استفاده نشود، چون سیستم آموزشی در این سال‌ها به قدری ناکارآمد بوده که هر چه به بچه‌ها آموزش داده، نتیجه عکس داده است.

به آن پرداخته شود می‌تواند خواندنی و جذاب باشد، اما اگر هدف، دادن یک سری اطلاعات به کودکان است... نمی‌دانم. فکر نمی‌کنم به کار بچه‌ها بیاید.

مگر بچه‌ها نباید با آنچه پیرامونشان می‌گذرد آشنا شوند؟

بچه‌ها باید بچگی کنند و از کودکی خود لذت ببرند. چرا باید ذهن آنها را درگیر ماجراهای گوناگون کرد؟! خودشان به مرور متوجه می‌شوند در اطرافشان چه می‌گذرد... نمی‌دانم چرا بزرگ‌ترها می‌خواهند همه چیز را به زور به خورد بچه‌ها دهند؟! باز هم تکرار می‌کنم. بچه‌ها بچگی کنند، همین.

پس چرا خود شما در مجله باران، نامه بچه‌ها به کودکان فلسطینی را منتشر کردید؟

ما از بچه‌ها خواستیم هر چه دلشان می‌خواهد به کودکان فلسطینی بنویسند نه هر آنچه خودمان می‌خواهیم را بنویسیم و در اختیار آنها بگذاریم.

نمی‌توان نادیده گرفت که بخش عمده‌ای از فعالیت ناشران، آن هم در شرایط کنونی اقتصادی است. چرا ناشران دولتی که دغدغه بازگشت سرمایه را ندارند چنین نمی‌کنند؟! اجرا آموزش و پرورش از این گونه کتاب‌ها حمایت نمی‌کنند؟! حداقل می‌تواند آنها را در کتاب‌های درسی مدارس به عنوان کتاب‌های مناسب معرفی کند... می‌بیند همه چیز به هم وابسته است.

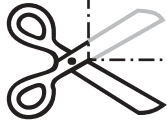
وقتی این کتاب‌ها به عربی منتشر نمی‌شوند و در دست کودکان فلسطینی قرار نمی‌گیرند، انتشارشان چه فایده‌ای دارد؟

هر کتاب، مخاطب خاص خود را دارد. مساله این است که کتاب زیبا و روان نوشته شده باشد، به خوبی صفحه بندی و تصویرسازی شده باشد و... از سوی دیگر کتاب‌های بسیاری به زبان عربی درباره فلسطین نوشته شده است. نوشتن کتاب به زبان عربی ما را از ترجمه به این زبان باز می‌دارد، درست است؟ نه. اما ما به پژوهش درباره فلسطین نیاز داریم. پژوهش‌هایی روشن و دقیق که بن‌مایه کار ما در زمینه خلق آثار قرار بگیرد و فلسطین به «نعش شهید عزیز» می‌ماند که بر دستمان ماست.

پذیرفته شده و تحت درمان قرار می‌گیرد، بدون هیچ مدرک شناسایی و بالباس‌های محلی عربی، از مرگ نجات می‌یابد و از آن به بعد نامش نسیم می‌شود و به فرزندی بیوه یکی از سران سیاسی فلسطین که در کمینی توسط سربازان رژیم صهیونیستی کشته شده بود در می‌آید و برادری ناتنی به نام فالاسطین پیدا می‌کند. در آنجاسیم از نزدیک در ده‌های مردم سرزمین اشغال شده کرانه غربی اردن را احساس میکنند...

حداد که در سال ۱۹۴۷، از پدری تونسی و مادری الجزایری به دنیا آمده نویسنده آثاری چون ژوئتری یک رؤیا، جهان و ژولیان گراک، طرحی از یک زندگی است.

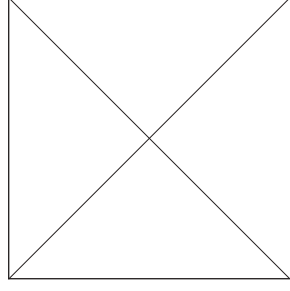




# کتاب هفته

## پست جواب قبول

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۹۵ - ۱۳۱۸۹ پرداخت شده است



نیاز به الصاق تمبر نیست

خانه کتاب ایران

نشریه کتاب هفته

تهران - صندوق پستی: ۳۱۳ - ۱۳۱۴۵

## نظرسنجی از خوانندگان

### محل چسباندن لبه کاغذ

کتاب هفته، باهدف رسیدن به انتظارات و کسب رضایت هرچه بیشتر شما مخاطبان و خوانندگان گرامی، نیازمند آگاهی از نظرات شماست. لطفاً، پس از تکمیل فرم نظر سنجی پشت صفحه، برگه را از نشریه جدا کرده و پس از تا کردن از محل نقطه چین، لبه های آن را باچسبانید و بدون تمبر در صندوق پستی بیندازید.

## خواننده گرامی

سلام

با دریافت نظرات شما در فرم زیر، بی تردید بر کیفیت نشریه خواهیم افزود. کتاب هفته را از برکت نظرات و پیشنهادات خود بهره‌مند کنید.

توضیحات	وضعیت				عنوان	ردیف
	ضعیف	متوسط	خوب	عالی		
	۵	۱۰	۱۵	۲۰		
					شیوایی مطالب	۱
					جدید بودن مطالب	۲
					پرمحتوا بودن مقالات	۳
					نحوه اطلاع‌رسانی در مورد کتاب‌های جدید	۴
					نحوه اطلاع‌رسانی در حوزه کتاب	۵
					کیفیت طراحی و صفحه‌آرایی	۶
					کیفیت چاپ	۷
					قیمت	۸
					در دسترس بودن	۹

چنانچه شاهد برخی کمبودها در این رابطه بوده‌اید، لطفا موارد آن را بیان کنید.

نکات مثبت و ویژه‌ای را که در این رابطه مورد توجه شما قرار گرفته و مایل به حفظ و تداوم آن هستید بیان فرمایید.

سایر موارد

امضاء

تاریخ

تکمیل‌کننده



نگاهی به «دانستنی‌های اسلامی برای نوجوانان»

# تعارف ندارد؛ بی‌تجربه ایم



بار تعریف و تقسیم‌فقهی آن در ذیل خود آب، می‌توانست ما را از تکرار هر باره آن دور کند.

## تثبوت رویه در آوردن نام افراد

مثال دیگری می‌زنم. به جرئت می‌توان گفت که یک سوم از مداخل کتاب مربوط به اشخاص است؛ به رغم این، رویه واحدی نسبت به مداخل مذکور اتخاذ نشده است.

لطفاً حدس بزنید مداخل دکتر علی شریعتی، در این دانش‌نامه ذیل کدام حرف الفبا قرار دارد؟ به نظر شما چقدر منطقی است که ذیل حرف «د» به دنبال آن برگردیم؟ خب حالا حدس بزنید مداخل دکتر مصطفی چمران ذیل کدام حرف تعریف شده است؟ به احتمال فراوان این مورد را بسیار سخت‌تر خواهید یافت؛ چون ذیل حرف شین باید به دنبال آن گشت. محمدجواد باهنر، رئیس‌علی دلواری و سید مرتضی آوینی و محمدعلی رجایی نیز ذیل حرف شین آورده شده‌اند. نام استاد رضا روزبه را باید ذیل حرف الف برگردید. در چیزی حدود ۸۰ مداخل نیز نام‌های افراد با لقب آیت‌الله یا آیت‌الله العظمی آورده شده‌اند.

روش معمول در آثاری از این دست آن است که نام افراد را فارغ از القاب و عناوین به‌عنوان مداخل اصلی تعریف می‌کنند و آن‌گاه اگر لازم باشد، نام افراد را با لقب‌ها و عناوین مشهورشان می‌آورند (که برای مخاطب نوجوان ما خیلی مفید است) و خواننده را به مداخل اصلی ارجاع می‌دهند؛ روش ساده و قاعده‌مندی که نمی‌دانم چرا در این دانش‌نامه نادیده گرفته شده است. به همین دلیل است که می‌گویم روش و ساختار در چنین کارهایی، گاه حتی مهم‌تر از خود محتوایی است که ذیل یک مداخل آورده می‌شود. چنانچه روش دستیابی به یک مداخل روشن و آسان باشد، حتی اگر محتوای نقل شده ضعیف باشد و به درخشان‌نخورده، خیلی زود او را به این نتیجه می‌رساند که کتاب را ببیند و سراغ منبعی دیگر برود و وقت خود را تلف نکند. ناگفته نماند که در بخشی از کار، مداخل‌ها هوشمندانه‌تر تعریف شده‌اند. برای نمونه، به رغم اتخاذ شیوه الفبایی در دانش‌نامه، ترتیبی اندیشیده شده که تمام سوره‌ها، غزوات، مساجد، آیه‌ها، تفاسیر یا تمثیل‌های قرآن کریم در کنار هم قرار گرفته‌اند (و متأسفانه به همه مجموعه سریان نیافته است)؛ چنین رخدادی به‌ویژه در دانش‌نامه ویژه نوجوانان، مزیتی مهم به‌شمار می‌رود؛ زیرا از پراکندگی و تشتت موضوعات جلوگیری می‌کند و تصویر دقیق‌تری را به خواننده می‌دهد.

## مدخل‌های تکراری

از نکات منفی و آزاردهنده دانش‌نامه، که متعدد هم اتفاق افتاده است، تکرار یک مداخل با الفاظ گوناگون است. شاید اگر نویسندگان، توضیحات یک مداخل را ذیل مداخل دیگر تکرار نمی‌کردند، این اتفاق این قدر آزاردهنده نبود.

منطق صرفه‌جویی در کلام حکم می‌کند که حتی اگر بنا به ضرورت، مجبور بشویم برای یک محتوای واحد، دو مداخل یا بیشتر تعریف کنیم، باید یک جا محتوای مورد نظر را بیاوریم و مداخل یا مداخل‌های مشابه و مرتبط را به آنجا ارجاع دهیم. در دانش‌نامه ما متأسفانه این اصل رایج و اصولی، تقریباً نادیده انگاشته شده است. در هر حال، بحث من فعلاً بر سر مداخل‌های تکراری است. اجازه بدهید گواهی‌هایی را از خود کتاب به مدد بخوانیم.

یکی از این شاهدان، در ذیل مداخل آ، و در همان صفحات آغازین کتاب، «آب خضر» است. درست

کتاب، این است که چه عاملی موجب شده است این سه مجلد به شکلی نیمه‌مستقل منتشر نشود و ما به جای یک کتاب سه جلدی، سه جلد کتاب داشته باشیم که در عین پیوستگی، موضوعات آن از استقلال نسبی نیز برخوردار باشند؟ در این صورت مثلاً برای یافتن نام یک دانشمند مسلمان کافی است سراغ یک مجلد مشخص برویم؛ حال آن‌که اکنون یک دانش‌آموز برای یافتن مطلبی مذهبی، باید هر سه جلد را با هم مورد جست‌وجو قرار دهد. خب چه دلیل محکم‌تری وجود دارد که ما را از این کار باز دارد؟

می‌توانید تصور کنید که چه صرفه‌جویی فراوانی در وقت خواننده رخ خواهد داد. لطفاً عنایت داشته‌اید که مخاطب ویژه مادر این کتاب کودکان و نوجوانانند، گرچه اگر بزرگسالان هم بودند، من بر آن پیشنهاد اصرار می‌ورزیدم.

## نبود دسته‌بندی مناسب

در چنین کار بزرگی، تعیین مداخل‌های مناسب و دنبال حفظ تناسب و ارتباط نوشته‌ها و ارجاع مداخل مکمل و مرتبط به یکدیگر و کارهایی از این دست بسیار مهم است.

از زمره اشکالاتی که در این مسیر رخ نموده است، انتخاب نامناسب برخی از مداخل‌ها و توضیحات نامناسب ذیل آنهاست. مثلاً انتخاب مداخلی مانند «آتش زدن خیمه‌ها» برای کتاب (ص ۱۷)، به نظر تان چقدر دقیق است؟ مفهوم محوری مورد نظر ما «آتش» است یا «خیمه‌ها» یعنی ما می‌خواهیم درباره آتشی سخن بگوییم که در خیمه‌ها افتاده است یا درباره خیمه‌هایی که به آتش کشیده شده‌اند؟ اگر منظورمان دومی باشد، طبعاً باید دنبال مداخلی مانند «خیمه‌های سوخته» یا «خیمه‌های آتش گرفته» باشیم. یک خواننده باهوش و دقیق وقتی می‌خواهد اطلاعاتی درباره خیمه‌های حسینی به دست آورد؛ طبیعی‌تر است که سراغ مداخل خیمه‌برود تا مداخل دیگر. اگر نه، می‌توان پرسید که چرا به جای آتش زدن خیمه‌ها، نباید دنبال مداخلی مانند سوزاندن خیمه‌ها (ذیل حرف س) یا غارت خیمه‌ها (ذیل حرف غ) نگردد که منطقی‌تر است؟ خوشبختانه دوستان ما در کانون، با چگونگی کارکرد ذهن نوجوانان به‌خوبی آشنا هستند. بنابراین تصدیق خواهند کرد که در کتاب ما، مداخل محوری باید اولی باشد و اگر ضرورتی برای آوردن مداخل دوم هست، خواننده باید از مداخل دوم به مداخل نخست راهنمایی شود.

## شاهد دیگر

گمان می‌کنم حق مطلب چنان‌که باید ادا نشد. حالا برای نشان دادن ملموس‌تر مشکلات، از مداخل دیگری کمک می‌گیرم. نخستین مداخل این کتاب «آب» است و چند مداخل بعدی نیز به نحوی با آب ارتباط دارند. در مداخل «آب» که انتظار داریم با تعریف کلی آن رویه‌رو شویم، تنها چیزی که نمی‌بینیم، همین تعریف کلی است و تنها مطالبی درباره آب در قرآن و ارتباط آن با واقعه عاشورا می‌خوانیم. به عوض، در ذیل مداخل «آب در قرآن» ابتدا تعریف آب آورده می‌شود و بعد احادیثی درباره آب می‌خوانیم و سپس بالاخره وارد موضوع می‌شویم. در مداخل‌های هفتگانه آب‌های فقهی (جاری، چاه، راکد، قلیل، کر، مطلق و مضاف) هم نویسنده تقریباً یک محتوای ثابت (تقسیم آب به انواع و برشمردن مصداق‌های گوناگون هر نوع) برای آب در نظر گرفته و آن را در تمام مداخل تکرار کرده است و حداکثر در یکی دو بند آخر هر مداخل به موضوع مربوط وارد شده است. نیاز به گفتن ندارد که تنها یک

دانشنامه «دانستنی‌های اسلامی برای نوجوانان»، چنان‌که از نامش پیداست، نوجوانان را با دانستی‌ها و معارف اسلامی آشنایی کند. اسامی و توضیح کتاب‌ها، مکان‌ها، شخصیت‌ها و اصطلاحات اسلامی و مذهبی. انتشار این اثر توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کاری ستودنی است؛ اثری که در کشوری اسلامی مانند ایران، باید خیلی پیش از این تهیه و تولید می‌شد. انتشار چنین کتابی کاری خرد نیست؛ اما چه کسی می‌تواند بگوید این بهترین و کامل‌ترین شکل کار است؟

تعارف ندارد، تجربه‌مادر عرصه تولید دانش‌نامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان اندک است؛ از این رونمی‌توان ناشی را ملامت کرد اگر بخواند با آزمون و خطا، راه خود را بیابد. کانون یکی از مجرب‌ترین ناشران فعال ما در عرصه کار برای کودکان و نوجوانان است؛ اما نباید چشم را بر واقعیت بست که کمتر سراغ انتشار کتاب‌های مرجع، آن هم با این حجم رفته است و پیشینیان ما گفته‌اند که کار نیکو کردن از پر کردن است. کتابی که درباره آن گفت و گو می‌کنیم، دانش‌نامه‌ای با ۳۸۰۰ مداخل، در موضوع نام‌ها و اصطلاحات اسلامی مانند اصول و عقاید، کتاب‌ها، شخصیت‌ها، مکان‌ها و گروه‌های اسلامی و دینی است.

کتاب فاقد راهنما و هر گونه نمایه موضوعی است. تنها مقدمه‌ای دو صفحه‌ای دارد که در آن به اجمال، دست‌اندرکاران و نویسندگان مداخل را معرفی کرده است؛ چنان‌که هیچ منبعی برای هیچ مقاله‌ای ذکر نشده است.

## اهمیت ساختار

در این نوشته به بحث محتوا نپرداخته‌ام که مجال دیگری می‌خواهد. توجه اصلی‌ام بیشتر معطوف ساختار و شکل ارائه کار شده است. زیرا تصور بر این است که در کارهایی از این دست، ساختار و شکل، نه تنها خود بخشی اساسی از محتوا هستند که نقش بسیار مهم‌تری را در موفقیت یک اثر بازی می‌کنند و اگر درست تعریف شده باشند، خواننده را با سهولت و آسانی بیشتر با خود همراه می‌سازند و نتیجه‌دل‌خواه‌تری برای او و تولیدکنندگان رقم می‌زنند.

امروزه نقش شکل و شمایل یک کتاب، در اقبال بیشتر خوانندگان، بر کمتر کسی پوشیده است؛ این امر خصوصاً درباره مخاطبی که ما از آن سخن می‌گوییم، خود را بارزتر می‌نمایاند. از این رو، مثلاً اگر در متن یکی از مداخل مهم کتاب (امام موسی صدر)، تصادفاً ۴۵ مورد غلط تایپی وجود داشته باشد، در مقایسه با ساختار نامناسب کتاب چندان به چشم نخواهد آمد؛ زیرا اگرچه بروز اشکالاتی از این دست، در یک فرهنگ‌نامه بخشودنی نیست، اما با چاپ یک غلط‌نامه قابل رفع است؛ ولی اگر ساختار غلط باشد، باید کل کتاب را دور ریخت و از نو کتابی دیگر باید ساخت و باید چشم طمع را برای رسیدن آن حتی به چاپ دوم بست. اشکالات موجود در چنین آثاری می‌توانند ضایعات سنگینی بر جا بگذارند و به جای اصلاح موضوع، گاه به حذف صورت مسئله بینجامند.

## یک کتاب چند جلدی یا چند جلد کتاب؟

این دانش‌نامه در سه مجلد آماده شده است و جمعاً ۱۷۴۰ صفحه دارد. از مجموع تقریبی ۳۸۰۰ مداخل، دست‌کم یک سوم آن مربوط به افراد است. حدود یک سوم دیگر مربوط به اسامی کتاب‌ها و مکان‌هاست و تقریباً یک سوم یا کمی بیش از آن، مربوط به اصطلاحات مذهبی و اسلامی است.

باین وصف نخستین پرسش من از دست‌اندرکاران

قبل از این مداخل، مداخل «آب حیات» قرار گرفته است. می‌دانیم که مراد از این هردو عبارت یکی است. نویسنده یا نویسندگان این دو مداخل هم با ما هم عقیده‌اند. خب باین وصف، درست‌تر نبود بحث را ذیل همان مداخل اول تمام می‌کردیم و مداخل دوم را به مداخل پیش از خود ارجاع می‌دادیم؟

همین ماجرا را می‌توانید زیر دو مداخل «ایوب» و «صبر ایوب» ببینید و دریغاً که به رغم تکرار تمام و کمال مطلب حتی جمله‌ای نیاورده است که چرا صبر ایوب مثل شده است؛ گرچه اگر نویسنده مداخل ایوب کارش را درست انجام داده بود، ناگزیر می‌بایست به همین نکته هم اشاره می‌کرد و جایی را برای آوردن مداخل دیگری باقی نمی‌گذاشت.

نگارنده را ببخشید که برای رعایت اختصار در این نوشته، از آوردن مثال‌های متعدد معذور است. علاقه‌مندان می‌توانند به نسخه کامل‌تری از این نوشته مراجعه کنند که احتمالاً به دلیل عدم محدودیت جا، در فضای مجازی (خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) منتشر خواهد شد.

## نبود یکدستی

نیازی به گفتن ندارد که وقتی پای نویسندگان گوناگون در میان می‌آید، تنها چیزی که می‌تواند اثر را از تشتت حفظ کند، ایجاد یک رویه مناسب و مراقبت از آن است. در دانش‌نامه، مداخلی وجود دارد با عنوان «نام‌های دیگر سور قرآن». گذشته این که مداخل مذکور تکراری است (زیرا تمام سوره‌های قرآن به صورت مجزا در دانش‌نامه آورده شده است و نام یا نام‌های دیگر هر سوره، در ذیل مداخل مربوط آورده شده است)؛ از اشکال دیگری رنج می‌برد که ما نام آن را بنود یکدستی در کار می‌خوانیم.

در این مداخل، برای هر سوره یک نام اصلی و یک یا چند نام دیگر ذکر شده است. بدیهی است انتظار می‌رفت در تعریف مداخل‌های مربوط به سوره‌ها، نام اصلی‌شان ملاک قرار داده شود. حال آن‌که برخی از مداخل‌های انتخاب شده، از بین نام‌های غیر اصلی انتخاب شده است؛ یعنی حتی اگر کسی با استفاده از نام‌های اصلی موجود در این فهرست، به دنبال سوره‌ای بگردد، موفق به یافتن آن نخواهد شد. مثلاً فاتحه در فهرست نام‌های دیگر سوره حمد قرار دارد؛ حال آن‌که در بخش سوره‌ها، عنوان مداخل «فاتحه» گذاشته شده است.

## مصدق به جای موضوع

اشکال دیگری که به نظر من در ساختار کتاب وجود دارد و خیلی به یک مورد خاص محدود نمی‌شود، نشان دادن برخی مصداق‌ها به جای موضوع است. این اتفاق به دفعات رخ داده است.

برای نمونه، به جای آن‌که دانش‌نامه از موضوع ترجمه قرآن کریم به زبان‌های دیگر یا فقط به فارسی و مثلاً اهمیت این کار و دلیل آن و از برخی ترجمه‌های معتبر موجود سخن بگوید، تنها به مداخل «ترجمه قرآن خرمشاهی» بسنده کرده و این پرسش را بی‌پاسخ گذاشته است که چرا از میان خیل ترجمه‌های قرآن تنها یکی از آنها این امکان را یافته است که مداخل قرار بگیرد؟

فردا در مراسم اختتامیه جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس

# طلایه داران کتاب دفاع مقدس به قلّه می رسند

کرد: «این اقدام اما نیاز به ارسال نامه ای مکتوب داشت تا مسؤولان بنیاد حفظ آثار، نیاز خود را به این مساعدت مالی اعلام کنند.»

دکتر پرویز افزود: «این نامه با مقدماتی که به اعتقاد من جای سوال دارد، ارسال شده که این را البته در نامه ای به خود دوستانمان در بنیاد پاسخ خواهیم داد.»

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «در این نامه، برآورد مالی، جشنواره محاسبه شده که ارتباطی به کمک مختصر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ندارد.»

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: «این کمک مالی به این معنا نیست که معاونت فرهنگی برنامه های اختصاصی در این حوزه ندارد، بلکه به زودی سهم خود را به خوبی ادا خواهد کرد.»

وی تصریح کرد: «مفاد توافق نامه ای که میان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس بنیاد حفظ آثار به امضا رسید، تنها اشاره صرف به مسائل مالی نداشت

و مفادی از آن به برنامه ریزی برای برگزاری این فعالیت ها در جلساتی مشترک، اشاره کرده است.» دکتر پرویز در بخش دیگری از سخنانش به لزوم ابتکار و نوآوری در تقدیر از آثار ربع قرن دفاع مقدس اشاره کرد و گفت: «یکی از بحث های ما با مسؤولان بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس این بود که تکرار انتخاب کتاب سال در این مراسم در حوزه دفاع مقدس به اسم ربع قرن اقدامی مبتکرانه نیست و این کار هر ساله در محدوده زمانی خودش انجام می شود.»

به گفته وی «در این باره نیز جلساتی با حضور کارشناسان، نویسندگان و صاحب نظران حوزه دفاع مقدس برگزار و نتایج آن به بنیاد حفظ آثار و ارزش های اسلامی منعکس شد.»

وی گفت: «یکی از مفاد توافق نامه این بود، هر برنامه ای که اجرا می شود، براساس توافق طرفین و نمایندگان بخش های مختلف باشد، اما به مرور زمان، اتفاقات دیگری افتاد و این فعالیت ها وارد مسیر دیگری شدند.»

دکتر پرویز با بیان این مطلب که «بارها به این دوستان اعلام کردم که شخصا در این جلسات در هر زمان و مکانی حاضر خواهم شد» یادآور شد: «متأسفانه این اتفاق نیفتاد و ما از طریق رسانه ها و مصاحبه های مسؤولان بنیاد متوجه می شدیم که ایشان در برگزاری این جشنواره، برای وزارت ارشاد نیز سهم مالی مشخص کرده اند.»

وی افزود: «ما چون نمی خواهیم زحمات و فعالیت های دوستان زمین بخورد و دچار نقصان شود، مثل جشنواره شعر دفاع مقدس و دیگر برنامه های ادبی این بنیاد، بدون قبول مسؤلیتی در برگزاری این جشنواره و پرداخت کل هزینه ها، کمک مالی مختصری را در اختیارشان قرار می دهیم.» وی درباره انتخاب نشدن کتاب برگزیده در بخش های مختلف این جشنواره از سوی هیأت داوران گفت: «این مسأله قابل پیش بینی بود و مادر جلسات قبلی تاکید داشتیم که انتخاب کتاب ربع قرن، موجب دلخوری، خواهد شد.»

وی در پایان گفت: «هر کتابی که به عنوان کتاب برگزیده اعلام شود، تعداد زیادی از نویسندگان ارزشمند این حوزه را آزرده می کند و این در حالی است که همه می دانیم در این حوزه، کتاب خوب به تعداد زیادی تولید شده و جایزه دادن به یک اثر بدون توجه به دیگر آثار ارزشمند، موجب دلخوری دیگران خواهد شد. ما در نظر داشتیم از همه کسانی



جشنواره مشخص شد. البته ۱۰ جلسه نیز توسط شورای برنامه ریزی جشنواره ربع قرن تشکیل و صورت جلسه آنها برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال شده است.»

زنجان ی یاد آور شد: «پس از برگزاری این جلسات، سردار میرفیصل باقرزاده، رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، با ارسال نامه ای به وزیر ارشاد در بهمن ماه ۱۳۸۷، بر توجه به نظرات مسؤولان این وزارتخانه درباره چگونگی برگزاری جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس تاکید کرد، اما هنوز پاسخ روشنی از سوی وزارت ارشاد دریافت نکرده ایم.»

وی همچنین اظهار داشت: «جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، در سه حوزه «اجرا، داوری و اهدای جوایز»، «تولید آثار جدید» و «بازتولید آنها به صورت ترجمه، نقد کتاب و تجدید چاپ آثار» برگزار خواهد شد. بنیاد حفظ آثار، مبالغ پیشنهادی خود را به وزارت ارشاد اعلام کرده و همچنان منتظر جواب است.»

در پی این اظهارات، دکتر محسن پرویز؛ معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی سخنانی به صراحت اعلام کرد که وزارت ارشاد، در جشنواره ربع قرن دفاع مقدس نقش تصمیم گیرنده ندارد.

دکتر پرویز در این باره گفت: «برای این که فعالیت و زحمات مسؤولان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در برگزاری جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس دچار نقصان نشود، مختصری کمک مالی به این جشنواره اختصاص می دهیم، بدون این که مسؤلیتی در برگزاری این جشنواره بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد.»

وی ادامه داد: «معاونت فرهنگی، سهم خود را از برنامه ها و فعالیت های بزرگداشت ربع قرن دفاع مقدس دارد که به زودی درباره کم و کیف آن اطلاع رسانی خواهد شد.»

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین افزود: «در آخرین جلسه ای که با مسؤولان بنیاد داشتیم؛ مشخص شد ایشان برنامه هایی دارند که در مفاد توافق نامه گنجانده نشده است که البته نیاز به کمک مالی هم دارد.»

وی با اشاره به این مطلب که «در همان جلسه اعلام آمادگی کردیم که کمک مالی مختصری را به برگزاری این فعالیت بنیاد اختصاص دهیم» تصریح

آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، بیش از این در جلسات متعدد مورد تاکید قرار گرفته و براساس آنچه در آخرین جلسات بهمین و اسفند ماه ۸۷ به نمایندگان محترم بنیاد (از جمله جناب سرهنگ زنجان) اعلام شد، ضروری است کلیه توافقات فی مابین، مورد اجرا قرار گیرد.

ظاهراً، تصور محدود بودن نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به پرداخت ۵۰۰ میلیون تومان به این جشنواره است؛ حال آن که براساس مفاد توافق نامه که بارها از سوی ریاست محترم بنیاد نیز مورد تاکید قرار گرفته است، قرار بود شورایی متشکل از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، بنیاد شهید و امور ایثارگران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، بنیاد روایت فتح، سازمان های حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس ارتش و سپاه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، انجمن قلم و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان تشکیل و در خصوص جشنواره، طبق نظر شورای مذکور اقدام شود.

شایسته نیست جشنواره ربع قرن، صرفاً به یک انتخاب کتاب سال دفاع مقدس (در محدوده ای بزرگتر) تبدیل شود. این موضوع مورد تایید و تاکید کارشناسان، اهالی قلم و نویسندگان این حوزه نیز قرار گرفته است.

ضمناً براساس نتیجه آخرین جلسه معاونت امور فرهنگی با بنیاد، معاونت همچنان منتظر برگزاری جلسات بعدی و قرار گرفتن در جریان نحوه به اجرا درآمدن توافقات قبلی است.»

البته زنجان نیز در پاسخ به این جوابیه اظهار داشت: «نخستین شورای سیاستگذاری این جشنواره، در آبان ماه سال ۸۶ و با حضور محمدحسین صفارهرندی؛ وزیر ارشاد، سردار میرفیصل باقرزاده؛ رئیس بنیاد حفظ آثار، حسن بنیانیان؛ رئیس حوزه هنری و نمایندگان بنیاد شهید، سپاه پاسداران و ارتش تشکیل و سیاست های کلی جشنواره روشن شد.»

وی همچنین افزود: «دومین جلسه شورای سیاستگذاری، پس از سه ماه با حضور دکتر محسن پرویز؛ معاون امور فرهنگی ارشاد، سردار حمید حسام؛ معاون ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار و نمایندگان سازمان های مرتبط، در اداره کل توسعه کتابخوانی برگزار و بار دیگر برنامه های کلی

جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس (یکشنبه) با اجرای مراسم اختتامیه به همت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در تالار اندیشه حوزه هنری با معرفی آثار برتر، به کار خود خاتمه می دهد. فردا آثار ممتاز در فاصله سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۶،

در شش گروه موضوعی ادبیات، تحقیق و پژوهش، ادبیات و تاریخ مستند، هنر، ترجمه و بخش جانبی، همراه با آثار شایسته تقدیر، معرفی می شوند.

۶۱۰۰ اثر در شش گروه اصلی ادبیات به دبیری محمدرضا ترکی، ادبیات و تاریخ مستند «به دبیری سردار اثباتی»، تحقیق و پژوهش ها «به دبیری منوچهر اکبری»، هنر «به دبیری سقائیان»، ترجمه «به دبیری موسی بیدج» و بخش جنبی «شامل ناشر نمونه، خادم نشر، کتابدار نمونه و خبرنگار برتر» داوری شدند.

یکشنبه، در حالی صاحبان برترین آثار ربع قرن کتاب دفاع مقدس روی صحنه می روند و جایزه می گیرند که این جشنواره از ابتدای مطرح شدن اندیشه برگزاری اش تا رسیدن به مرحله گزینش نهایی، فراز و نشیب های فراوانی را به ویژه به خاطر تضارب آرا و اندیشه های مسؤولان برگزارکننده و حمایت گر و همچنین ابراز نظر های کارشناسان به خود دید. این جشنواره از مبحث حمایت مالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفته تا تعیین تعداد آثار برگزیده در گروه های موضوعی مختلف، به نحوی قابل تأمل به سمت پویایی و تاثیرگذاری حرکت کرد.

در مجموع می توان ادعا کرد فارغ از این که چه آثاری برگزیده می شوند هدف اصلی، یعنی بررسی کارشناسانه آثار مکتوب دفاع مقدس در ربع قرن و همچنین فراهم آوردن زمینه نقد آثار برای نیل به حد مطلوب، تا اندازه زیادی برآورده شد.

البته در میانه راه مشکلاتی برای این جشنواره نوپا به وجود آمد، به گونه ای که اعتراض برخی از نویسندگان مطرح کشور را مبنی بر این که «آثارشان در کنار آثار نویسندگان جوان بررسی می شود» برانگیخت.

## معاونت فرهنگی ارشاد تعامل همراه با تفاهم

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس متوسلی برگزاری این جشنواره از ابتدا، برنامه ریزی های خوبی را برای برگزاری مناسب این جشنواره انجام داد، اما برخی اظهار نظر ها این سوال را به وجود می آورد که اساساً نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان متولی اصلی فرهنگ و مکتوبات، در این جشنواره چیست؟

حسین زنجان، دبیر اجرایی جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس در سخنانی در این باره گفت: «معاون فرهنگی وزارت ارشاد، از دل نگرانی های این وزارتخانه خبر داد و خواستار ایجاد تغییر در تعداد گروه های داوری، انتخاب چندین کتاب برتر در هر گروه و معرفی نویسنده برگزیده به جای کتاب برتر شد. به همین دلیل جلساتی را با حضور محسن پرویز، سردار باقرزاده و محمدرضا سنگری برگزار و بخش هایی از دغدغه های ارشاد را رفع کردیم، اما در نهایت به نتیجه خاصی نرسیدیم.»

پس از چنین اظهار نظری، روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پاسخ به سخنان حسین زنجان، دبیر اجرایی جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، طی نامه ای اظهار داشت: «آمادگی کامل این معاونت، برای اجرای موافقت نامه بین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بنیاد حفظ



که در این مدت آثار ارزشمند خلق کرده اند، تقدیر کنیم نه از یک کتاب خاص.»

### فرصتی برای بررسی علمی

از جمله محسنات برگزاری جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، بررسی علمی آثار منتشر شده در این حوزه است.

این گونه داوری به یقین باعث مشخص شدن نقاط ضعف و قوت آثار و مهم تر از آن، فراهم شدن زمینه ای برای تقویت آثار مرتبط با هشت سال دلاوری در آینده می شود.

محمدرضا سنگری، در واکنش به اظهارات دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر ارشاد گفت: «از سال ۱۳۸۶ که تفاهم نامه خود را با ارشاد منعقد کردیم، قرار شد جشنواره ربع قرن، با همکاری بنیاد حفظ آثار و وزارت ارشاد برگزار شود و سهم روشن هر مجموعه نیز ۵۰ درصد در نظر گرفته شده بود.» وی با اشاره به وجود صورتجلسات تمام نشست های مسئولان جشنواره افزود: «پس از برگزاری جلسات مختلف با حضور نمایندگان ارشاد مانند: علی شجاعی صائین، تردید هایی از سوی معاونت فرهنگی ارشاد مطرح شد. حقیقت آن است که از مدتی پیش، ابراز پیشداوری ها و پیش فرض ها قبل از کار داوری در جشنواره، رواج پیدا کرده بود. یعنی به جای بررسی کتاب ها، صاحبان فکر و اثر انتخاب می شدند و مجالی برای بررسی آثار باقی نمی گذاشتند. حتی همزمان با شکل دادن گروه های داوری جشنواره ربع قرن، همین تفکر را مطرح کردند. اما قرار نبود که کتاب ها را کنار بگذاریم و نویسندگان را محور قرار دهیم.»

وی در تشریح دغدغه های معاون فرهنگی وزیر ارشاد، تاکید کرد: «دکتر محسن پرویز، نگران انتخاب یک اثر در هر شاخه داوری و دل آزرده گی دیگر نویسندگان بود.»

دبیر علمی جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، ادامه داد: «حفظ حیثیت و هویت ادبی دفاع مقدس، مهم ترین هدف این جشنواره است. بنابراین، باید آثار قابل دفاع ارائه دهیم. هدف ما معرفی چند نویسنده نیست. ما می خواهیم سیر تبلور ادبیات دفاع مقدس را در طول این ۲۵ سال نشان دهیم.» محمدرضا سنگری تصریح کرد: «قصد داریم موفقیت ها، ضعف ها و حتی ناکامی های ۳۳ شاخه داوری جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس را آشکار سازیم و کمبود ها را جبران و راه های نرفته را تجربه کنیم. در عین حال نیز با تقویت عرصه های برجسته ادبیات جنگ تحمیلی، نقاط ضعف را بررسی کنیم و مورد چالش قرار دهیم.»

وی همچنین افزود: «تقدیر از همه نویسندگان جنگ به خاطر جلوگیری از رنجش بعضی از آنان، استدلال منطقی ای نیست. چون وقتی کتاب های منتشر شده در طول ۲۵ سال بررسی می شوند، به این معناست که در مقابل انتخاب ۲۰ اثر، دو هزار کتاب نیز از دایره داوری خارج شده اند. طبیعی است که در انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی نیز برخی از کتاب ها حذف می شوند. پس برای جلوگیری از رنجش دیگران چنین جشنواره هایی را برگزار نمی کنیم! البته اگر در پشت هر قضاوتی، استدلال وجود داشته باشد، رنجشی در کار نخواهد بود. به همین دلیل، داوران هر شاخه، دلایل انتخاب کتاب های برتر را در بیانیه ها و مقالات علمی خود مطرح کرده اند و هر نویسنده ای در صورت تمایل، می تواند از شرایط داوری کتاب خود در جشنواره ربع قرن مطلع شود.»

سنگری یادآور شد: «در تعیین تعداد آثار برگزیده هر شاخه، تسلیم نظر داوران بوده ایم. در بعضی از گروه های داوری، با چندین اثر برتر روبه رو بودیم و در برخی از شاخه ها نیز کتاب برتری شناخته نشد. کتاب های برگزیده جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس باید به صورتی انتخاب شوند که قله نشین آثار این حوزه و قابل توصیه و پیروی برای دیگر نویسندگان دفاع مقدس باشند.»

دبیر علمی جشنواره ربع قرن، در ادامه اظهار داشت: «برنامه اختتامیه را به صورتی تنظیم کرده ایم

که با اتفافی متفاوت روبه رو شویم. در حال حاضر، دارای گروهی از داوران صاحب نظریم که هر یک، مقاله ای علمی در حوزه داوری خود نوشته اند و تصویر روشنی از حوزه ادبیات جنگ ایجاد کرده اند.»

### ام کتاب دفاع مقدس

کوروش علیانی، یکی از داوران جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، با اشاره به ارزیابی حجم گسترده ای از آثار در گروه خاطره گفت: «این شاخه، از لحاظ ماده خام موضوعی، غنی و در عین حال مظلوم است. چون اکثر نویسندگان، به نگارش حداقل ها اکتفا و حتی توصیفاتی عجیب و داوری های به ظاهر ایدئولوژیک را وارد این آثار کرده اند.»

وی ادامه داد: «البته در این میان، کتاب های درخشانی نیز وجود دارند. با این وجود، تصور می کنم کتاب های خاطرات دفاع مقدس، به زبان ساده و روان نیاز دارند که این ویژگی، اکسیر مناسبی برای نویسندگان این حوزه خواهد بود.»

معصومه رامهریزی، یکی از داوران بخش «خاطره» جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، اظهار داشت: «برپایی جلسات کارشناسی پس از برگزاری جشنواره ربع قرن، برای تحلیل، آسیب شناسی و رفع نواقص ادبیات دفاع مقدس ضروری است.» وی روند این جشنواره را با مراسم انتخاب کتاب سال دفاع مقدس، متفاوت خواند و گفت: «جشنواره ربع قرن، سیر تدوین کتاب های جنگ در طول ۲۵ سال را با نگاهی از بالا بررسی کرده و این امر، اساسی ترین تفاوت این جشنواره با انتخاب کتاب سال دفاع مقدس است.»

وی با اشاره به حجم بالای کتاب های منتشر شده در حوزه خاطرات جنگ، تصریح کرد: «خاطرات دفاع مقدس، به واسطه احساس نیاز به مستند سازی جنگ، از دهه ۶۰ به بعد، توسط رزمندگان بازگو و تدوین شدند. در واقع، مجموعه خاطرات جنگ، ام کتاب دفاع مقدس اند.»

داور بخش «خاطره» جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، در پایان اظهار داشت: «آزادی از قید زمان، همه جشنواره ها را در بهبود روند تاثیر گذاری بر تولید محصولات فرهنگی، کمک خواهد کرد. همچنین، برپایی جلسات کارشناسی، پس از برگزاری جشنواره ربع قرن نیز برای تحلیل، آسیب شناسی و رفع نواقص ادبیات دفاع مقدس ضروری است.» نظرات محمد میرکازمی، سرداور بخش وصیت نامه جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، نیز قابل تأمل است.

او در این باره گفت: «شناخت موقعیت کنونی ادبیات دفاع مقدس، یکی از تاثیرات مثبت این جشنواره است. همچنین، آشکار شدن نقاط قوت و ضعف گونه های مختلف ادبی جنگ نیز، یکی دیگر از نتایج داوری های جشنواره ربع قرن است. ممکن است، جشنواره ربع قرن به همه اهداف خود دست پیدا نکند، اما قطعاً به بخشی از آرمان های خود رسیده است.»

وی به فعالیت ۲۵ ساله نویسندگان، ناشران و نهادهای مختلف در حوزه نشر کتاب های جنگ تحمیلی اشاره کرد و افزود: «شناخت موقعیت کنونی ادبیات دفاع مقدس، یکی از تاثیرات مثبت جشنواره ربع قرن است.»

رئیس اداره تالیف نشر شاهد، خاطر نشان کرد:

**فارغ از این که چه آثاری برگزیده می شوند، هدف اصلی یعنی بررسی کارشناسانه آثار مکتوب دفاع مقدس در ربع قرن و همچنین فراهم آوردن زمینه نقد آثار برای نیل به حد مطلوب، تا اندازه زیادی برآورده شد**

«اهمیت برگزاری این جشنواره در ارائه دیدگاه های صاحب نظران در انتخاب آثار برتر ربع قرن، نهفته است. زیرا تغییر شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در طول ۲۵ سال اخیر، معمولاً امکان داوری و قیاس کتاب های دفاع مقدس منتشر شده در دوره های مختلف زمانی را سخت می کند.»

سرداور بخش وصیت نامه جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، یادآور شد: «آشکار شدن نقاط قوت و ضعف گونه های مختلف ادبی جنگ نیز، یکی دیگر از نتایج داوری های این جشنواره اند. همچنین حاصل این بررسی ها نشان داد که شاخه هایی چون گزارش نویسی و نامه ها و وصیت نامه، جزو گروه هایی اند که نیازمند توجه و تلاش بیشتری اند.»



### کارشناسان چه گفتند؟

از نگاه کارشناسی، این جشنواره به نوعی می تواند علاوه بر شناسایی کمیت و کیفیت آثار مکتوب عرصه دفاع مقدس، آثاری را که هرگز در هیچ جشنواره ای فرصت حضور پیدا نکرده اند را بیابد، به نقد بگذارد. داوری کند، امتیاز بدهد و مهم تر این که تقریباً تمامی اعضای این خانواده بزرگ را گرد هم بیاورد.

در راستای برگزاری این جشنواره، کارشناسان حوزه ادبیات به یژه ادبیات دفاع مقدس نیز نظرات قابل تأملی را ابراز کردند.

حسین اردستانی، رئیس مرکز اسناد دفاع مقدس، معتقد است: «جشنواره ربع قرن باعث معرفی آثار برتر و برجسته منتشر شده در حوزه های نظامی، سیاسی، پژوهشی و ادبی، دفاع مقدس خواهد شد.» وی تشویق و ترغیب نویسندگان، مترجمان و ناشران حوزه جنگ تحمیلی، در این جشنواره را ستایش کرد و گفت: «چگونگی تصمیم گیری متولیان فرهنگی در انتخاب نوع جوایز این جشنواره، تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر حوزه کتاب جنگ خواهد داشت.»

وی افزود: «البته اهدای جوایز مناسب، بیشتر بر سطح کمی آثار تاثیر گذار خواهند بود و در افزایش سطح کیفی کتاب های دفاع مقدس انعکاس بسزایی نخواهد داشت.»

همچنین، داوود امیریان، داستان نویس، با تاکید بر لزوم جلوگیری از حاشیه سازی برای جشنواره ربع قرن، گفت: «من به روند علمی و اجرایی جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس ایمان دارم و مطمئنم فشاری در داوری این جشنواره تاثیر گذار نبوده است.»

نویسنده کتاب «آخرین نگاه» تصریح کرد: «در داوری کتاب های جنگ تحمیلی نباید با نگرش آرمانی قضاوت کرد. چون در این حوزه، آثار پرمخاطب و شایسته تقدیر زیادی وجود دارند.»

از سوی دیگر، جمال شورجه، کارگردان فیلم «عملیات کرکوک» گفت: «جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، نقشه روشن و مناسبی از آثار این حوزه را برای مخاطبان ترسیم خواهد کرد. همچنین در یادآوری و تجلیل از نویسندگان کتاب های دهه

۱۳۶۰، تاثیر بسزایی خواهد داشت.»

این کارگردان سینما، داوری شش هزار عنوان اثر مرتبط با جنگ تحمیلی را در جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس حرکتی مبارک خواند و اظهار داشت: «برگزاری این جشنواره باید باعث بازنگری چالش و گزینش مجدد در ادبیات جنگ شود.»

وی ادامه داد: «گرچه مراسم انتخاب کتاب سال دفاع مقدس، به صورت سالانه برگزار می شود اما نگاه گسترده جشنواره ربع قرن به کتاب های جنگی منتشر شده در طول ۲۵ سال گذشته، رویکرد تازه ای را در این حوزه آغاز کرده است.»

شورجه افزود: «مقایسه کتاب های دفاع مقدسی دهه های ۶۰ تا ۸۰، جهت گیری ادبیات جنگ تحمیلی از نظر سبک و محتوا نسبت به ارزش های دفاع مقدس، پیشرفت ها یا انحرافات احتمالی آنها را نشان خواهد داد.»

عرفان نظر آهاری، شاعر و نویسنده نیز در این زمینه گفت: «اگر جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، فرصت نقد آثار این حوزه را از نظر کیفی فراهم کند، حرکتی تازه انجام شده است و کاستی ها و نقاط قوت کتاب های جنگ روشن می شود.»

داور هفدهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس، خاطر نشان کرد: «عرصه جنگ را نباید تنها در یک واقعه تاریخی هشت ساله محدود کنیم، بلکه باید زیستن ارزشمند و بر پایه فضیلت های انسانی و اخلاقی را به عنوان اصل و پایه دفاع مقدس، برای نوجوانان به تصویر بکشیم.»

سرهنگ پاسدار حسن علایی، مسؤول معاونت انتشارات اداره روابط عمومی و انتشارات سپاه پاسداران و سردبیر ماهنامه «پیام انقلاب» نیز اظهار داشت: «با توجه به حجم گسترده کمی و کیفی کتاب های مرتبط با جنگ تحمیلی، گرچه زمان برگزاری این جشنواره دیر شده، اما در افزایش انگیزه نویسندگان و آشنایی بیشتر مخاطبان با آثار این حوزه، موثر خواهد بود.»

سرهنگ علایی افزود: «جشنواره ربع قرن، در صورت توجه به همه آثار منتشر شده توسط ناشران دولتی و خصوصی، مأمور و پناهگاه کتاب های دفاع مقدس خواهد شد.»

سردبیر ماهنامه «پیام انقلاب» با تاکید بر لزوم جمع آوری علمی کتاب های جنگ تحمیلی، خاطر نشان کرد: «ارائه اطلاعات جامع آثار دفاع مقدس، یکی از مهم ترین اقداماتی است که از جشنواره ربع قرن انتظار می رود. البته این حرکت، به صورت پراکنده توسط نهادهای مختلفی نظیر سپاه پاسداران صورت گرفته است اما اطلاعات کاملی از تمام کتاب های چاپ شده در سراسر کشور موجود نیست.»

وی یادآور شد: «معرفی و تقدیر از ناشران و نویسندگان فعال در جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، باعث رونق بازار نشر کتاب در این حوزه و جذب اهالی قلم به سوی ادبیات پایدار می شود.»

همچنین به اعتقاد رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس ارتش، جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، فرصت مناسبی برای معرفی نویسندگان نظامی به جامعه است و برگزاری چنین جشنواره هایی باعث ایجاد ارتباط بین آنها و نسل جوان می شود.

امیر سرتیپ حسن سیفی در این باره تصریح کرد: «ادبیات نظامی، به دلیل نگارش محدود اثر توسط نظامیان، هنوز جایگاه خود را در جامعه پیدا نکرده است و برگزاری جشنواره هایی مانند ربع قرن کتاب دفاع مقدس، باعث معرفی این نویسندگان به جامعه و ایجاد ارتباط بین آنها و قشر جوان می شود.»

رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس ارتش، خاطر نشان کرد: «جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس، فرصت مناسبی برای معرفی نظامیان صاحب قلم به جامعه است. چون نویسندگان خوش فکری در ساختار ارتش حضور دارند که هنوز معرفی نشده اند.»



تازه ترین کتاب های چاپ شده

# معنای شمایل ها و رقص با توفان

چاپ و منتشر شده است. این داستان های طنز روایت سرگذشت انسان هایی است که به برکت نبوغ یا خباثت خود به شهرت رسیده اند. میرعباسی چهره هایی را که به عنوان شخصیت اصلی داستان های خود برگزیده در عالم واقع از شهرت و محبوبیت فراوانی برخوردارند. چهره هایی مانند لویی آراگون، جان وین، مارکن دوساد فرانکشتاین و ...

نشر افراز یکی از ناشران فعال ماه های اخیر است که ضمن چاپ آثار نویسندگان برجسته جهان، آثار نویسندگانی از ایران را نیز منتشر می کند که از شهرت چندانی برخوردار نیستند یا نخستین کتاب هایی اند که تالیف یا ترجمه کرده اند. جالب این که اغلب این آثار با اقبال جامعه نیز روبه رو می شوند.

«رقص با توفان» رمانی به قلم محمدرضا آریان فر است. نویسنده در نظر داشته ابتدا از سوژه این رمان نمایشنامه ای بنویسد که نشد و قلم، او را برد تا کرانه رمان.

«زن دیوانه روی پل» مجموعه ای از داستان های کوتاه سو توگن نویسنده چینی است که با برگردان کیهان بهمینی به بازار آمد. داستان «زن دیوانه روی پل»، به شکلی زیبا به فروپاشی شکوه چین باستان و سلسله پادشاهی مطرود می پردازد. دوران پس از انقلاب چین و بحبوحه سقوط اخلاقیات را که در نتیجه کمونیسم و اقتصاد بری آن به وجود آمده، تصویر می کند.

نقد اقتصاد سیاسی سرمایه داری نئولیبرال است که توسط موسسه انتشارات نگاه منتشر شده است. نویسنده در مقدمه اشاره می کند: «کوشیده ام به اجمال ضمن ترسیم سیمای سیاسی - اقتصادی نئولیبرالیسم با تاکید بر تبعات خصوصی سازی ها و نقش مخرب سهام مسموم در بازار بورس، تصویری از چیستی پیدایش و فرسایش آخرین و هارترین ایدئولوژی سرمایه داری ارائه دهم و تا حد ممکن به نقد بحران سرمایه داری بپردازم.»

«ایدئولوژی نئولیبرال» عنوان مجموعه مقالاتی است که پرویز صداقت گردآوری و ترجمه کرده و موسسه انتشارات نگاه ناشر آن است. ایدئولوژی نئولیبرالیسم که ریشه در فرهنگ سیاسی آمریکایی دارد، حاصل پیوند لیبرالیسم کلاسیک و اقتصاد نو کلاسیک است. صداقت در این کتاب مجموعه ای از مقالات را گردآوری کرده که در نقد ایده ها، اصول، آموزه ها، نمادها و اسطوره هایی که مبنای فکری نئولیبرالیسم را پدید آورده، نوشته شده اند.

«شهر بانو طلا» دومین مجموعه داستان انوشه منادی شامل ۲۱ داستان کوتاه است که توسط نشر افق منتشر شده است. منادی در این داستان ها می کوشد تا با کشف شاخصه هایی نو در روایت مدرن، به سبکی از آن خود دست یابد.

«چه کردند ناموران» مجموعه ای از داستان های طنز نوشته کاوه میرعباسی است که توسط نشر افق

مدل و پس از آن جواب ارائه کننده آن مدل به نقد ها آورده شده است. نویسندگانی چون پت دوین، دیوید کوتز، ال کمپبل، دیوید لایمن و ... در اثر حاضر دیدگاه های خود را به بحث می گذارند.

نشر دیگر، کتاب «ادبیات داستانی در ایران» را به قلم سعید وزیری منتشر کرده که از روزگار باستان تا مشروطه را دربرمی گیرد. این کتاب، مجموعه ای بسیار متنوع از اسطوره ها، قصه ها و حکایت ها و داستان های گوناگون است که رشته ای نامرئی بخش های متنوع آن را به هم پیوند می زند. نویسنده نگاهی کوتاه و گذرا بر مسیر تحول داستان در ایران از آغاز تا انقلاب مشروطه دارد و آثار منتشر شده را بر بستر تاریخی، زبانی، قومی و متن شناسی این سرزمین مورد کنکاش قرار می دهد و به آنچه داستان نویسان امروز نیاز دارند، اشاره هایی موجز و ضروری دارد و نمونه های داستانی دوره های مختلف را بررسی کرده و نمونه های برجسته آن را ارائه می کند.

«فرهنگنامه زرقان» نام کتابی تالیف دکتر محمدجعفر ملک زاده است که در شیراز چاپ شده است. زرقان شهری باستانی در میانه راه شیراز به تخت جمشید است. این کتاب در چهار بخش تالیف شده که شامل واژگان، مثل ها، قصه ها و شرح بازی های قدیمی زرقانی است.

«بحران» عنوان کتابی تالیف محمد فراگزلو در

«معنای شمایل ها» پژوهشی به قلم لئونید اسپینسکی و ولادیمیر لوسکی با ترجمه مجید داوودی است که از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است. «معنای شمایل ها» کتابی در حوزه تاریخ هنر است که در آن نقاشی های مذهبی روسی در دوره قرون وسطی تحلیل و بررسی می شود. اسپینسکی یکی از نویسندگان این کتاب، هم منتقد و تحلیلگری است خبره، هم نقاشی است چیره دست. از سویی نویسنده دیگر کتاب ولادیمیر لوسکی یکی از متکلمان برجسته مسیحیت ارتودکس شرقی است که در موسسه سنت دیونیزوس پاریس به تعلیم اصول عقاید و الهیات اشتغال دارد. متفکری که کتاب دیگرش «الهیات عارفانه کلیسای شرقی» کاملاً شناخته شده است و علاقه اش در کتاب «معنای شمایل ها» نیز به خوبی نمایان است. نویسندگان این کتاب برای ترسیم تصویر مناسبی از هنر شمایل نگاری و مصداق آن، پیوند میان هنر روسی و فرهنگ مذهبی اروپای شرقی را با تاکید بر متون رسمی و آراء مفسران و بنیان گذاران اصلی آن، به شکلی ژرف و هوشمندانه بررسی کرده اند.

«مدل بهای سوسیالیسم مشارکتی» مجموعه مقالاتی از صاحب نظران عرضه اقتصاد است که با ترجمه ح.ریاحی از سوی نشر دیگر چاپ و منتشر شده است. در کتاب حاضر ۷ مدل اقتصادی - اجتماعی سوسیالیسم پیشنهاد شده است و در پایان هر مقاله، دو نقد از دیگر نویسندگان این کتاب نسبت به آن

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات معروف با بیست و یک عنوان کتاب پرکارترین ناشر باقی شریقرش با بیست عنوان پرکارترین مولف؛ و محمود عزیزی با چهار عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

## گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. تا شنبه ۸۸۸/۲۲۱ تا چهارشنبه ۸۸۸/۲۲۵، ۱۰۳۷ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب ها در موضوع دین و سپس آموزش و مکتدرسی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم عملی، ادبیات کودک و نوجوان و سایر موضوعات قرار دارند.

## گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تایید*	ترجمه	چاپ اول	نسخه چاپ	تهران	شهرستان	نشران متوسط	نوسط صفحه
۱	ادبیات	۲۴	۲۰	۴	۱۵	۹	۱۷	۷	۲۰۹۹	۲۵۲
۲	فلسفه و روانشناسی	۵۴	۲۲	۳۱	۲۴	۳۰	۲۹	۱۵	۲۴۳۸	۲۶۴
۳	دین	۲۰۲	۱۸۰	۲۲	۱۱۷	۸۵	۹۲	۱۱۰	۳۱۲۶	۲۹۸
۴	علوم اجتماعی	۸۸	۷۴	۱۴	۵۳	۲۵	۲۱	۱۷	۲۰۲۲	۲۸۷
۵	زبان	۳۱	۲۸	۳	۱۸	۱۳	۱۳	۲	۳۵۴۲	۲۲۶
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۸	۲۴	۴	۲۹	۹	۲۹	۹	۲۲۹۹	۲۵۲
۷	علوم غنی	۱۲۹	۹۶	۳۳	۸۹	۵۰	۱۰۷	۳۲	۲۱۱۷	۲۵۷
۸	هنر	۳۵	۲۵	۱۰	۱۹	۱۶	۳۰	۵	۲۲۱۴	۱۶۶
۹	ادبیات	۱۱۱	۹۷	۱۴	۵۹	۵۲	۹۶	۱۵	۲۶۴۹	۲۰۸
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۵۰	۴۴	۶	۳۱	۱۹	۲۷	۱۲	۲۲۰۴	۲۴۸
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۱۶۸	۱۶۷	۱	۱۶۲	۶	۱۶۰	۸	۲۰۹۸	۲۱۱
۱۲	کودک و نوجوان	۱۰۷	۷۸	۲۹	۴۰	۶۷	۸۴	۲۲	۴۷۳۸	۴۳
۱۳	جمع بندی	۱۰۴۷	۸۶۶	۱۸۱	۵۱۹	۵۲۸	۹۹۱	۲۵۶	۲۷۲۱	۲۲۷

\* «تایید» به معنی تازگی اطلاعات می باشد که ترجمه نشده اند. اگرچه این جدول براساس آمار کلی و تفکیک شده است. \*\* منظور از موضوع آموزشی و کمک درسی، کتب کمک درسی است که به نوبه خود در سایر موضوعات آموزشی نام مناسبی ندارند. راهمبانی و ترجمان مربوط هستند و مطالب آنها دانش آموزان از بیرون هستند تا بیرون هستند.

## شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گزارش آماری کتاب	۱۲۵۰۰۰ ریال	امپراتوری روم باستان، از است کوتزل، بهروز بیخایی، محمدابا، ناشر: قدیمی، کتاب های نطفه، چاپ ۰۳، ۲۵۰۰ نسخه، ۱۱۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۹ مرتبه	باستان لیبی و مجنون (نقش گنجوی)، ناشر: قدیمی، ۲۴۲ نسخه، ۲۲۰۰ نسخه، ۲۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۵۰۰۰ نسخه	کتاب تصویری جانوران، ناشر: قمر کتاب، چاپ ۰۷، ۱۲، ۱۲، ۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	امام حسین (ع) اعجاز جاویدان، زهر حسنی، ناشر: ابتکار دانش، ۷۲ نسخه، ۱۲۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۲۹۸ صفحه	دایره المعارف عجایب تنگنا، نگیز، ای. بی. آرمسترانگ، پریسا هدایت روز، ناشر: ذکر، چاپ ۰۱، ۳۱۰۰ نسخه، ۴۹۰۰۰ ریال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گزارش آماری کتاب	۲۰۰۰ ریال	گمان رایگان زادگی، ناشر: شهر، چاپ ۰۸، ۴۸، ۵۰۰۰ نسخه
گزارش آماری کتاب	۲۴۵۰۰۰ ریال	فرهنگ پزشکی فورنادا انگلیسی - فارسی (ریز چاپ)، ویدیا، الفزان، دیوین، دورشد، آیدین تبریزی، ناشر: فانی جهانی، چاپ ۰۲، ۱۶۸۸، ۱۲۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۸۰ مرتبه	قانون تجارت با آخرین اصلاحات و الحاقات همراه با مواد ۲۱ الی ۹۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۱۳۱۱ قانون تجارت انکرونیک، این نامه اصلاحی لیت تشکیلات، ناشر: دیما، ۳۶۸ نسخه، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۲۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۴۰۰۰۰ نسخه	منتخب مقالات جهان: ترشت خط با علامت وقفه، عباس قلی، رما مرندی، ناشر: حافظ نوین، چاپ ۰۸، ۷۲۸، ۱۶۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۶ نسخه	تایخ تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، ناشر: استانداری اسطهران، معاونت برنامه ریزی، دفتر آمار و اطلاعات، چاپ ۰۱، ۳۱۶، ۱۰۰ نسخه
بیشترین صفحه	۱۲۲۲ صفحه	الفران انکریه با ترجمه فارسی روان، ناصر مکارم شیرازی، ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ ۰۱، ۵۰۰۰ نسخه، ۹۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۲۴ صفحه	کاهان داریوش - سغنی (سوزد) - Myrtus communis، ناشر: پوند، چاپ ۰۱، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۸۰۰۰ ریال

## شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گزارش آماری کتاب	۷۵۰۰ ریال	کتاب مجبوعه نکات ادبیات فارسی - زبان انگلیسی، دیار لسان آینه دان، ناشر: موسسه فرهنگی آینه دان، چاپ ۰۳، ۴۸، ۱۰۰۰ نسخه
گزارش آماری کتاب	۱۴۵۰۰۰ ریال	کنکور کارشناسی ارشد کتاب جامع انتقال حرارت، ویژه رشته های: مهندسی مکانیک، مهندسی شیمی، مهندسی هسته ای، مهندسی پلیمر، مهندسی انرژی، خلاصه مطالب - بهروز خداگرمی، ناشر: آزاد، چاپ ۰۶، ۷۴۴، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۱۵ مرتبه	دفتر برنامه ریزی به روش قلمچی، کامله قلمچی، ناشر: گامون فرهنگی آموزش، ۱۸۴ نسخه، ۵۰۰۰ نسخه، ۳۹۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰ نسخه	ریاضیات پایه پیش، بیستلی، منوچهر صفاری، ناشر: آوای آزاد، چاپ ۰۲، ۳۲، ۱۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۴۰۰ نسخه	بخوابیم و بنویسیم توردی ابتدایی، طاهره اسدی، ناشر: آموزش علوم، چاپ ۰۱، ۱۳۰، ۱۰۰۰ نسخه

تعداد ناشران در این هفته	تعداد ناشران بدون ثبت	تعداد پدیدآورندگان		تعداد کتاب های ایست
		مؤلف*	مترجم	
۴۰۳	۹۹	۱۱۰	۶۷۱	۸

\* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و...) به جز مترجم.





نگاهی به آثار لوییس لوری به بهانه ترجمه دومین کتاب بحث برانگیزش

# جنگ پدران و مادران و منتقدان ادبی بر سر یک کتاب



لوییس آن هامرزبرگ لوری، یکی از چهره های شاخص ادبیات کودکان و نوجوانان است که در جامعه ادبی با نام لوییس لوری شناخته شده است. او تاکنون نزدیک به ۳۰ جلد رمان و یک اتوبیوگرافی نوشته است. شهرت آثارش به دلیل بازتاب بحث برانگیزشان در بین مردم است. «بخشنده»، «شمارش ستارگان»، «پیامبر»، «در جست و جوی آبی ها»، «تابستانی برای مردن»، «سری داستان های آناستازیا» و چند سری داستان دیگر برای کودکان و نوجوانان از آثار مشهور وی است. در این بین کتاب «بخشنده» با ترجمه فارسی کیوان عبیدی آشتیانی در سال ۱۳۷۹ توسط نشر چشمه در ایران منتشر شده است و رمان «در جست و جوی آبی ها» که به نوعی ادامه رمان جنجالی «بخشنده» محسوب می شود، با برگردان همین مترجم به زودی روانه بازار کتاب ایران می شود.

خواندن «بخشنده» که در آن لوییس لوری، آرمان شهری دروغین را به تصویر می کشد و شخصیت اصلی داستان در تلاش افشاکاری آن است، در بسیاری از مدارس آمریکا ممنوع شده است و این در حالی است که این اثر توانسته نزدیک به ۱۰ جایزه ادبی را از آن خود کند. جنجالی که این اثر به پا کرد، نه تنها لوییس را نترساند، بلکه او را در نوشتن مصمم تر از قبل کرد. او رمان «در جست و جوی آبی ها» و «پیامبر» را در ادامه «بخشنده» نوشت که بازتابی مشابه در جامعه ادبی و بین مردم داشت. آثار وی اصولاً بازار نقد را همیشه داغ نگه داشته و منتقدان بسیاری را به کارزار گفت و گو می کشاند. آرمان شهر و اتوپیا یا شهری پادارمانی، زندگی توی هر دو جامعه در آثار لوییس لوری امکان پذیر است. همان نویسنده ای که بسیاری از منتقدان ادبی را در مقابل پدر و مادرهایی کشاند که نگران این بودند که نکند فرزندشان کتابی نامناسب در دست داشته باشد. هر دو طرف هم به نوعی پیروز شدند. هم پدر و مادرها توانستند خواندن این کتاب ها را در برخی از مدارس ممنوع کنند و هم جوامع ادبی این آثار را جایزه باران کردند.

لوییس آن هامرزبرگ لوری، متولد ۲۰ مارچ ۱۹۳۷ میلادی، نویسنده ای آمریکایی است که کارش را ابتدا با روزنامه نگاری آزاد و عکاسی شروع کرد. او اسط دهه ۷۰ میلادی بود که به نویسندگی در حیطه ادبیات کودکان و نوجوانان پرداخت.

از بین آثارش دو کتاب «شمارش ستارگان» (۱۹۹۰) و «بخشنده» (۱۹۹۴) برنده جایزه «نیویورک» شده است. لوییس دومین فرزند خانواده پنج نفری هامرزبرگ بود. هلن، خواهر بزرگ ترش در ۱۹۶۲ و وقتی فقط ۲۸ سال داشت، درگذشت. مرگ او برای لوییس درد و رنج جانکاهی به دنبال داشت که به گفته خودش، تنها با نوشتن اولین کتابش که «تابستانی برای مردن» نام داشت، توانست به این غم پایان دهد. این اثر که در ۱۹۷۷ به چاپ رسید درون مایه ای از جریان زندگی خود لوییس و پیوند عجیبش با خواهرش و سپس مرگ او دارد. با این حال به نظر می رسد که لوری خیلی هم در فراموش کردن مرگ خواهرش موفق نبوده. او در کتاب دیگرش به نام «شمارش ستارگان» که ۱۳ سال بعد چاپ شد، به دنبال راهی برای رسیدن به همان مضمون است.

به غیر از مرگ که نمی توان منکر تاثیر فراوانش در آثار لوییس شد، سفر دومین عامل موثر در زندگی او است. پدر لوییس لوری دندانپزشک ارتش بود و به همین علت او دوران نوجوانی و جوانی اش را در سفر گذراند. جنگ جهانی دوم هنگامی شروع شد که لوری دختری دبیرستانی بود و این شانس را داشت که دوران دبیرستانش را در ژاپن بگذراند و تا حدی با فرهنگ شرق آشنا شود. بعد از آن در سال ۱۹۵۴ وارد دانشگاه براون شد و ۱۹ سالش بود که تحصیل را به علت ازدواج

با یک افسر نیروی دریایی رها کرد. ازدواجی که عمرش ۲۱ سال بود و حاصل آن دو دختر و دو پسر.

با بزرگ شدن فرزندانش، لوییس فرصت بیشتری برای نوشتن پیدا کرد و توانست در ۱۹۶۲ تحصیلاتش را در رشته ادبیات انگلیسی تکمیل کند. ذوق نوشتن و عشق به عکاسی باعث شد که سر از دفتر روزنامه ها و مجلات در بیاورد. همان زمان که مقاله هایی می نوشت و اصرار داشت که عکس های مربوط به آنها را نیز خود تهیه کند، سردبیرش متوجه قلم محکم و ذهن خلاق او شد. تا آن زمان مخاطب نوشته هایش همیشه بزرگسالان بودند اما نگرش کودکانه اش او را از دیگران متمایز می کرد. لوییس خود درباره این سال ها می گوید: «فرزنداتم بزرگ شدند، من هم همین طور. من تحصیلاتم را کامل کردم و توانستم حرفه ای بنویسم.» و در ادامه می گوید: «روای نوشتن را از کودکی در سر داشتم. از همان زمان بود که دفترچه های کوچکم را با داستان های کوتاه و اشعار پراکنده خط خطی می کردم.»

دغدغه های آثار لوییس لوری بیشتر موضوعات جدی اند که با مسائل خنده دار درمی آمیزند. نگاه انتقادی اش به دنیای امروز در بستری از حوادث نادر شکل می گیرد که نه تنها در بین کودکان و نوجوانان طرفداران زیادی دارد بلکه بزرگسالان هم به خواندن این رمان ها ترغیب می شوند.

در ۱۹۹۵ تلخی مرگ دوباره با کشته شدن پسرش در یک سانحه هوایی به زندگی لوییس سایه انداخت. او در این باره می گوید: «مرگ پسر، در اتاقک هواپیما قسمتی از دنیای مرا از من جدا کرد و برد. اما از طرفی، انگار سرانجام او با پیوستن به دیگران، توانست راهی برای خود پیدا کند که به بی ثباتی در این زمین خاکی پایان دهد و من به او افتخار می کنم.»

این نویسنده ۶۲ ساله آمریکایی، اکنون از امید به زندگی می نویسد و می گوید: «من اینک مادر بزرگ شده ام. چهار نوه دارم. من برای این چهار نوه و تمام کودکان دنیا می نویسم. سعی می کنم در داستان های مشکلائی که در این دنیا به آنها تیره شدیم را نقل کنم. چرا که آینده با توجه ما به «اکنون» ساخته می شود. آینده به بیان دیگر به توجه و فعالیت هر چه بیشتر ما محتاج است.»

بسیاری از رمان های لوییس لوری، به علت پرداختن به موضوعات پیچیده، بازتاب بحث برانگیزی در جامعه داشتند. مخصوصاً کتاب «بخشنده» که از طرف گروهی از پدرها و مادرها مورد انتقاد قرار گرفت. او در این رمان جامعه ای ایده آل را در قالب کلمات

بینش، خاطرات، رنگ، درد، عشق و حقیقت را به پسرک بخشید. هر زمان که کتابی را در دستان کودکی می گذارید، شما هم «بخشنده» می شوید. می تواند خیلی خطرناک باشد. اما هر زمانی که کودک کتابی را باز کند، دری به سوی جای دیگری باز می کند و به او جرات انتخاب می دهد. آزدش می کند و این بسیار زیبا ولی ناامن است.»

نویسنده در طول این کتاب، در پس تمام حوادث، می خواهد اعتقادات مردم را مورد آزمایش قرار دهد. او می خواهد مردم را با وجدانشان درگیر کند. آیا مردم حاضرند برای تشکیل جامعه ای مستحکم تر انسانیت خود را زیر پا بگذارند؟ لوییس لوری در «بخشنده» مفهوم های حقیقی را در قالب داستان بازگو می کند. مفاهیمی چون زندگی - که گاه تلخی اش بسیار زنده است و لوری از یادآوری آن ترسی ندارد - با تمام جبری که زیر سایه سیاه تاریخ با خود به این سو و آن سو می کشد.

موضوع بحث برانگیز رمان های لوری در تضاد و دو دستگی نقد این آثار است. از طرفی با منتقدانی مثل آنتیا سیلوی، نویسنده «۱۰۰ تا از بهترین داستان های کودکان و نوجوانان» روبه رو است که از «بخشنده» به عنوان یکی از بهترین رمان های علمی تخیلی دهه ۹۰ یاد می کند و در جایی دیگر منتقدان این گونه از آثار لوری تمجید کرده اند و گفته اند: «نگاه قدرتمند لوری، سبک نوشتاری ساده و بیان مستقیم و بی تکلفش حس دفاع از آزادی را در خواننده زنده می کند.» از طرف دیگر، این اثر با پدر و مادر فرزندان روبه رو است که نمی خواهند کودک ۸ ساله اشان با جنایت یا همان «هاسازی» به این زودی آشنا شود. در برابر تمام این جنجال ها لوری ساکت نمی نشیند و به سبک بحث برانگیز نوشته هایش هم خاتمه نمی دهد، بلکه با همین مضمون به نوشتن آثار دیگر خود می پردازد. «در جست و جوی آبی ها» و «پیامبر» دو رمان دیگرش است که در ادامه رمان «بخشنده» نوشت. داستان «در جست و جوی آبی ها» در جامعه ای اتفاق می افتد سراسر سیاهی، بدبختی و بیماری. جامعه ای که در آن ظلم و جنایت همه جا را پر کرده.

در این میان دختر یتیمی به نام «کایرا» در داستان تصویر می شود که دارای نیرویی فوق طبیعی است. کایرا دوستانی دارد که آنها هم از این نیرو بی بهره نیستند. او بافنده ای زبردست است. شروع به بافتن ردایی می کند که در آن تاریخ جهان منعکس می شود. آنها با نیروهای شگرت خود به مبارزه با پلیدی ها می پردازند. کایرا با هر رنگ قسمتی از تاریخ را می بافتد. تا جایی که به رنگ آبی می رسد و این زمانی است که جوناس (شخصیت داستان «بخشنده») به این رمان نیز وارد می شود.

خواننده در طول داستان، همیشه با نشانه های جزئی روبه رو است که از رنگ آبی به عنوان نماد رهایی و آزادی استفاده می کنند. «در جست و جوی آبی ها» به علت شخصیت پردازی بی عیب و نقص همیشه تحسین منتقدان را به دنبال داشته.

لوییس لوری درباره انگیزه اش از نوشتن این رمان می گوید: «از زمانی که بخشنده را نوشتم، لحظه ای نبوده که به ادامه اش فکر نکنم. بسیاری از سوال ها و اگرها در آن داستان بی پاسخ مانده بود که باید به آنها جواب می دادم.»

او منبع الهامش را مدیون خاطرات و رویاهای شبانه و خیالپردازی های روزانه اش می داند و می گوید: «تمام اینها با چیزهایی که در روز می خوانم و می بینم، با هم جمع می شوند و در یک لحظه جرقه ای روی کاغذهای میز کارم می بینم. آن زمان است که جادوی کلام آغاز می شود.»

به تصویر می کشد. آرمان شهری بی نظیر. در این جامعه فقر وجود ندارد. بیماری نیست. تاریخ مدفون شده. قتل و غارت و جنایت اتفاق نمی افتد. همه مردم شاد زندگی می کنند. زوج ها، جفت جفت همدیگر را به آسانی پیدا می کنند، عاشق می شوند، ازدواج می کنند و حاصل ازدواجشان دو فرزند خوشبخت دیگر است. نوجوانان وقتی که به ۱۲ سالگی می رسند، در جشنی باشکوه ماموریت آنها برای باقی مانده زندگی مشخص می شود. به جز نوجوانان، بزرگان نیز هستند که در خانه های گروهی زندگی می کنند و منتظر زمان مناسب هستند تا «رها» شوند. مرگ در این رمان آرمانی «رها شدن» معنی می دهد.

لوییس لوری، به جای مرگ و جنایت از واژه «رها شدن» و در جایی دیگر از عمل «هاسازی» استفاده می کند. کودکانی که به دلایل متفاوت نمی توانند به خواسته های از پیش تعیین شده جامعه عمل پیوشانند بی سر و صدا رها می شوند. داستان بازگوکننده زندگی «جوناس» پسری است که در جشن ۱۲ سالگی اش او را به عنوان «گیرنده و محافظ خاطرات» انتخاب می کنند. او برای آمادگی انجام ماموریتش تحت تعلیم و سرپرستی پیر مردی به نام «بخشنده» قرار می گیرد. به علت اختلال در روند آموزش کم متوجه می شود حقیقت وجود آرمان شهری که در آن زندگی می کند، دروغی بیش نیست. او به اشتباه با زیبایی رنگ ها، عشق، تفر و معنی واقعی جنایت که در دنیای او با عبارت «هاسازی» از آن یاد می شده آشنا می شود. این شخصیت داستانی با این ریاکاری به جنگ برمی خیزد. به تدریج می فهمد که قیمت گزافی باید در راستای هدفش پردازد و ترجیح می دهد مردم را در شادی کاذبشان رها کند.

این نویسنده آمریکایی درباره رمان «بخشنده» می گوید: «مردی که من او را بخشنده نامیدم، تاریخ،

**دغدغه های آثار لوییس لوری بیشتر موضوعات جدی اند که با مسائل خنده دار درمی آمیزند و نگاه انتقادی اش به دنیای امروز در بستری از حوادث نادر شکل می گیرد**



## روایت اول شخص

### قصه های شب

گیتا گرکانی؛ مترجم



این ماه چهار جلد دیگر از مجموعه هفتگانه «الکس رایدر» را انتشارات کاروان با ترجمه من روانه بازار نشر می کند. هفتگانه الکس رایدر نوشته آنتونی هروویس ویژه نوجوانان بالای ۱۲ سال است و در قالب ادبیاتی که «ادبیات بدون مرز» نام گرفته، نگارش شده است.

«دو صفر هیچ»، «مدرسه شوم»، «گذرگاه اسکلت» عنوان های سه جلد نخست این هفت گانه است که تاکنون منتشر شده و «اسکورپیا»، «سر مار»، «هجوم عقاب» و «آرک انجل» هم عناوین چهار جلد دیگر این مجموعه اند.

همچنین، در فعالیتی داوطلبانه کار گردآوری مجموعه داستانی با عنوان «قصه های شب» را برای موسسه کودکان دنیا آغاز کرده ام که امیدوارم هر چه زودتر به نتیجه برسد. در این فعالیت داوطلبانه تلاش دارم مجموعه ای از داستان های مفید برای کودکان را گردآوری و روانه بازار نشر کنم. «موسسه پژوهشی کودکان دنیا» نهادی خیریه است که برای بچه های خردسال کار می کند.

«پند های سوراو» نوشته فرانس کافکا، عنوان آخرین کتاب من است که چندی قبل از سوی انتشارات کاروان منتشر شد.

### هستی غزل

سید محمود سجادی؛ شاعر

«زیستن با شعر» شامل ۲۵ مقاله در بررسی مسائل نظری شعر و شاعران از رودکی تا شاعران معاصر را به رشته تحریر آورده ام که آماده انتشار است. این کتاب بیشتر به صاحبان اثر ادبیات منظوم نواختصاص دارد. تمام کارهای ویراستاری این کتاب انجام شده و آن را به انتشارات فصل پنجم سپرده ام.

از سوی دیگر، حدود ۷۰ قطعه شعر جدید منتشر نشده ام را در کتابی با عنوان «ایستگاه کجاوه لیلی» گردآوری کرده ام. سروده های این مجموعه در پنج دفتر به مضامین و موضوعاتی چون طبیعت، احساس و عواطف بشری، همبستگی انسانی و به طور کلی اجتماع اختصاص دارد. به بیان دیگر، می توانم بگویم نوعی نخله اجتماعی در تمام این سروده ها در قالبی عاطفی و عاشقانه حضور دارد و نشر افزان را منتشر می کند.

به زودی این ناشر دو کتاب دیگر، یکی با عنوان «هسته و هستی غزل» و دیگری «البرز در آبگینه» را از من منتشر می کند. «هسته و هستی غزل» به مسائل تاریخیچه غزل و شعر تغزلی و لیریک در ایران، از پیش از اسلام تا زمان معاصر، می پردازد. در آینده نیز غزل نو و غزل پس از انقلاب را در کتاب دیگری بررسی خواهیم کرد.

مقالاتی درباره ادبیات داستانی ایران در قالب نظم و نثر از داستان نویسان کلاسیک مانند نظامی، که البته به عنوان شاعر مطرح است اما داستان های منظوم و منثور بسیاری دارد، تا نویسندگان معاصر مانند زویا پیرزاد را در کتاب «البرز در آبگینه» گنجانده ام. در نظر دارم ادبیات داستانی پس از انقلاب را نیز در کتابی بررسی کنم.

مجموعه ای از ۱۵ مقاله نیز درباره ۱۵ چهره برگزیده شعر امروز مانند مهدی اخوان ثالث، محمد حقوقی،

سهراب سپهری، نیمایوشیح، احمد شاملو و برخی دیگر از شاعران را آماده انتشار دارم. این مقاله ها شامل نقدهایی می شود که من پیش تر بر آثار و شعر این شاعران نوشته ام.

### شعرهای جنگی

محمود پوروهاب؛ شاعر

به تازگی مجموعه ای از شعرهایم را برای چاپ در کتاب ویژه نوجوانان جمع آوری کرده ام که به زودی توسط انتشارات به نشر روانه بازار نشر می شود.

عنوان این مجموعه شعر که مراحل پایانی نشر را سپری می کند، «هر پرنده با ترانه اش نفس کشید» است و شعرهایی با مضمون جنگ را شامل می شود. برخی از اشعار این مجموعه هم به طور خاص شعر دفاع مقدس اند. عنوان دیگر کتاب زیر چاپم «سکه هایی به نام محمد (ص)» است که داستانی را از زندگی امام محمد باقر (ع) برای کودکان نقل می کند.

انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم به زودی از من کتابی با عنوان «این صدای علی» را منتشر می کند که روایت هایی از افراد مختلف درباره حضرت علی (ع) است.

همچنین، به تازگی کار بازنویسی برخی از متون کهن فارسی را شروع کرده ام که تاکنون بازنویسی پنج داستان از داستان های کهن نظامی به پایان رسیده و آنها را به ناشر سپرده ام. این مجموعه قرار است در ۲۱ جلد توسط انتشارات «عروج اندیشه» به چاپ برسد که قرار دادهای نشر مجلد های نخست این مجموعه هم به امضا دو طرف رسیده است. انتشارات امیر کبیر به تازگی مجموعه شعر نوجوان من با عنوان «تو با من قدم می زنی» را منتشر کرده که شعرهای اخیر من برای نوجوانان است.

### داستان های کوتاه کوتاه

سیامک احمدی؛ نویسنده



از سری مجموعه شعر «ابرو کمون» برای کودکان دو مجموعه جدید با نام های «ابرو کمون بازم قصه دندان» و «آبی می خواست آبی تر باشه» را تمام کرده ام. این کتاب ها

اکنون در مرحله تصویرگری اند. همچنین، سه مجموعه داستان کوتاه کوتاه را برای نوجوانان منتشر خواهم کرد. هنوز برای یکی از این مجموعه داستان ها عنوانی انتخاب نکرده ام اما دو مجموعه دیگر با عنوان های «بدون گف و گو» و «۵۵ داستان دیگر» و «ایستگاه خالی» و «۵۵ داستان دیگر» به موضوعات اجتماعی می پردازند. امیدوارم تا پایان امسال این سه مجموعه منتشر شوند. بیش از یک سال است که روی طرح این داستان ها کار می کنم. این داستان ها گاهی به یک صفحه هم نمی رسند و برخی از آنها در حد یک پاراگراف یا چند خط اند.

به نظرم قشر جوان و نوجوان ما تمایل بیشتری به این سبک دارند. حوصله خواندن رمان طولانی را ندارند و بیشتر در وبلاگ ها و وب سایت های ادبی به دنبال داستان های کوتاه و نوشته های چند خطی برای مطالعه می گردند.

در کلاس های آموزشی داستان کوتاه برای کودکان، همیشه استقبال و توجه نویسندگان را به داستان های کوتاه کوتاه دیده ام. اما برای چنین داستان هایی، قالب ثابت و تعریف مشخصی وجود دارد. بنابراین تعریف خودم را از این نوع نگارش ارائه دادم و در حال حاضر نیز مشغول تألیف کتابی در این زمینه با عنوان «مبانی داستان کوتاه کوتاه» هستم.

فعالیت دیگر من در زمینه تئاتر و نوشتن نمایشنامه است. دو نمایشنامه کوتاه بی کلام را نوشته ام و در حال حاضر روی طرح اولیه دو نمایشنامه دیگر کار

می کنم. این نمایشنامه های بی کلام به معنای «پانتومیم» نیستند بلکه معتقدم انسان ها گاهی نیازی به صحبت با یکدیگر ندارند و محور کلی این نمایشنامه ها نیز همین است.

«وهم مکافات» (براساس رمان جنایات و مکافات) و «کافه ای در ناکجا آباد» (نمایشنامه ای در سه اپیزود) عنوان نمایشنامه هایی اند که اخیرا نوشته ام و پس از نگارش دو مجموعه دیگر، تمام آنها را در کتابی منتشر خواهم کرد.

### گفتارهای ایران شناسی

فاروق صفی زاده؛ نویسنده



اخیرا سه اثر از من با عنوان های «تاریخ ایران، از پیش از تاریخ تا انقلاب اسلامی»، «واژه های ایرانی در قرآن» و «زیارت عاشورا به شش زبان» روانه بازار نشر شده که کتاب اول را انتشارات به آفرین و دو کتاب دیگر را انتشارات مدحت به چاپ رسانده است.

انتشارات مدحت همچنین به زودی کتابی با عنوان «امامان شیعه به روایت اهل سنت» را از من منتشر خواهد کرد. هم اکنون در حال آماده سازی مجموعه ای از ۸۰ داستان از داستان های ایران باستان با عنوان «دانشنامه ایران باستان برای نوجوانان» هستم که تقریبا کار آماده سازی آن به پایان رسیده و در ماه های آتی بر پیشخوان کتابفروشی ها قرار می گیرد.

در انتشارات به آفرین هم کتاب های «عرفان ایرانی»، «نگاره ها و نشان واژه های گرانیکی در ایران باستان»، «تبار شناسی یهود»، «گفتارهای ایران شناسی» (مجموعه مقالات) و «خدمات تمدنی فرهنگی ایران باستان» را زیر چاپ دارم.

### ۵۵ قسمت با «دهکده بزآبزا»

لاله جعفری؛ مترجم

این روزها کار گردآوری و ترجمه دانشنامه ای ویژه نوجوانان از زبان انگلیسی به فارسی را به پایان رسانده ام که به زودی توسط نشر پنجره منتشر می شود. این کتاب را از آخرین منابع ویژه نوجوان که در سال ۲۰۰۸ میلادی در اروپا منتشر شده، به فارسی ترجمه کرده ام و مجموعه ای مصور است.

همچنین، به تازگی دو کتاب با عنوان های «غول بیابونی» و «بی بوی بو» برای خردسالان تحریر کرده ام که این دو مجموعه را به زودی انتشارات به نشر به چاپ می رساند. «غول بیابونی» را راشین خیریه تصویرگری کرده و حال و هوایی فانتزی دارد. «بی بوی بو» را هم برای تصویرگری به علی خدایی سپرده ام که به نظر می رسد تصویرسازی برای آن تمام شده و نشر شهر به زودی آن را به پیشخوان کتابفروشی ها می فرستد. از طرفی، مدتی است با همکاری سرور کتبی، طاهره ایبده، سوسن طاقدیس، زهره پیری رخ و فروزنده خداجو، کار نگارش مجموعه انیمیشن «دهکده بزآبزا» را با سرعت به پیش می بریم و تاکنون نگارش ۵۵ قسمت از این انیمیشن به پایان رسیده است. احتمالا این مجموعه در یکصد قسمت نگارش می شود و کار تولید آن نیز به طور همزمان از سوی موسسه صبا آغاز شده است.

پرداختن به فضای سنتی ایران و به کارگیری داستان های کهن فارسی از جمله ویژگی هایی اند که در این مجموعه انیمیشن به کار گرفته ام و می توان گفت «دهکده بزآبزا» مجموعه انیمیشنی با پشتوانه ادبی است. در فعالیتی دیگر، همراه ۹ نفر از نویسندگان کودک و نوجوان در حال نگارش مجموعه داستانی موضوعی هستیم که در آن نویسندگان با موضوعی مشترک، اثری خلق می کنند و در آخر، داستان های هر یک از موضوعات در قالب یک کتاب منتشر می شود. پیش بینی می کنم این داستان ها مجموعه در ۲۰ جلد کتاب منتشر شوند.

### یادداشت

کامران شرفشاهی

نویسنده دفاع مقدس



### خاکریز کتاب های پایداری



ادبیات دفاع مقدس گنجینه گرانبهایی است که قدرش را باید دانست و گرامی اش داشت، چون میراثی شکوهمند و عظیم باید برای نسل های آینده یادگار بماند. ادبیات

پایداری ما دربرگیرنده عالی ترین جلوه های اینثار، سلحشوری و استقامت رشیدترین و مخلص ترین فرزندان آفتاب این مرز و بوم در دشوارترین برهه تاریخ این سرزمین است.

این نوع ادبیات غنی، تاریخ مصرف ندارد، چراکه جغرافیایی که ما در آن زندگی می کنیم همواره مورد طمع و عرصه جولان و تاخت و تاز بیگانگان بوده است، از این روروحیه مقاومت و مقابله با هر گونه تهدیدی باید در روح و جان جامعه ایران تازه بماند.

از سوی دیگر با خاموش شدن آتش توپخانه ها و فرونشستن صدای دهشتناک غرش هواپیماهای ویران گر دشمن و سپری شدن روزهای جنگ، تنهاره حفظ روحیه سلحشوری روزهای حماسه و آتش، ادبیات دفاع مقدس است؛ که می تواند و باید پلی باشد برای شناخت افزون تر از این حماسه ژرف و درک عمیق روزهای آبی اینثار و شهادت.

اگرچه امروز برخی می پندارند جنگ تحمیلی، به پایان رسیده است، اما شواهد حکایت از آن دارد که در جامعه ما هنوز هم پیامدهای جنگ دیده می شود. مقاومت مادر حوزه فرهنگ هنوز به پایان نرسیده است و جا دارد تمامی دستگاه ها، نهادها و ارگان های مرتبط با این موضوع حساسیت این مهم را درک کرده و ضمن ارتباط و تعامل پویا و هوشمندانه با اصحاب ادب و هنر امکان گردآوری، تدوین و نشر آثار مربوط به دفاع مقدس را فراهم کنند. اکنون به نظر می رسد آثار بسیاری از شاعران، نویسندگان و هنرمندانی که دوران دفاع مقدس را درک کرده اند جمع آوری و به چاپ نرسیده است و این کار با تعلل و تاخیر همراه بوده، در حالی که با توجه به ویژگی های عصر حاضر این انتظار به حق وجود دارد که از تعارف ها کم شود و در حوزه عمل شاهد تحرک و پویایی بیشتری باشیم.

همچنین به نظر می رسد با فاصله گرفتن زمانی از دوران دفاع مقدس رفته رفته از حجم برنامه ها و آثاری که باید در این حوزه خلق شود کاسته شده است که این موضوع شاید از سوء مدیریت ماست.

عرصه ادبیات دفاع مقدس جبهه ای است که نباید از آن غفلت شود و مسوولیت امور به دست کسانی سپرده شود که با دغدغه این حوزه و اهمیت و جایگاه آن آشنایی چندانی نداشته و فعالیتی در این زمینه انجام نداده اند.

در حال حاضر باید توجه بیشتری نسبت به نسل سومی ها و نسل های بعد مبذول داشت تا شاهد شکاف در اندیشه و باور این نسل نسبت به حماسه بزرگی که در این سرزمین به وقوع پیوسته نباشیم. در این میان، ظهور نسل شاعران شاهد (فرزندان شهدا، جانبازان، آزادگان و مفقودالائرها) در بستر ادبیات و شعر دفاع مقدس، یکی از اتفاقات مبارک سال های اخیر بوده است. روح ادبیات پایداری نیازی است در روح جامعه ما و پاسخ به این نیاز عمیق را نباید فرو گذاشت و فراموش کرد.